نشر الکترونیک فروغ مهر

Fmehr.com

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی پایان مر احدی را که ساکنان اطباق افلاک در نقوش تقریر و تحریر آن متحیر اند و ثنای بالانتها مر آن جل و علا که جامدین ارضین سبعین با وجود وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَعَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ در بیان آن عاجز اند آنجا که سراپرده جلال جمال جانها همه و الدوز بانها همه لال و آن واجب الوجود که مرغ کبریائیش در آشیانه حدوث نگنجد و آن باسط او جود که میزان علم و معیار عقل بقوت جلال و صفات سطورات کمالش نسنجد و آن بیچون که و بیران صحائف نعت شبندان صفائح و هوشمندان بدائع از یافتن ماهیت صمدیت بارشاد تَفَكَّرُوا فِي صِفَاتِي وَلَا تَتَفَكَّرُوا فِي ذَاتِي مطرود اند و آن صانع مصنوعات که اگر سبحان صوامع اجرام لاجوردی و مهللان مجامع ملکی و فصحای عربی در تحریر ثنا او فکر و همت بندند نکته از هزار دا نتوانند کرد و بحکم آیه مبر قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ستایش آن بیچون که کتم نابود خلایق را بمیدان شهود آورده خاصه برای آزمایش فرموده وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ معبودی که واصفان حلیه جمالش مقر اند که مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ و صوامع نشینان همه شب تهلیل گویان بذکر سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ و گاه سحرگاه عذر جویان که مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ چه معبودی که نامش حرز جانهاست ستایش جوهر تیغ زبانهاست و از اسمای پاکش هر کس تعویذ ساخته در گلو زبانها انداخته از بلیات و حوادثات محفوظ گردیده میگوید تعالی شانه زهی قیوم دانا توانای ده بهر ناتوانا و از تحت الثری تا سمک السما همه ممکنات بتون آن گویاست هر گیاهی که از زمین روید وحده لا شریک له گوید و صلوة بر آن سید کائنات و عمده الموجودات که موجب ایجاد ممکنات آن بود بحکم حدیث شریف لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ و لولاک لما اظهرت الربوبیة و از بهر شهود وجود آن مسعود ابتدا بود چنانکه در فی الحدیث اول ما خلق الله نوری بود بظاهر آن سید الانبیا و الاصفیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

و سلم در آخرین زمان بخلعت خاص اختصاص فرموده مبانی قواعد مرتفعت از بیان سهل و صلاح مضبوط ساخته ادیان سابقه را منسوخ کرده (محمد شه لاجوردی سریر کز او گشت هستی عمارت پذیر ز دروازه شرع رایت فراز بگنج فلک گوهر آرای راز) محمد چو شاه است عالم چو خیل که مقصود او بود جمله طفیل صلو اکرم چو نام در داده شد جهان جمله از نور او زاده شد خدائیکه هستی ده داد کرد زهره دی این سکه بر کار کرد فلک را بیاراست مانند باغ ز نور وی افروخت روی چراغ ز باغ رخش هست بستان گلی و در آن عز اسمه تعالی محبوب خود را هویدا پس برای خاطر آن رحمت عالمیان فرمود وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ و است مرحوم مرد برای ادای شکر آن وجود مسعود ارشاد فرمود إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا و نیز درود نامحدود بر آل و اصحاب آن محمود و تابعین و تبع تابعین و ائمه دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اما بعد بنده معاصی آگنده احمد حسین رمال ابن مولوی محمد حسین بن مفتی نیاز احمد صاحب مرحوم هزاروی مدت یازده سال از بوم زاد بسمت دکن آواره تا هفت سال گروه استادان اکمل فیض یاب شده بعرصه هفت سال در نفیس علوم دینیه و رمل و غیره حاصل ساخته بطریق سیاحت عازم شده شهر لکهنو بملازمت شاه جمجاه پادشاه غازی الدین حیدر ادخله الله تعالی فی الجنة کامیاب گردیده شرف سعادت بزرگان آنجا یار هیر نموده فیض یاب گردیده بتقاضای معصوم چند سال در حویلی بهمه جا قیام کرده کا شیخ مفتی شمس الدین مرحوم برد الله مضجعه و جعل الجنة مثواه که در آن زمن وحید الزمان بود شاگردی ورزیده تحصیل علم رمل و اکثر عملیات کرده بعد از سه سال از مراجعت بشهر مذکور نموده و قیام کرده در مطالع کتب علم رمل و تجربه عملیات از اسمای باری تعالی و آیات قرآن و نقوش تعویذات و تکسیرات و تسخیرات بسالها تجربه درست نموده بموجب صداقت شهره اند با فراد خلایق گردیده بملازمت نواب ممدوح عزت یافته در عدم فرصت برای انتفاع دوستان بعد از التماس محبان چند کلمه از هر علم آنچه از سن بانوده سالگی یاد داشتم سوای رمل که در وی چند نسخه مقصود علیحده تصنیف شده و خواهد شد باین اوراق رقم نمودم و خواستم که در یکجلدش کتاب جامع باشد آنچه از صادقه مجرب یافتم از علوی تکسیرات و تسخیرات و عمل مهوسات و غیره در این اوراق ثبت و بحقیقت خود تصور دیده در عهد عدالت پادشاه نصیر الدین حیدر خلد الله

سنه در سنه ۱۲۲۵ این نسخه مجلد ساخته که قبول نظر اکمل گردد و از نظر جاهل و نااهل محفوظ ماند نام این کتاب مجمل
جواهر عملیات کنز الحسین بعد از کوشش بلیغ نهادم و بیک مقدمه که مشتمل بر دو فصل و هفت باب مرتب
ساختم پس امید از بزرگان دارم که اگر در آن مطلع سهو و نسیان گردد بنظر عفو بپوشند فصل اول از مقدمه
در بیان حال غره محرم الحرام فصل دوم در بیان علم قیافه باب اول در ترکیب تعداد اسماء الهی بقاعده
صحت اسماء الحسنی و ترکیب عمل اسما باب دوم در صحت عمل مجردات آیات کلام الله و چند کشی اعمال موصوف
باب سیم در تکسیر نقوش از اعداد آیات کلام الله و نقوش تسخیر حب و نفاق و فتوح وغیره باب چهارم
در حصارات و فتیله‌های دفع آسیب و حاضرات وغیره و نقشهای دفع طلبیات و جو کیات وغیره باب
پنجم در درستی وقت و زمان عمل خوانی و کشیدن نقش و دادن زکوة عمل سعد و نحس ساعات و تسخیر
کواکب باب ششم در بیان عملیات متفرقات و ترکیب چند از تکسیر و استخراج وغیره باب هفتم در نسخه
کیمیا و عمل جوسان و آنچه در عمل خوانده و تجربه کرده ام نوشته شد فصل اول در بیان حال غره محرم
الحرام و این رساله ایست عجیبه و غریبه که پادشاه نوشیروان عادل در زمان خود جمیع حکیمان و منجمان دانا
و کاتبان و جوکیان و نجومیان و توریت خوانان و تعبیر گویان و جادوگران و سیاحان بر و بحر را که تجربه
دنیا بسیار کرده بودند جمع کرده فرمود که ای بزرجمهر بامداد این جماعت کثیره برای من از علم حکمت
نسخه تصنیف کن که کیفیت تمام سال از سعد و نحس از آن رساله معاینه بود بر همه کس تا
پس بموجب حکم نوشیروان عادل با تفاق بسیار نوروز عالم را از غره شهر محرم الحرام مقرر
کردند که سعد و نحس تمام سال بروزی که غره محرم الحرام باشد خاصیت آن روز را تمیز
نمود تا معلوم شود از احوال مردمان و چهارپایان و غله و میوه و درختان و باران رحمت ایزد متعال که
جمعیت کاینات منحصر از آنست ملخص آنکه کیفیت سعد و نحس تمام خلقت آفرینش در میان هفت روز
میشود برای ایام نوروز عالم ما جمله حکیمان جمع شده و نسخه درست ساختند تا که مردمان منتفع
گردند هر که این رساله را یاد کند تا سه سال از آن شنبه بماند و هوشیار گردد حکیم بزرجمهر گوید
که اگر خواهی که حقیقت تمام زمانه را ابدا الی بنگر تا نوروز عالم افروز در کدام روز باشد
یعنی اگر غره محرم در روز یکشنبه باشد سال مبارک است و در آن سال قحط نباشد که سلطان
آن ستاره مهر باشد باران و فاداران باشند و غله ارزان شود و چهارپایان را خطر نباشد و در درختان
بار نیک باشد و مرغان و دود ایشان از آسیب نباشند و شیر کم از تا ماکیره باشد و بازرگانان را خطر

نباشد و باد مخالف نوزد گندم خوب و خربوزه بسیار باشد و مهتران روی زمین آرمیده
باشند و زنان را درد پستان باشد و کنجد بسیار شود و آتش بسیار نشود و کودکان را بیماری
نباشد و آفتاب گرفته شود و زمستان صعب باشد والله اعلم بالصواب و اگر نوروز عالم
یعنی غره محرم بروز شنبه باشد اندر آن سال کار سلطان ضعیف باشد و سلطان را
ستاره قمر باشد و یاران و فاداران شوند و باران نیز نعمت بسیار پیدا شود و آنان
مهتران روی زمین کم شوند و نرخ غله میانه باشد و جانب مغرب فتنه خیزد و راهها امن
نباشد و بازرگانان را سود نباشد و درختان را خوب گیرند و شیر چهارپایان کم گردد بیماری رحمت
باشد و آید زراعت خوب کنجد و پنبه و باد بسیار خیزد چنانچه درختان را بشکند و آتش بسیار
چه آید و گاوان و گوسفندان بسیار میشوند والله اعلم و چون نوروز عالم افروز یعنی غره محرم
در روز سه شنبه باشد سلطان آنسال ستاره مریخ باشد در آنسال قحط که باید ان
بی وقت بارد و رعیت ویران گردد و راهها امن نباشد و نیز درختان بار کم گیرند و شیر چهارپایان
کم و میوه خوب گندم و پنبه و کنجد و نی شکر گران و خدمتکاران و خادمان و فرزندان از امر خاندان
ایم از مادران و پدران بیرون روند و آب نی بیرون آید و غله نباشد و امیران بیجا شوند و
خلق الله با کشود و آتش صعب باشد و باد تند وزد که درختان را بشکند و آفتاب گرفته
شود و زمین لرزه شود و در هیچ خیر برکت نبود والله اعلم و چون غره محرم بروز
چهارشنبه باشد سلطان آنسال عطارد باشد و در آنسال فتنه خیزد و در زمین
هندوستان نیکی نباشد و باران بی وقت ببارد و کارهای دنیائی بسته گردد و غله
عزیز باشد و خلق پراکنده شوند و راهها امن نباشد و سوداگران زیان کشند و ماهتاب
گرفته شود و امیران بمیرند و با خودیها در آویزند و جنگ کنند و ملخ بسیار آید خربوزه و
انگور کم باشد و ملک و مملکت تحویل بدیگری شود و باد و آتش بسیار سهمناک آید و شیر
چهارپایان کم و بیماری و موت توانگران باشد والله اعلم بالصواب
و چون غره محرم بروز پنجشنبه باشد کار سلطان باستقامت پدید آید و کارهای بیشتر
نیک آید و توانگران را بسیار نیک و مبارک و درویشان و جانوران را خوب بشر
چهارپایان خوب و میوه‌های افزون و درختان بار و برگ بسیار آرند و انگور خوب باشد

وسوداگران را سود نرسد و زراعتها ایمن باشد و چهارپایان را خطر نباشد و زنان را
درد پستان و کودکان را بیماری باشد و در آخر زمستان و شر بسیار شود
و غله کم باشد و آتش نباشد و باد تند و سخت خیزد و گندم و کنجد ارزان باشد
خریداران را سود آید واللّٰه اعلم بالصواب۔ و چون نوروز عالم افروز یعنی
غرهٔ محرم در روز آدینه (جمعه) باشد سلطان آن سال زهره باشد و در آنسال نرخ غله
ارزان و فراخ باشد و کار سلطان ضعیف باشد و در مردم بی دیانتی و دزدی و فساد
آشکارا آید لیکن خیر باشد و زمستان خوب باشد و سوداگران سودمایه باشد باران
آخر بهار بارد گندم نیک آید و شیر و شیرینی بسیار و بیماری نیز باشد واللّٰه اعلم و چون
غرهٔ محرم در روز شنبه باشد سلطان آنسال زحل باشد فتنه بسیار خیزد و ملوکان با یکدیگر
جنگ کنند و رعیت خراب گردد و قطع راه و نرخ غله میانه باشد فتنه بسیار بوقت بارد
و تجار را سود نباشد و سرما خوب گردد و زراعت خوب باشد و آتش بسیار خیزد و بیماری پیدا
آید واللّٰه اعلم۔ در روایت دیگر نوروز عالم افروز که حکیمان عصر از غرهٔ محرم الحرام سال گویند
چنانست که روزی نوشیروان عادل بزرگ جمهور وزیرش که استاد استادان بود فرمود
برای انتفاع الناس از علم نجوم کتابی تصنیف کن که تمام کیفیت سال از خیر و شر از آن
کتاب معلوم شود چنانچه حکیمان و منجمان و غیره که تجربه کار بودند جمع شده بتامل کثیر این نوروز
عالم که عبارت از غرهٔ محرم الحرام باشد بروزی که تاثیر سال از خالیست و روز چگونه باشد
دیگر روایت دیگر آنکه حال غرهٔ محرم در کتاب دانیال پیغمبر بود پس از وی حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام نقل کرده اند که غرهٔ اگر در روز شنبه باشد زمستان در آنسال سرد باشد و باد
و باران بسیار باشد و رنج اکثر مردم و گندم کم و طاعون و مرگ کودکان بسیار باشد و زراعتها
را آفات سیلابات و بعضی از درختان میوه و انگور آفت رسد و عرب با ایشان حرب کنند و اسیر و غنیمت بسیار بدست
عرب آید و پادشاهان بر جمیع امور غلبه باشد بمشیت خدا بروایت دیگر میان چهارپایان آنسال آفت بهم رسد و
اسبان را قولنج عارض شود و درد گلو و ورم بسیار باشد و در همه بلاد مرگ مردان و زنان بسیار باشد
خصوصا در عراق و بغداد و اطراف آن و در روم مرگ بسیار باشد و در میان روم و عرب جنگ و نزاع افتد
و عرب بر روم غالب آید و در بابل جنگ در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار باشد و در میان مردم قحط و

غلا بهم رسد و از عرب ترسان باشند و خواص بر ایشان تعدی کنند و گیاه و مراعی بسیار باشد
و در آخر سال زلزلها و آبله و گرمی بسیار گردد و مرغان بسیار باشند و روغن و گوشت و عسل
و کتان گران باشد و خرما و درخت خرما فاسد و انگور و میوه در بلاد فارس و همدان نیکو باشد
و درختان و اطراف آن آفت رسد و ظروف مس و امثال آن و ابریشم و مو گران باشد و مرغان
خانگی و شکاری بسیار بمیرند و در یمن اختلاف عظیم ظاهر شود و شاید که غنیمت اکثر و غارت حبشی گردد
و شاید که یکی از آفتاب و ماه منخسف گردد و در اشهب باشد و در یکماه این سال خون بسیار ریخته شود
و گویند چنین سال نحس است و قابل ابتلا در چنین سال گشت و آخرش خشکسالی بروایت سوم در آنسال
سلطان زحل باشد فتنه زیاد ملوکان را گرانی و پریشانی حاصل گردد و با یکدیگر جنگ کنند و رعیت خراب گردد
و از راه زنان خطر باشد و سوداگران از نقصان و چهارپایان را خطر باشد بلکه بیماری کشند و بمیرند و بر مردمان
خوبی نباشد و بیماری و موت در عالم پیدا گردد و باران بسیار بارد و لیکن تنگی سال باشد و خسوف
و کسوف ماهتاب و آفتاب گرفته شوند و در روز یکشنبه هر سال که اول محرم باشد
زمستان نیکو گذرد و باران بسیار بارد و بعضی اشجار و زراعتها آفت رسد و دردهای
مختلف و برگهای ضعیف شائع گردد و عسل کم باشد و در هوا اثر طاعون و وبا بهم رسد
و در آخر سال شاه را غلبه رود و بروایت دیگر در یکشنبه زمستان و تابستان تنها هر دو
معتدل باشد و میوه و زراعتها در اکثر بلاد عراق عرب نیکو باشد و آفت میوه های بحرین و حجاز
و قطیف و حوالی آنها بهم رسد و در بلاد مشرق و جبل ارزانی باشد و گوسفند و شکر بسیار باشد و
صحرا افزاوان و در اشتران دیوانگی و مستی بهم رسد و در یکماه مردمان را درد عارض شود و در آخر
سال گرانی بوجه اختلاف سلطانی در غیر بلاد یمن و در بلاد هند اطفال بمیرند و جو و برنج(؟)
بسیار باشد و حرب در میان پادشاهان پیدا آید و همچنین اختلاف در میان عوام بسیار
باشد و کارزار در عرب و عجم واقع شود و در میان عامة الناس و خویشان فتنه حادث شود
و در شام فتنه و حرب پیدا آید و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل آورده باشند
و در زمین بلخ و همدان و نواحی آن کشتن واقع شود و پادشاه با اهل بر مردم غالب شود
و از وزرا و ملوک اختلاف ظاهر شود و هر پادشاهی بسوئی دیگر بگریزد و گروهی بر پادشاه
طغیانی کنند و مغلوب گردند و کواکبی از آسمان ظاهر گردد و در ناحیهٔ مشرق دنباله

بر ایشان رسد ضرر از آن باشد بروایت تیمم اینکه اندر آن سال کار ضعیف باشد و باران
بسیار آید و نعمت زیاد باشد و مهتران روی زمین کم و نرخ غله میانه و بجانب مغرب فتنه ها
و فتنه فرو نشیند و آدم ضعیف را گیرند و راهها امن باشد و بازرگانان را در تجارت نفع بهم رسد و بیماری
روند بهره و درختان بار گیرند و فرزند تولد شود و پرندگان و درندگان را خطر باشد و گاو و گوسفندان
بسیار شوند و شیر چهارپایان زیاد باشد و مردم را بیماری باشد و زراعت بسیار نیک گردد و گنجد
و پنبه نیک شود و بساط نیکو باشد و گاه باد بسیار آید و بیماری تا آخر سال و باد مخالف در حاصل از آب
و آتش بسیار خیزد و گاوان و گوسفندان را خطر باشد در روز سه شنبه اول سال محرم الحرام باشد
زمستان آنسال بسیار سرد باشد و در بلاد و ناحیه مشرق گوسفندان و عسل زیاد باشد
و بعضی از درختان انگور آفت رسد و در بلاد و ناحیه مشرق و شام حادثه ظاهر شود که در روی
اکثر خلق بمیرند و بر پادشاه فوجی قوی خروج کنند و پادشاه بر وی غالب آید و در زمین فارس
بعضی از غله آفت رسد و در آخر سال نرخ غله گران شود و بروایت دیگر زراعت بسیار نیکو
آید و باران زیاد ببارد و فصل پائیز نیکو گذرد و میوه ها در بلاد جبل اکثر باشد و گندم و جو و عدس فراوان
باشد و آب فرات طغیان کند در بصره لوبیا و ماش و باقلا فراوان باشد و خرما کم بعمل آید و دهقانان
آفتی برسد و در بلاد فارس از ملخ بزراعت آفت رسد و میوه زیاد باشد و ابریشم کم و گردکان و مویز
و بادام بسیار باشد و نرخها با قول سال در همه بلاد ارزان باشد و عسل زیاد باشد و خربوزه
و خیار را آفت برسد و شکار دریا بسیار باشد و آفتی از شتر با دیگر مانعلات مغرب رسد و در بعض
شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و در پادشاه عجم و ترک اضطرابی پدید آید و در میان عرب و عجم
و اهل عراق قتل پدید آید و شخصی از مشایخ عرب کشته شود و در مواشی ایشان تا آخر سال مرگ
بهم رسد و در آسمان یک ستاره دنباله دار پدید آید که علامت جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیم ظاهر
شود که نشانی هلاکت یکی از وزرا باشد و مصر و شام و صقالیه بهم رسد بروایت سوم
اینکه در این سال سلطان ستارگان مریخ باشد در آنسال فتنه پیدا شود و باران بوقت نبارد و زراعت
خار شده قحط افتد و رعیت ویران گردد و راهها امن نباشد و سوداگران را سود نباشد
و زمینداران با یکدیگر محاربه کنند و کشش چهارپایان و بیماری زیاد گردد و میوه کمتر شود و خادمان
و فرزندان از فرمان بزرگان بیرون آیند و آب بسی کمتر شود و عدل نباشد و امیران بیجا

وار باشد و این سبب حدوث قتل و غارت و گرانی گردد و باین سبب غشانی و وزیدن
بادهای سخت و دیگر امراض بسیاری در صحرا و دریا گردد و عسل گران شود و حاجیان را
غارت کنند و تمام ماه یا بعض از ماه منخسف گردد و بروایت تیمم این سال مبارک باشد
و در آن فتنه نباشد و مملکت در آرام باشد و باران وفا دارد و غله ارزان و بار اشجار نیکو
بود و مرغان و چرندگان و جهانیان خطر نباشد فاما چشمه ها بیک تر گردد و لیکن پاکیزه
باشد چهارپایان زیاد شوند و بازرگانان را خطر نباشد و گندم خوب باشد و خربوزه بسیار گردد و مهتران
روی زمین آسوده باشند و زنان را در زمستان و گنجد بسیار و کودکان را بیماری اکثر باشد و باد بسختی
خیزد و آتش بسیار باشد و گاو و چهارپایان با جزای رسد و خسوف گرفته شود و در زمستان سردی کم شود
والله اعلم در روز دو شنبه هر سال اول محرم باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان بسیار گرم
باشد و در وقت خود باران بسیار ببارد و گاو و گوسفند و عسل بسیار باشد
و نرخ خوردنیها در بلاد جبل یعنی شهرهائیکه در میان آذربایجان و عراق عرب و
خوزستان و فارس است و بعضی گویند همدان و حوالی آن ارزان باشد و زنان بسیار بمیرند
و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق در بعضی از بلاد فارس دیگری بهم رسد
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد و بروایت دیگر آنسال آب فراوان باشد
و باران اکثر بهار آید و نود الو و سایر میوه ها در بلاد فارس و بصره و شام نیکو بعمل آید
و خربوزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد و در آنسال خرما و میوه و گوشت
و روغن فراوان باشد لیکن در میان مردم کم باشد و بلاد هند و اسکندریه و مغرب باشد
و مرض سودا و دیوانگی زیاد باشد و در زمستان زفاف و تزویج بسیار شود و دریا طغیان
کند و بعضی بلاد را غرق کند و آب فراوان و سیل باشد باین موجب مدت دو ماه
قحط عظیم در مصر پدید آید و مواشی و چهارپایان در صحرا نیک باشد و زکام در بلاد
جبل و اطراف آن بسیار باشد و چوب و میوه در مکه معظمه بسیار فراوان و ارزان لیکن
فساد در آن بلد طیبه بهم رسد و در میان مشایخ عرب فتنه حادث شود و خارج نواحی مشرق از خوف
از تصرف اصحاب بیرون رود و احتمال یکی از آفتاب و ماه منخسف شود و در مردم اضطراب پیدا
و کم ظرفان اکثر باشد و بر پادشاهان مشرق خروج کنند و حاجیان بسلامت و عدشی [illegible]

گردند و خلق هلاک شوند و از مشرق بجانب مغرب روند و آتش نرم خیزد و باد درختان را بشکند
و ملخ و مور بسیار گردد و زلزله هویدا شود و بهیچ چیز برکت نبود و در آن سال سلطان را برکت نباشد
و مردمان از وطن خود بیجا باشند روز چهارشنبه هر سال که اول محرم باشد زمستان نیکو
و در بهار باران ببارد و غلات و میوه جات در بلاد جبل و مشرق اکثر باشد اما مردمان اکثر بمیرند
و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل آفتی بمردم رسد و نرخها آسان باشد و پادشاه بر دشمن غالب آید
و بروایت دیگر اینکه عسل اکثر نباشد و اطفال اکثر بمیرند و در آخر سال قحط در میان ایشان بهم رسد و
باران نافع آید و درختان خرما ضایع گردد و برق عظیم ظاهر شود و بادهای تند آیند و بیماری
زیاد و زنان حامله اکثر بمیرند و در آخر سال در ناحیه فارس مرگ بسیار باشد و
وحشیان صحرا و مرغان شکاری زیاد باشد و بز و گاو نیکو باشد و بیع و شری و معامله بسیار
واقع شود و در شتران گرمی بهم رسد و شاید مرگ چهارپایان پدید آید و در فصل پائیز بیماری
بسیار باشد و در اطراف مدینه جنگ بزرگ رو دهد و مشایخ و علما بسیار بمیرند و در
یمن از خوف قتل و غارت خراب و باز معمور شود و در میان عرب بادیه کشتن بسیار شود
و باد شمال بوزد و متاعها و پنبه گران و ابریشم و حریر ارزان باشد و نیکو در میان عرب
و عجم جنگها رو دهد و عجم غالب شوند و پادشاه روم بمیرد و در فصل پائیز مرض امیر بسیار باشد
و اختلاف بسیار در میان سلاطین بهم رسد و فتنه ها در بصره و ولایت فارس حادث شود و
بروایت یمنی اینکه در آن سال سلطان عطارد در میان سال فتنه باشد در میان هندوستان
و باران بوقت بارد و کارهای سلطان در میان سال ضعف شود و کار دولت پست شود
و گندم و کنجد و پنبه و نیشکر گران شود و مرغان و درندگان و پرندگان را بیماری رسد و کشش
چهارپایان شود و انسان را خطر جان باشد و غله عزیز شود و خلق پراکنده گردند و در ابتدای آن
نباشد و سودا گر از زیان رسد و ماهتاب بخسوف گرفته شود و ملخ پیدا گردد و بیماران بمیرند و
میان خودها در آویزند و انگور و خربوزه و خرما شیرین شود اما کمیاب باشد و در ملک و مملکت
قحط و هولناک باشد و چهارپایان کم شوند و آتش برخیزد و توانگران را بیماری بموت باشد
و اقصا علما روز پنجشنبه هر سال که اول محرم باشد زمستان نیکو گذرد
در نواحی مشرق گندم و عسل فراوان باشد و در اول و آخر سال بسیار حوادث

حادث شود و روم را بر مسلمانان غلبه شود و پس عرب بر ایشان غالب شوند و مابین هند
محاربات واقع شود و پادشاهان عرب مضطرب باشند و بروایت دیگر اینکه در اول سال
باران و نیز سرما کم باشد و رعد و ابر و باران اکثر باشد و غلات و میوه جهت بلاد جبل ارزان
باشد و سفر دریا در این سال نیکو باشد و صید ماهی بسیار باشد و روغن و نان گران باشد
و آب نیل طغیان کند و روم بر مسلمانان حمله آورند و مسلمانان بر ایشان غالب آیند و مردم
جنگ زیاد شود و شاید یکی از ایشان کشته گردد و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و فتنه
گردد و کارزار در اکثر بلاد خصوصا در فارس باشد و دزدان و راه زنان دست برآرند و حکام
ستم کنند و بادهای تند بوزد که درختان را بشکند و در معافره و قطیف و نواحی آن فتنه میان عرب
غالب شود و بلاد حبشه و اطراف آن کارزار شود و در میان گاوان مرگ بسیار باشد و گوسفندان
گردند و شاید ماه منخسف گردد و بروایت معتبر اینکه حاکم قسطنطنیه که مراد پادشاه اسلامبول باشد
بکشند یا محصور شود یا او را ذلیل نمایند و از پادشاهان و تمامی ولایت عجم خرابی
و درد در میان روم کم شود و خلق از تنگی معاش بفغان آیند و فریاد رسی از میان خلق
برطرف شود و عرب بر عجم زیادتی کنند و بسیار خلق را بکشند و ولایت ایشان را خراب کنند و بعضی
اماکن باز تصرف والیان روم بدر رود و شاه عجم در اکثر جا مغلوب شود و ترکان بر عجم
و بر ایشان غلبه شوند و امیر جلیل القدر کشته شود روز جمعه هر سال که اول محرم باشد
زمستان نیکو گذرد و باران کم بارد و آب کم گردد و در بلاد جبل صد فرسنگ در صد فرسنگ غله کمیاب گردد
و بازار مرگ در میان مردم با رونق باشد و در ناحیه مغرب گرانی باشد و بعضی
آفت رسد و روم بر فارس غلبه عظیم کنند و بروایت دیگر غلات در مصر و شام
کم باشد و در بلاد مغرب و فرنگ بسیار حادث شود و ارزانی در بلاد فارس بهم
و غلات بصره و عراق بسیار باشد و لیکن از وجه ظلم پادشاهان و عمال اکثر سختی با
ایشان لاحق گردد و غلات جبل و کابل و نواحی آن بعمل آید و انگور و گندم در بصره و شام
بسیار باشد و مردی ذو القدر بصورت شود و گروهی از تابعین او و میوه نیکو باشد و در این سال
و آب چنان طغیان کند که بغداد از جانب مشرق غرق گردد و شاهی از پادشاهان هند
بمیرد و در ماه ربیع الآخر تا جمادی الثانی در این سال دردها در میان مردم پدید

شود خصوصا در دکھو و درد پشت و ورم و درد حلق و امراض بطن و کلف و قوبا و جرب و داء الطبا
و زنان حامله فرزندان پیدا آرند و اکثر از ایشان بمیرند و امیری از شام ظاهر گردد و بر دیگر
مستولی گردد و در بعض بلاد بلخ و فتنه های عظیم از وی بظهور آید و کسی بر پادشاه خروج کند
و گردان هم با او گردند و در میان عراق حرب و اضطراف و اسلاف بسیار باشد و خونی بحاجیان برسد
بزرگ در شام بقتل رسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم ظاهر گردد و دردها پیدا شود و در سال
سلطان ستارگان زهره باشد خلق را زیان و کار سلطان ضعیف باشد و مردمان را خرابی و دیانتی
اختیاری آنکار باشد و دیگر همه چیز نیک باشد و کشت میانه باشد و در زمستان
بسیار باشد و باران بموقت بارد و گندم نیک و میوه شیرین باشد و چهار پایان را خلل
باشد و دریاها باد تند آید و آتش سر کشد و تجار را نفع میانه باشد و آفتاب و ماهتاب
بخسوف و کسوف افتد والله اعلم **فصل دوم** از مقدمة الکتاب در بیان
علم قیافه فلاسفه و حکماء و دانشمند جوارح انسانی را برای دریافت کردن اخلاق
حسنه و صفات سیئه مقرر کرده اند و تجربه کرده اند که هر عضوی از اعضاء ظاهر انسانی
دلیل است با صفات بطون و معانی و بر صداقت این علم این حدیث ناطق است کل طویل
الحمق الا عمر و کل قصیر فتنة الا علی نقل است مردی در روشنی چراغ مطالعه میکرد در کتاب
خوانده که ریش دراز نشانی حماقت است چون ریش خود را دید زیاد از اندازه است فورا
حد دست و زیادی را در پیش چراغ گرفت باین خیال که زیاد ریش بسوزد چون شعله گرفت
تمام ریشش بیکبارگی سوخت لهذا مرتکب شدن این امر دلیل حماقت او بود
ای گروه بمحبت بجهان گشته علم معلوم ضمیر تو علوم مکتوم روئی که مبارکست
گردد بتو از علم قیافه مفهوم **علامات سر** سر بزرگ علامت دلیل عقل و سخاوت
است و خوردی و ناهمواری سر نشانی حماقت و جهالت است **علامت پیشانی**
پهن و بی شکن نشانی بد نفسی و تکبر و گزافت و ناصیه متوسط با شکن نشانی صدق
و محبت و تدبیر است و ناصیه تنگ دلیل نادانی و خبث و حسرت و افلاس است
و ناصیه بلند شده دلیل غصه و غمناکی است و بعضی گفته اند که خطوط شکن دلیل است بر زیادی عمر
یعنی یک خط نشانی ده سال و دو خط نشانی بیست سال است بهذا قیاس کن علامت

مژه بسیار بزرگ و دراز و کشیده و پر مو نشانی درشتی و تند خوئی و غرور و جهالت و حیرت است
و مژه کنجان دلیل الفت و مهربانی و مردانه از الفت بسیار مبوس و زنان
و مژه متوسط و سیاه نشان فهم و دیانت و سخاوت و لطافت مزاج و سر ابرو که باریک از طرف
باشد نشانی نزاع و فتنه انگیزیست و ابروی بلند نشانی ابلهی و غرور است **علامات چشم**
چشم سیاه و بزرگ دلیل سستی و کاهلی است و چشم خورد دلیل سبکساری و کم فهمی است و متوسط
نشانی وفا و حیا است و مایل بجانب اندرون نشانی تکبر و بدی و خیانت و بلند شده از روی نشانی
بیحیائی و بخلست و زود زود چشم زدن دلیل مکر و حیله و دزدیست و سرخی و سیاهی دلیل کثرت شهوت
چشم ازرق بدترین چشمهاست دلیل بخل و بی حیائی و بی همتی است موی چشم اندرون سیگون رنگ
نزد اینچنین کس با کسی نیکی نکرد و چشم سبز خورد و لرزان دلیل مکر و حیله و شهوت بسیار است
و گول نشان نحوست و مایل بدرازی نشانی نیکبختی است و مبارکی است و دراز نشانی
اخلاق جمیله است **علامات گوش** گوش بزرگ نشانی خوبی و قوت
حافظه و طول عمر و تندخوئی در بعض و حماقت است و خورد نشان جهالت و نادانی است
و متوسط نشان عقل و دانائی و نیکبختی است و گوش پر گوشت دلیل دولت است
علامات بینی بینی باریک دلیل سبکی عقل است و پهن و فراخی سوراخ دلیل غلبه شهوت
و غضبناکی است و بطرف چپ خمیده نشانی نفاق و شرارت است و بزرگ و دراز و نوک
خمیده مانند نوک طوطی دلیل دولت و گشادگی رزق است و متوسط در بلندی و پستی و
فراخی و تنگی دلیل صحت حواس باطن است و کمر پست نشانی افلاس است **علامات**
لب دراز لب نشانی حماقت و غلاظت طبیعت و کینه و دزدیست و لب باریک نشانی
فهم و لطافت مزاج و سرخی لب نشانی نیکبختی و خوش اصلی است و سبزی و سیاهی دلیل
بدنفسی و بداصلی است و سفیدی لب دلیل مرض است **علامات دهن** گشاده و پهن دلیل
شجاعت و تنگ دلیل هراس است و فراخی دهن برای نان نشانی کثرت خواهش
علامات دندان دندان بزرگ کنجان دلیل شرارت و خورد و متفرق دلیل صحت بدن است و ناهموار
دلیل مکر و حیله و خیانت و متفرق و ناهموار متوسط در بزرگی و کوچکی نشان نیکبختی
و امانت و عدالت است و تعداد دندان ۳۰ تا ۳۲ نشانی دولت و فراخی ۳۰

و دلیل افلاس است **علامات کام و زبان** کام و زبان سرخ دلیل نیک‌بختی و سیاه
و زرد نشانی نحوست و زشتی و بدخوئی است **علامات زنخ** زنخ اندک باریک دلیل مبارک
خوئی است و زنخ پرگوشت دلیل جهالت و تکبر و تفاخر است و زنخ متوسط دلیل حسن و هنر است
علامات گردن گردن کوتاه نشانی مکر و خیانت و گردن دراز و باریک دلیل جبن و حماقت است
و خطی که در میان گردن باشد دلیل درازی عمر و هنرمندی است و سه خط نشانی دولت است **علامات**
چهره چهره مدوره دلیل کاهلی و جهل و نسیان و سخت مزاجی و خشک و کم گوشت نشانی خباثت باطن
و متوسط دلیل نیکخوئی و زردی رنگ چهره نشانی بدی و مرض باطن است **علامات ریش** ریش کوسه دلیل
زیرکی و دانائی و گول نشانی وقار و تمکین و دراز نشانی حماقت و پرموئی نشانی بلادت و صباحت
علامات کتف لاغری کتفین دلیل بدبختی است و پرموئی نشان بی دولتی است
و صاف و متوسط دلیل عقل و دولتمندی و سعادت و لطف و فراخی **علامات**
بغل بازو بازوی دراز و بغل پرگوشت نشان نیکبختی و فراخی رزق و بازوی خورد
و بغل خشک نشانی بیدولتی است **علامات سینه** سینه گشاده و پرگوشت
نشانی نیکبختی و تنگ و صاف علامت نحوست و بدبختی است **علامات پستان** پستان هر دو
فربه دلیل دولت و اولاد است و هر دو بخلاف نشان نحوست و بدبختی است و جهل است **علامات**
شکم شکم بزرگ علامت حماقت و میانه نشانی عقل و تیزی هوش است و کسی را که
بر شکم دو خط باشد موت او از تیغ جدا شود و دو خط نشانی با زنان صحبت و زنان خوش آمدن
است و سه خط نشان عقل و هوش است و صاحب چهار پنج خطوط ذو اقبال میباشد
و ناف پهن و گول نشانی دولت و سخاوت است **علامات پشت** پشت پهن دلیل
قوت غضب و تکبر و پشت کج نشان بداخلاقی و پشت دراز دلیل نحوست و متوسط دلیل
سعادت است **علامات رنگ** رنگ سرخ آتشین دلیل زود رنجی و در کار تیزی کردن
رنگ سبز دلیل بدی باطن و رنگ سرخ و سفید دلیل اخلاق مبارک و رنگ سرخ مایل بسیاهی
دلیل بداخلاقی است و گندم گون دلیل اخلاق حسنه و عقل و دانائی و ادراک و نیکبختی است
علامات نرمی بدن نرمی بدن نشانی قوت فهم و لطافت طبیعت و سختی بدن
دلیل قوت بدن و بزرگی طبیعت و صنعت فهم و پوست نرم و باریک نشانی مبارکی

و تنگی است **علامات موی** موی سخت دلیل شجاعت و استقلال و بسیار نرم دلیل جبن است
و کثرت موی بر سینه و شکم دلیل گستگی و کمی موی دلیل لطافت و دانائیست و موی بور
دلیل حماقت و موی میگون دلیل شجاعت و متوسط بسیاهی و سختی و نرمی دلیل عقل و اعتدال
و کسی که یکموئی از یک مسام زاید دلیل دولت و اگر یک زاید دلیل هنرمندی است و سه دلیل
مجاهدت گشتن و چهار نشانی افلاس و فرومایگی است **علامات آواز** آواز بلند و بزرگ دلیل
بهادری و نرم و باریک دلیل اخلاق نیک و آواز خفه دلیل تکبر و غرور است و آواز ناخوش دلیل
حماقت و بداصلی و سخن آهسته گفتن است و سخن تیز گفتن دلیل بدخلقی است و سخن در حالت
دست دون گفتن دلیل داناییست **علامات خنده** خنده بقهقهه دلیل سفاهت و بیحیائی
و تبسم دلیل حیا و وقار و تمکین و خوش اخلاقی است **علامات قد** قد طویل دلیل حماقت
و قد قصیر دلیل فتنه انگیزیست و قد دوتا دلیل کینه و عداوت و قد میانه دلیل حکمت و
دانائی است و حکما گفته اند که قد احسن آنست که بحساب انگشتان یکصد و بیست باشد
و از این مقدار هر قدی که باشد یعنی کم و بیش نهایت بد است **علامات رفتار** کسی که در رفتن او
کج باشد دلیل است بر اینکه بدگو بنده بزرگان گردد و آنکه در رفتن سرین را حرکت دهد دلیل بیماری
و بیناست و تیز و تند رفتن دلیل قهر و غضب و جهالت است و آهستگی دلیل عقل و دانائی است و
رفتار متوسط تیز و نرمی دلیل ظاهری و باطنی است و بوقت رفتن هر دو پا را بر زمین باز و زدن دلیل
و نشانی بدبختی است و قد دراز دلیل جهالت و حماقت است **علامات کف دست** کف دست پرگوشت
دلیل دولت و رنگ سرخ دلیل دولت و خوبی و پاکیزگی طبیعت است و زردی کف
دست دلیل فسق و فجور است و سفید و سیاه دلیل بدبختی است و خطوط اگر واضح
بر هر دو کف دست زیبو شده و بدرجه او وسط دلیل سعادتمندی است **علامات انگشتان**
انگشتان دراز دلیل طول عمر است و باریک و نرم دلیل نیکبختی است و فربه و کج و سخت
دلیل بدبختی است و در وقت پیوست کردن انگشتان سوراخ ظاهر گردد دلیل بیدولتی است
و چون سوراخ ظاهر نگردد دلیل دولت است **علامات ناخن** ناخنها سرخ رنگ دلیل
علم و عقل و دانائی و فراخ دستی و زرد و سیاه دلیل پریشانی و افلاس و بدبختی است
علامات ذکر ذکر کج نشان فسق و فجور است و راست دلیل صلاح و راستی و اکثر

بر ذکر ظاهر باشد دلیل عسرت و افلاس است **علامات خصیه** خصیه یک بزرگ و خورد یکی دلیل غلبه شهوت و الفت جماع زنان و اگر خصیه راست خورد باشد دلیل است که نطفه او دختران زایند و اگر چپ خورد باشد دلیل پسران زایند و بعضی گفته اند که در اول دلیل و در آخر فسق و فجور را **علامات ساق و ران** فربهی ران دلیل عیش همراه زنانست و شدت ران با قلت موی دلیل درد و موی دراز بر ساق دلیل تنگدستی و محروم ماندن از سواری و ساق دراز دلیل تکبر و دشمنی است و بسیار خورد دلیل افلاس و متوسط در درازی و کوتاهی و سطبری و باریکی دلیل شجاعت و سخاوت و نیکبختی است **علامات کعب** کعبین پر گوشت دلیل آسودگی و اگر بر کعبین مو نهاد باشد دلیل قلت اولاد است و یک کعب خورد و یکی بزرگ دلیل اکثر مسجون گشتن است و یک خورد و دیگر گول نشانی دولت است و یک بلند و یکی پست دلیل غمناکی و افلاسی است **علامات پاشنه** پاشنه خورد و طایم دلیل توانگری و بزرگ و کج دلیل سختی است و پاشنه پر گوشت و در وقت حرکت پنهان داشتن دلیل بر دزدی او ست **علامات پشت پا** پشت پای بلند و کمی مو نهان نشانی نیکی و سعادت و مبارکی است **علامات کف پا** کف پای زرد و سیاه دلیل قلت اولاد و فسق و فجور است و کف پا خالی از خطوط دلیل بر محرومی و بیسوادی اوست و کف پای سرخ و نرم دلیل عقل و دولت و نشان بیرق و طوق و شمشیر در کف پا دلیل دولت و دبدبه است **علامات اصابع الرجل** انگشتان پا دراز و کجی دلیل تیز فهمی و کوتاه و سطبر دلیل کم فهمی و نهایت متصل باهم دلیل نیکی و خوبی و متفرق دلیل زبونیست و سبابه پا که از ابهام دراز باشد نشانی نیک بختی که ذو اقبال باشد و زنان اکثر کنند و در عقد او بمیرند و اگر انگشت مذکور خورد باشد دلیل نیکه پیش از زن بمیرد و اگر همگی انگشتان پا خورد باشد دلیل بر بد اصلی است و اگر ابهام بسیار عریض و بزرگ باشد در بسیار شهرها و ملک سیر کند **علامات ناخنها** اگر ناخنهای پا بلند و سپید باشد دلیل بیماری است و سرخ و صاف دلیل هنر و دانائی عاقل را باید که در مرد یکه علامات رویه و بد زیاد باشد و علامات نیک کمتر باشد اعتبار بر خصایص او کند و مرد یکه علامات حسنه زیاده باشد و علامات بد کم باشد پس اعتبار بر دلالات نیک او کند و اگر هر دو برابر باشد پس اینچنین مرد بسیار اوقات معتدل الاحوال باشد والله اعلم بالصواب فاصل

از آن صفت باب در بیان اسمآء الحسنی بقاعدهٔ ابجد تام و بقاعدهٔ مستبق الکلام بدانکه خدای تعالی نیک گردانند تراکه اسما باریتعالی جل شانه همگی نود و نه است چنانچه در حدیث ابی هریره موجود و آن اسما موصوفه بر سه گونه اند جمالی و جلالی و مشترک چنانچه پیش ازین مذکور باید که در آغاز هر کار این اسما را به بیند که کدام اسم بکدام کار تعلق دارد و موافق عدد خود یک اسم از اسما بگیرد و صاحب مقصود بتعداد عدد مجموعهٔ آن اسم باریتعالی بخواند تا بمقصود برسد لیکن اول قاعدهٔ اعداد بر آوردن حروف تهجی را بیان کنم تا مبتدی بر جمیع قواعد قادر گردد و نیز موکلان اسما باریتعالی را شرح واضح هم و یک یک فرو نگذارم و حروف تهجی بیست و هشت میباشد پس باین ترتیب باید در یافت

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

باز ترکیب منسوبات عناصر نسبت بحروف تهجی باید دانست این است

ا آتشی ب خاکی ج بادی د آبی ه آتشی و خاکی ز بادی ح آبی ط آتشی ی خاکی ک بادی ل آبی م آتشی ن خاکی س بادی ع آبی ف آتشی ص خاکی ق بادی ر آبی ش آتشی ت خاکی ث بادی خ آبی ذ آتشی ض خاکی ظ بادی غ آبی

دیگر آنکه هر حرف از حروف تهجی موکلی دارد که همراه او هست چنانچه ترتیب موکلان اینست

دائرهٔ حروف مع موکلان

ا اسرافیل	ب جبرائیل	ت عزرائیل	ث میکائیل	ج کارکائیل	ح تنکفیل	خ همکائیل
د دردائیل	ذ اهرائیل	ر اسوائیل	ز سرفائیل	س هموائیل	ش همزائیل	ص اجمائیل
ض جبکائیل	ط اسمائیل	ظ نورائیل	ع لوائیل	غ لوفائیل	ف سرتائیل	ق عطرائیل
ک عروزائیل	ل طاطائیل	م رعدائیل	ن حولائیل	و رفتمائیل	ه دوردائیل	ی سرکتائیل

و بعد از دانستن حروف و مواکیل آن طبایع و سمت حروف را دریافتن نیز ضرور است و آن این است مطبوعه مجموعه نوشته شده است

مجموعه حروف آتشی که شرقی اند	مجموعه حروف خاکی که جنوبی اند
ا ه ط م ف ش ذ	ب و ی ن ص ت ض
مجموعه حروف بادی که غربی اند	مجموعه حروف آبی که شمالی اند
ج ز ک س ق ث ظ	د ح ل ع ر خ غ

چون قاعده حروف تهجی را شرح رفت و اسماء موکلان حروف نیز مذکور شد حالا اسماء الحسنی که در فرقان مجید مذکورند و معانی ایشان اینکه جمله اسماء عزوجل پر از نکوئی و خوبی هستند پس هر یکی از این اسماء که خواهند برای خدا دعوت کنند تا جمیع مرادات و مطالب در این حاصل گردد و اگر عامل بیک اسم از این بود و به نام عمل شود بیشک عالم جبرا احکام و این بود و بهیچ حاجت محتاج نباشد و استاد بر یک اسم آگهی زبان دیگر را چه طاقت که ادا نماید ملائکه عاجز هستند ما را گو طاقتی که بیان نمائیم مگر بحض تسکین خاطر ضروری مطالب که از مرشد باین ناچیز رسیده است مینویسم و این ناچیز کمال سعی نموده ام و از استادان و عاملان کامل این کتاب را صحت کرده این اسماء آنها را مع اسماء موکلان و معانی و تعداد آنها و شرح اسماء جلالی جمالی بصحت تمام به تصحیح و تنقیح بزرگان و عاملان نوشته تا که شاگردان و برادران دینی نفع تمام حاصل گردد و ما را دعا برسانند شرح اسماء الحسنی و مواکیل این است

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جمالی جلالی مشترک	مواکیل	عناصر
الملک	پادشاه مطلق	۹۰	مشترک	یا مردائیل [illegible]	خاکی
القدوس	پادشاه پاک	۱۷۰	جمالی	یا عزرائیل عزرائیل	آبی

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جمالی جلالی مشترک	مواکیل	عناصر
السلام	همیشه قائم و بی عیب	۱۳۱	جمالی	یاروبائیل همواکیل	بادی
المؤمن	ایمن کننده	۱۳۶	ایضاً	یاروبائیل جولائیل	آتشی
المهیمن	گواه راست	۱۴۵	ایضاً	یاکلکائیل سیرکهتائیل	ایضاً
العزیز	عزت دهنده	۹۴	ایضاً	یالومائیل عزرائیل	ایضاً
الجبار	زور کننده	۲۰۶	جلالی	یاکلکائیل عطرائیل	ایضاً
المتکبر	صاحب غرور	۶۶۲	ایضاً	یاروبائیل اهرائیل	خاکی
الخالق	هست کننده	۷۳۱	ایضاً	یا میکائیل خورائیل	ایضاً
الباری	آفریدگار مطلق	۲۱۳	مشترک	یاجبرائیل اهرائیل	آتشی
المصور	نگارنده صورتها	۳۳۶	جمالی	یااجائیل سرحائیل	آتشی
القهار	غضب کننده	۳۰۶	جلالی	یاروبائیل عطرائیل	خاکی
الغفار	آمرزگار	۱۲۸۱	جمالی	یالوخائیل رحمائیل	آتشی
الوهاب	بخشاینده	۱۴	جمالی	یارفتائیل جبرائیل	خاکی
الرزاق	روزی دهنده	[illegible]۸	ایضاً	یا اسرافیل حرقائیل	آتشی
الفتاح	گشاینده	۴۸۹	ایضاً	یاسرخائیل تنکفیل	ایضاً
العلیم	دانا بهمه چیز	۱۵۰	ایضاً	یالومائیل دردائیل	خاکی
القابض	قبض کننده روزی	۹۰۳	جلالی	یاعطرائیل عطکائیل	بادی
الباسط	فراخ کننده روزی	۷۲	جمالی	یاجبرائیل اسمائیل	ایضاً
الرافع	بردارنده	۳۵۱	ایضاً	یاسرحائیل نومائیل	ایضاً
الخافض	خرد و برنده	۱۴۸۱	جلالی	یاجبکائیل عطکائیل	آتشی
المعز	عزیز کننده	۱۱۷	جمالی	یاروبائیل ترمائیل	خاکی
السمیع	شنونده بهمه حال	۱۸۰	ایضاً	یاهمرائیل سرکطائیل	آتشی
البصیر	بیننده پنهان و آشکار	۳۰۲	ایضاً	یاجبرائیل سرمائیل	خاکی
الحکیم	صاحب حکمت	۷۸	جلالی	یاتنکفیل یاروبائیل	آتشی

اسماء الحسنیٰ	معنی اسماء	اعداد	جلالی جمالی یا مشترک	مواکیل	عناصر
العدل	داد گر خلائق	۱۱۴	مشترک	یا طاطائیل لوماشیل	آتشی
اللطیف	پاکیزه و مهربان	۱۲۹	جمالی	یا اسمائیل رومائیل	ایضاً
الخبیر	خبردار از همه چیز و همه حال	۸۱۲	ایضاً	یا مهکائیل روائیل	ایضاً
الرقیب	نگاهبان مطلق	۳۱۲	ایضاً	یا عطرائیل سراکیطائیل	ایضاً
المجیب	قبول کننده دعا	۵۵	ایضاً	یا کلکائیل جبرائیل	بادی
الواسع	بسیار عطا کننده	۱۳۷	ایضاً	یا رفتمائیل لومائیل	آتشی
الحکیم	ستوده کار درست گفتار	۶۸	ایضاً	یا تنکفیل خردائیل	خاکی
الودود	دوستدار نیکان	۲۰	ایضاً	یا رفتمائیل دردائیل	آتشی
المعظم	خداوند بزرگوار	۱۰۵	ایضاً	یا لومائیل اسمائیل	ایضاً
الغفور	آمرزگار	۱۲۸۶	ایضاً	یا لومائیل رحمائیل	خاکی
الشکور	سپاس دهنده نیکان	۵۲۶	ایضاً	یا لومائیل سرکیطائیل	ایضاً
العلی	برتر از همه برتران	۱۱۰	ایضاً	یا لومائیل سرکیطائیل	ایضاً
الکبیر	بزرگوار بر همه چیز	۲۳۲	ایضاً	یا خردائیل جبرائیل	آتشی
الحفیظ	نگاهدارنده	۹۹۸	جمالی	یا سرحمائیل اوزائیل	خاکی
المقیت	توانا و قوت دهنده	۵۵۰	ایضاً	یا رومائیل عطرائیل	آتشی
الحسیب	حساب کننده	۸۰	مشترک	یا حمائیل سرکیطائیل	ایضاً
الجلیل	بزرگوار بزرگان	۷۳	جلالی	یا کلکائیل جبرائیل	ایضاً
الکریم	گرامی کننده	۲۷۰	جمالی	یا خورائیل اهنراطیل	خاکی
المجید	بزرگوار تر از همه	۵۷	ایضاً	یا رومائیل کلکائیل	آتشی
الباعث	فرستنده رسولان	۵۷۳	مشترک	یا جبرائیل میکائیل	ایضاً
الشهید	زنده کننده مردگان	۳۱۹	ایضاً	یا عطرائیل تنکفیل	بادی
الحق	گواه راست مطلق	۱۰۸	ایضاً	یا عطرائیل تنکفیل	آتشی
القوی	بخدائی و سلطانی درست	۱۱۶	جلالی	یا عطرائیل تنکفیل	ایضاً

اسماء الحسنیٰ	معنی اسماء	اعداد	جلالی جمالی یا مشترک	مواکیل	عناصر
الوکیل	کاردان نگهبان	۶۶	جمالی	یا خردائیل طاطائیل	خاکی
المتین	توانا	۵۰۰	جلالی	یا عزرائیل حولائیل	آتشی
الولی	یار نیکوکاران	۴۶	جمالی	یا رفتمائیل سرکیطائیل	خاکی
الحمید	ستوده بصفت	۶۲	ایضاً	یا تنکفیل میکائیل	ایضاً
المحصی	شماره کننده	۱۴۸	ایضاً	یا رحمائیل سرکیطائیل	آتشی
المبدی	آفریننده بار دیگر	۵۶	جلالی	یا جبرائیل دردائیل	ایضاً
المعید	وعده کننده	۱۲۴	ایضاً	یا رومائیل سرکیطائیل	ایضاً
المحیی	زنده کننده	۶۸	جمالی	یا حمرائیل تنکفیل	ایضاً
الممیت	میراننده	۴۹۰	جلالی	یا رومائیل عزرائیل	ایضاً
الحی	همیشه زنده	۱۸	ایضاً	یا عطرائیل رفتمائیل	ایضاً
القیوم	پاینده همیشه	۱۵۶	ایضاً	یا عطرائیل رفتمائیل	ایضاً
الواجد	یکتا سازنده کارها	۱۴	جمالی	یا کلکائیل دردائیل	خاکی
الماجد	بزرگی کننده	۴۸	ایضاً	یا رومائیل دردائیل	ایضاً
الواحد	تنها و یکتا	۱۹	مشترک	یا رفتمائیل دردائیل	بادی
الاحد	تنها بخدائی	۱۳	جمالی	تنکفیل دردائیل	آتشی
الصمد	پاک بی نیاز	۱۳۴	ایضاً	یا اجمائیل یارومائیل	خاکی
القادر	قدرت کننده و داننده	۳۰۵	جلالی	یا عطرائیل اهرطیل	آتشی
المقتدر	توانا و تقدیر کننده	۷۴۴	ایضاً	یا رومائیل عطرائیل	ایضاً
المقدم	همیشه هست	۱۸۴	مشترک	یا عزرائیل دردائیل	ایضاً
المؤخر	همیشه خواهد ماند	۸۴۶	ایضاً	یا رفتمائیل میکائیل	خاکی
الاول	آنکه همیشه بوده	۳۷	ایضاً	یا طاطائیل رفتمائیل	ایضاً
الآخر	آنکه همیشه باشد	۸۰۱	ایضاً	یا میکائیل اهزطیل	ایضاً
الباطن	پنهان از چگونگی	۶۲	ایضاً	یا دردائیل اورائیل	خاکی

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جلالی یا جمالی یا مشترک	مواکیل	عناصر
الظاهر	پیدا هستی	۱۱۰۶	مشترک	یا جبرائیل اسمائیل	خاکی
الوالی	برتر بقدرت ووارث	۴۷	ایضا	یا رفتمائیل سرکطائیل	بادی
المتعالی	بزرگ و برتر	۵۵۱	ایضا	یا طاطائیل عزرائیل	ایضا
البر	نیکوکار مطلق	۲۰۲	جمالی	یا جبرائیل یا همرائیل	خاکی
التواب	قبول کننده توبه	۴۰۹	ایضا	یا عزرائیل جبرائیل	آتشی
الغنی	بی نیاز کننده	۱۰۶۰	مشترک	یا روحائیل حولائیل	ایضا
المنعم	نعمت دهنده بندگان	۲۰۰	ایضا	یا اسمائیل روحائیل	خاکی
النعیم	نعمت دهنده	۱۷۰	جمالی	یا حولائیل روحائیل	ایضا
العفو	معاف کننده گناه	۱۵۶	ایضا	یا لومائیل سرحمائیل	آتشی
الرؤف	درگذر و مهربان	۲۸۶	ایضا	یا اهراطیل سرحمائیل	خاکی
مالک الملک	مالک تمام خلق	۲۱۲	جلالی	یا روحائیل خردائیل	آتشی
ذوالجلال	صاحب بزرگی	۸۰۱	ایضا	یا خردائیل طاطائیل	"
والاکرام	و کرم زبان	۲۹۹	"	"	"
الرب	پروردگار	۲۰۲	جمالی	یا اهراطیل جبرائیل	خاکی
المقسط	دادگر	۲۰۹	جلالی	یا اهراطیل اسمائیل	آتشی
الجامع	فراهم کننده	۱۱۴	مشترک	یا کلکائیل لوماشیل	خاکی
المغنی	بی نیاز	۱۱۰۰	جمالی	یا دردائیل لومائیل	آتشی
المعطی	عطا کننده	۱۲۹	"	یا لومائیل اسمائیل	آبی
الضار	زیان کننده	۱۰۰۱	جمالی	یا اجمائیل اهراطیل	"
المانع	بازدارنده	۱۶۱	جلالی	یا روحائیل لومائیل	"
النافع	سود کننده	۲۰۱	"	یا حولائیل سرحمائیل	ایضا
النور	روشن کننده	۲۵۶	مشترک	یا رفتمائیل اهراطیل	آبی

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جلالی یا جمالی یا مشترک	مواکیل	عناصر
الهادی	راه نماینده	۲۰	جمالی	یا دردائیل سرکطائیل	آبی
البدیع	آفریننده نادر	۸۶	مشترک	یا جبرائیل ردمائیل	خاکی
الباقی	پس از خلق بماند	۱۱۳	جمالی	یا عطرائیل ردمائیل	آبی
الوارث	میراث گیرنده	۷۰۷	جلالی	یا رفتمائیل میکائیل	"
الرشید	راست تقدیر و درست	۵۱۴	مشترک	یا همرائیل دردائیل	خاکی
الصبور	جلدی کننده بعذاب	۲۹۸	جمالی	یا اجمائیل اهراطیل	بادی

شرح اسماء الحسنی تمام کرده شد اما طالب را باید دریافت جلالی و جمالی و مشترک مشکلی خواهد بود ازاینجهت اسماء مذکوره را یکجا جمع اسناد کار کردن شرح تمام که هریک را آسان باشد چنانچه اول اسماء جمالی که آنرا اسماء رحمت گویند برای درجات و فتوح رزق و فتح جنگ و سرخ روئی پیش پادشاه و ملوک و سلاطین و امراء و وزرا و محبت و مودت باین اسماء عمل کنند تا بمقصود رسند و این اسماء جمالی جمله چهل و پنج اسم است چنانچه هریک اسم با مع اعداد بعد تکسیر این هستند

یا رحمن ۲۹۹	یا رحیم ۲۵۸	یا سلام ۱۳۱	یا مؤمن ۱۳۶	یا مهیمن ۱۴۵	یا وهاب ۱۴	یا رزاق ۳۰۸
یا فتاح ۴۸۹	یا باری ۲۱۳	یا غفار ۱۲۸۱	یا باسط ۷۲	یا معز ۱۱۷	یا لطیف ۱۲۹	یا غفور ۱۲۸۶
یا شکور ۵۲۶	یا حفیظ ۹۹۸	یا کریم ۲۷۰	یا واسع ۱۲۷	یا حکیم ۷۸	یا حلیم ۸۸	یا ودود ۲۰
یا کفیل ۱۴۰	یا ولی ۴۶	یا مغنی ۱۱۰	یا معطی ۱۲۹	یا نافع ۲۰۱	یا رشید ۵۱۴	یا محیی ۶۸

یا حی ۱۸	یا قیوم ۱۵۶	یا ماجد ۴۸	یا صمد ۱۳۴	یا بر ۲۰۲	یا تواب ۴۰۹	یا عفو ۱۵۶
یا رؤف ۲۸۶	یا نور ۲۵۶	یا هادی ۲۰	یا باقی ۱۱۳	یا صبور ۲۹۸	یا واجد ۱۴	یا وکیل ۶۶
یا احد ۱۳	یا نعیم ۱۷۰	یا ضار ۱۰۰۱				

پس چون برای علو درجات و گشایش رزق عمل کردن منظور باشد برای این عمل هفت اسم اند
از آن هفت اسم یک اسم را اختیار کند و آن هفت اسم مذکور اینست

یا باسط	یا سلام	یا فتاح	یا معز	یا لطیف	یا کریم	یا واسع	

عدد این اسماء که بالا ذکر شده بتکسیر و نیز عدد موکلان از تکسیر و عدد اسم صاحب طلب نموده جمله عددها را
یکجا کرده نقش مربع از خانه سوم پر کند بساعت مشتری با ترکیب پر کردن نقوش مربع و مثلث وغیره و در
یافتن ساعات سیارگان آینده خواهیم نوشت انشاء الله پس جمله اعداد را برای هر روز خواندن تقسیم
کند موافق اعداد اسم برآورده اسماء هر روزه بخواند و در آرد کند و نقشها نوشته گولی بندد و در
دریا اندازد و همین طور تا یک چله کند انشاء الله تعالی گشایش رزق و فتوح بیشمار شود و
بر تبه عالی برسد برای سرخ روئی پیش پادشاهان و امراء باید که از این نیکی اختیار کند اعداد نهها را

یا رحمن	یا رحیم	یا حلیم	یا حفیظ	یا حی	یا قیوم	یا رافع	یا فتاح	یا هادی	

در مجموعه جمالی نوشته پس از این اسماء یک اسم گرفته عدد صاحب مطلب و عدد موکل وغیره یکجا کرده در ساعت
شمس از خانه یازدهم نقش مربع پر کند و آن نقش را در دست راست ببندد یا بر سر بباید و اگر بخواهد پیش پادشاه
و حاکم سرخروئی باید و حاکم رحیم گردد و برای محبت و مودت و حب اگر عمل کند از این سه اسمائی بگیرد اینست

یا ودود	یا بدوح	یا لطیف

پس از این اسماء یک اسم را عدد گرفته و اسم طالب را با اسم
و اسم مطلوب را با اسم مادر گرفته اعداد همه را یکجا کرده در ساعت مشتری نقش مربع از خانه دهم
و فتیله سازد در چراغ گلی که سفال آب ندیده باشد از طرف اول که نشان سیاهی کرده روشن کند و
چراغ بسمت خانه مطلوب کند و خود رو بروی چراغ نشسته موافق عدد اسماء آلهی که ترتیب
آن عزیمت است بخواند انشاء الله تعالی بمقصود برسد عزیمت اینست که بطریق نمونه نوشت

اللّٰهم سخّر قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان بحق یا بدوح اجب یا جبرائیل
یا دردائیل یا رقائیل یا تنکفیل سامعاً مطیعاً بحق یا بدوح العجل العجل و چون برای
صحت بیماری عمل کند از این هفت اسم الله تعالی یکی را اختیار کند و عدد اینها قبل

یا حفیظ	یا سلام	یا نافع	یا باقی	یا کریم	یا غفور	یا هادی	

مرقوم شد پس آن اسم را که گرفته است عدد برآورد و نقش مربع از خانه اول پر کند
و شوئیده بخورد مریض دهد انشاء الله تعالی بعد چند روز صحیح گردد

شرح اسماء جلالی که اسماء ضبط اند

و این اسماء برای بغض و عداوت و جدائی افکندن میان دو کس و مقهور شدن مر اعدا و خراب کردن
خانه دشمن و روزی آن بستند چون این عمل کنند راست و درست آید و آن مجموعه اسماء جلالی معظم اینست

یا عزیز ۹۴	یا جبار ۲۰۶	یا متکبر ۶۶۲	یا قهار ۳۰۶	یا قابض ۹۰۳	یا مذل ۷۷۰	یا علی ۱۱۰
یا جلیل ۷۳	یا قوی ۱۱۶	یا متین ۵۰۰	یا مهلک ۵۶	یا معید ۱۲۴	یا ممیت ۴۹۰	یا قادر ۳۰۵
یا مقتدر ۷۴۴	یا منتقم ۶۳۰	یا ذوالجلال ۸۰۱	یا مقسط ۲۰۹	یا مانع ۱۶۱	یا وارث ۷۰۷	یا مالک الملک ۲۱۲

این اسماء بیست و دواند ترتیبش آنکه اگر برای بغض و عداوت عمل کنند از آن اسماء
آلهی یک اسم اختیار کند اینست

یا جبار	یا قابض	یا قوی

پس اعداد اسم و عدد اسم موکل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه نهم
پر کند و آن نقش را در گور کهنه دفن کند انشاء الله تعالی جدائی میان دو کس افتد
و چون برای مقهوری دشمن و خرابی خانه او عمل اختیار کند از این
سه اسماء باری تعالی معظم که مرقوم آمده بگیرد

یا قهار	یا مذل	یا جبار

پس عدد اسم و عدد اسم عدو و مع موکل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه
سوم پر کند

بر کند و بر این تدبیر عمل کند از هفت جا خاک بیاورد اول خاک چهار راه که بهندی آنرا چوراه گویند دوم خاک مسجد سوم خاک گور کهنه چهارم خاک خانهٔ ویران پنجم خاک منار ویران که بهندی آنرا مدیه گویند ششم خاک جائیکه خر خود را غلطانیده باشد هفتم خاک جائیکه زغن نشسته باشد همه خاکها را گرفته گِل کرده و نقش که پر کرده در آن گِل گذارد و آن اسم مذکور اسم اتمع موکلات مطابق تعداد عدد بخواند باو دمد و در اول تصور خراب گشتن عدو کرده بخواند و آن گِل را در جای خراب دفن کند انشاء الله بد خواه او زبون خواهد شد

بیان اسماء مشترک که جمالی و جلالی هر دو که هر نیک و بد بکار آیند

اول باید که ترکیب خواندن این اسما را یاد گیرد و آن اینست که چون برای دعوت و دادن زکوة این اسماء را بخواند دانهای تسبیح را بجانب خود بگرداند و برای خراب کردن خانهٔ دشمن و خانهٔ او و برای علو درجات بوقت خواندن تسبیح بجانب راست بگرداند و برای صحت مریض تسبیح با اسم هر روز بطور وظیفه بخواند و هفت بار تسبیح را در آب طاهر و پاکیزه شوید و بمریض بخوراند که هر آسیب داشته دفع خواهد شد و صحت کامل باشد مرشانی مطلق میسر شود و مجموعه اسماء مشترک اینست

یا مَلِکُ ۹۰	یا واحِدُ ۱۹	یا خالِقُ ۷۳۱	یا قُدّوسُ ۱۷۰	یا مُصَوِّرُ ۳۳۶	یا عَلیمُ ۱۵۰	یا سَمیعُ ۱۸۰
یا بَصیرُ ۳۰۲	یا حَلیمُ ۸۸	یا عَدلُ ۱۰۴	یا خَبیرُ ۸۱۲	یا عَظیمُ ۱۰۲	یا مُغیثُ ۵۵۰	یا حَسیبُ ۸۰
یا مُنعِمُ ۲۰۰	یا مُجیبُ ۵۵	یا باعِثُ ۵۷۳	یا شَهیدُ ۳۱۹	یا حَقُّ ۱۰۸	یا مُقَدِّمُ ۱۸۴	یا مُؤَخِّرُ ۸۴۶
یا اَوَّلُ ۳۷	یا آخِرُ ۸۰۱	یا ظاهِرُ ۱۱۰۶	یا باطِنُ ۶۲	یا مُتَعالُ ۵۴۱	یا اَکرَمُ ۲۶۲	یا جامِعُ ۱۱۴
یا غَنیُّ ۱۰۶۰	یا بَدیعُ ۸۶	یا رَشیدُ ۵۱۴	یا وارِثُ ۷۰۷			

و این اسماء جمله سی و چهار اند پس در هر کار بتصریح که مرقوم میشود و عمل کنند و نیز هر ساعت هر کار را آغاز کنند با ساعت شبانه روز در باب پنجم خواهم نوشت اینجا اینقدر دریافت

کافی است که مبتدی را خیال باید چنانچه روز شنبه زحل بساعت اول نحس اکبر برای خراب کردن دشمن و جدائی دو کس ساعت دوم مشتری سعد اکبر برای علو درجات و پیش پادشاه و ملوک رفتن و برای محبت و مودت و ساعت سوم مریخ نحس اصغر برای مقهوری اعدا و ساعت چهارم شمس سعد اکبر برای محبت و علو درجات ساعت پنجم عطارد نحس ذوجسدین برای زبان بندی و دیو بندی و جمله بلاها و ساعت ششم قمر سعد ذوجسدین برای گشایش رزق و فتوح و سرخ روئی پس ساعت دیگر را بطریق مثال نوشتم و ساعت هر روزه را در باب پنجم مذکور خواهد شد لهذا این ساعت دیده هر اسم را که در مربع برای هر کاری و هر مقصدی پر کند مثلاً برای حب یا برای بغض یا برای فتح یابی و سرخ روئی آن اسم را نظر کند که چند حروف دارد پس هر حرف را موکل بگیرد باین طریق مثلاً اسم بدوح که اینچنین حرف دارد (ب د و ح) مواکیل آن موکل حرف (ب) جبرائیل (د) دردائیل موکل حرف (و) رفتمائیل موکل حرف (ح) تنکفیل فی الجمله این موکلها که شمار احداشد همین طور هر حرف را موکل بگیرد و همراه اسم خدا تعالی داخل کند و بخواند در همان ساعت که برای هر کار مقرر است و صورت ترتیب اسم موکلات همراه اسم خدا اینست مثلاً حروف بدوح را موکل بکار ورده ترتیب این یا بدوح اجب یا جبرائیل یا دردائیل یا رفتمائیل یا تنکفیل سامعاً مطیعاً بحق یا بدوح فاما همینطور هر اسم را بعمل آرد اشاره بعاقل کافیست و چون بساعت ستاره نقش اسماء نویسد با موکلات بترتیب مذکور خواندن آغاز نماید آنوقت رجال الغیب را پس پشت کند و دعاء رجال الغیب بخواند و اندک شیرینی در دهن کند برای محبت و برای عداوت چیزی تلخ و تیز در دهن برارد و احوال بخورات و اغذیات ستارگان و طریق دانستن رجال الغیب در باب پنجم خواهم نوشت لیکن دعای رجال الغیب اینست دعای نظر رجال الغیب

اَلسَّلامُ عَلَیکُم یا رِجالَ السَّلامُ عَلَیکُم یا اَرواحَ المُقَدَّسَۃِ اَغیثُونی بِغَوثَۃٍ وَانظُرُونی بِنَظرَۃٍ یا رُقَبا یا نُجَبا یا اَبدال یا اَوتاد یا غَوث یا قُطب بِحَقِّ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ صَلَواةُ اللهِ عَلَیهِم وَالسَّلام پس ای طالب در خواندن اسماء الهی هر سه گونه یعنی جلالی و جمالی و مشترک بهمه طریق بجا آورد تا راست و درست آید و الحال

ماذکر آن اسماء باریتعالی کنیم که از بزرگان باین نحیف رسیده است و آن اینست عمل
اسم باریتعالی عطا فرمود مولانا السید زین العابدین صاحب که باید این هر سه
اسم که محاصر تمام کلام الله است و در بسم الله و الحمد آمده اند و یکی اسم ذات و دیگری
اسم عادل و سوم اسم رحمت و در صفت همین اسماء تمام کلام الله است و در اسناد
این هر سه زبان نیست که بیان کنم لهذا این اسما را سه هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه ما بین
عصر و مغرب هر روز بلا فاصله در سایه آسمان سر برهنه مدام بخواند اگر خدا یتعالی خواهد امید
گردد و برای هر مطلبی که بخواند در مدت چهل روز مقصد بعون الله تعالی بیشک بر آید آن اسما
معظم و مکرم اینند یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحِیْمُ دیگر عمل از زاهدی باین نحیف رسیده انکه
این هر دو اسم مبارک باری تعالی که یا عزیز یا لطیف که هر دو یکصفت دارند و یک اسم جلالی
و دیگر جمالی است پس هر دو را دوازده هزار مرتبه بعد از نماز صبح یا بعد نماز مغرب سر برهنه کرده
دو پارچه سیاهی در گردن انداخته تضرع کنان بخواند و گریه کند بیشک در مدت دوازده روز مطلب
دنیا و دین حاصل گردد و اگر یک جلسه از این هر دو اسم یکهزار بوقت شام تا صبح یا تا شام
دیگر سر برهنه در مقام تنها در زیر آسمان نشسته بخواند بیشک همان روز مطلب بر آید
ولیکن یک بیست و پنج هزار مرتبه در یک مجلس بخواند تا بمقصود برسد قاعده عجیب
و غریب عنایت جناب حافظ اصغر علی صاحب باید که اسم یا مستطیع
باول و آخر درود شریف سه مرتبه خوانده صد و سیزده مرتبه وقت نماز صبح دائم بخواند
بیشک مجمع خلایق پیش عامل شود مجرب است و برای دو کس تجربه نموده شده است
عمل دیگر برای زاهدان هر که خواهد از گناهان صغیره و کبیره که حقتعالی از او درگذرد و
برحمت خویش معافش کند این اسم را بدین ترتیب با درود بر محمد صلی الله علیه و آله بعد از
نماز جمعه صد بار بخواند ببرکت این اسم در اندک مدت آمرزیده گردد اسم اینست یا غفار
اِغْفِرْ ذُنُوْبِیْ یا قَهَّارُ هر که این اسم مذکوره را مدام بخواند محبت دنیا از دل او بیرون
رود و دیگر هر که بعد از نماز چاشت سر بسجده نهد و هفت مرتبه اسم را بخواند بکرم الهی
مستغنی گردد و اسم این است یا وَهَّابُ نوع دیگر در مقدمه عداوت جانبین و جدائی
افکندن میان دو نفر هذا العمل مجرب از نادرات است باید که این اسما را در تاریخ نحس

و در دهن چیزی تلخ مثل سیاه مرچ یا نمک شور انداخته سه روز متوالی بوقت رد بروی خود
سمت جنوبی کرده بخورات سوزانیده هر روز دو هزار مرتبه خوانده و وقتی که تسبیح تمام
شود بیست و یکمرتبه بپارچه کاغذ این اسماء را نوشته باشد و بر آتش بسوزاند مگر اینکه
اگر مسلمان باشد لازم است که اسم باری تعالی را نسوزاند بلکه در یکطرف نهاده بر آتش
که گرمی آتش بر آن کاغذ ها برسد پس بعد از سه روز عامل اینطریق باشد و هر گاه که جدائی میان
دو کس انداختن منظور باشد همین اسماء تهاری را مع عبارت چنانکه قبل نوشته شده در
پارچه نوشته با اسم جانبین مع مادرشان نوشته و در راه گذر شان دفن کنند زکوة
قدری شیر برنج با احتیاط خود پخته سه رکابی کند بر یکی نیاز حضرت بی بی فاطمه سلام الله
علیها و بر دوم نیاز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کند و بر سوم نیاز موکلان کند پس پیغمبر
بر هر که داده است خود بخورد و نیاز موکلان در مسجد تنها که نماز میکنند بخوراند و نیاز فاطمه را
بدختران خوراند و تعویز را در رهگذر شان دفن کند چنان باهم دشمنی کنند که یکدیگر را نخواهند دید
اسماء اینست یا بدیعَ العجائبِ بقهراتِ و الفراق نوع دیگر برای هلاک و تباهی
دشمن باید که این اسم قاهره را برای هر کسی که یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در مدت
یک هفته بسوی آسمان رو کرده بخواند و بسمت آنکس بد یقین که در یکهفته دشمن
تباه شود و اگر نشود در هفته دیگر چنین کند بیشک بحکم خدا عدو برباد گردد این عمل
عنایت کرده بیسر خان ساکن ہانسی حصار است که باین نحیف عطا شده این است
اَلْمُذِلُّ نوع دیگر این اسم باریتعالی که عملش عنایت فرموده جناب سبحان شاه صاحب
لذی گرامی است و در مقدمه حب مجرب است اگر کسی بر کسی عاشق باشد و هر گز
با او ملاقات میسر نمیشود باید که این اسم اعظم را بوقت صبح و بوقت شام از روز
پنجشنبه بعد از نماز یکصد و یکمرتبه اول و آخر صلوات فرستد و مطلوب را در دل خیال
تصور کند که گویا رو بروی ایستاده است و چشم خود را بند دارد چون تمام شود در دل
خیال بسوی مطلوب کند در مدت یکهفته بی شک معشوق باو رجوع کند و البته از فعل
شنیع پرهیز کند یعنی زنا نکند و اگر برای یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه این اسم را
بعد عامل شود هر گاه که بعد زکوة برای کسی سه روز بطریق مذکور بالا ذکر شد بخواند

مطیع فرمان شود مجربست خطا و شک ندارد اسم مبارک اینست الحَلِیمُ نوع دیگر
عنایت همین درویش بزرگ مرحوم بالا این عمل اسم باری تعالی برای تسخیر انسان آشنا
مرد و زن آزرده خاطر که هرگز طرف خود رجوع نمیکند بسیار است که یک پیاله بطهارت تمام
از شربت درست کند و در آن گلاب کیوره اندازد و باید که روز پنجشنبه باشد بوقت نماز عصر
رو بقبله نشسته چشم بسته تصور سوی مطلوب کرده یکهزار و چهارصد مرتبه این اسم معظم
بخواند یَا وَدُوْدُ چون تمام شود بر آن پیاله شربت بدمد نیاز موکلان اسم موصوف داده
خود بنوشد انشاء الله تعالی در مدت خواندن همان روز مطلوب حاضر شود اگر مطلوب حاضر
شود در بین خواندن باید با او حرف نزند و کلام نگوید تا که عمل را اتمام کند همین نوع تا سه روز یا
هفت روز بخواند تا مطلوب مسخر و مطیع گردد مجربست عمل دیگر در باب حب
عنایت عابد و زاهد جناب محمد حسن صاحب این عمل مجرب و آزموده
شده بارها باید که در عروج ماه بروز پنجشنبه بر پارچه کاغذ اول عدد بسم الله بنویسد
بعد اعداد تمام طالب و مطلوب با عدد اسم مادران هر دو و عدد اسم یَا وَدُوْدُ را هم
بنویسد باینطریق که اول بر تخته چوبی یا بر کاغذ اسم طالب بنویسد و بعد اسم یا ودود را
بعد اسم مطلوب بهمین طریق مثال آن را هم نوشته ایم که در فهم آسان آید

میر احمد علی	وَدُوْد	فاطمه خانم
١٠٣٠٧٠٤٤٠٨١٢٠٠١٠٤٠	٤٦٤٦	٤٠٥٠١٦٠٠٥٤٠٩١٨٠

بعد نوشتن این اعداد مدغم کند یعنی یک عدد از سر گیرد و یک عدد از پای اسم مطلوب
نویسد چنانکه باهم تمام اعداد چسبیده باشند و من مثال ادغام هم مینویسم بدین طریق
٤٠٤٠ ٥٠١٠ ١١٢٠ ٥٨٦٠ ٤٠٤٠ ٩٤ ١٧٠ ٣٠ ١٠٨٠ ٤٦٦٤ پس تمام شد این
اعداد را فتیله ساخته سیاهی بر رخش مالیده در چراغ که سفال آب نارسیده باشد و روغن
خوشبو بریزد و بر فتیله عطر مالیده و شهد خالص در آن مالیده پنبه طاهر پیچیده در
چراغ نهاده روی چراغ جانب خانه مطلوب کرده از خس پاک روشن کند و خود رو
بروی چراغ استاده پارچه طاهر پوشیده یکصد و یک بار درود اول و آخر شریک کرده
این اسم یا ودود بخواند چون تمام شود اگرچه مطلب محبت هم نوشته باشد عرض حال خود کند

و در دهن چیزی تلخ مثل سیاه مرچ یا نمک شور انداخته سه روز متوالی بوقت رو بروی خود
سمت جنوبی کرده بخورات سوزانیده هر روز دو هزار مرتبه خوانده و وقتی که تسبیح تمام
شود بیست و یکمرتبه بپارچه کاغذ این اسماء را نوشته باشد و بر آتش بسوزاند مگر اینکه
اگر مسلمان باشد لازم است که اسم باری تعالی را نسوزاند بلکه در یکظرف نهاده بر آتش
که گرمی آتش بر آن کاغذ ها برسد پس بعد از سه روز عامل اینطریق باشد و هرگاه که جدائی میان
دو کس انداختن منظور باشد همین اسماء تهاری را مع عبارت چنانکه قبل نوشته شد در
پارچه نوشته با اسم جانبین مع مادرشان نوشته و در راه گذر شان دفن کنند زکوة
قدری شیر برنج با احتیاط خود پخته سه رکابی کند بر یکی نیاز حضرت بی بی فاطمه سلام الله
علیها دهد بر دوم نیاز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کند و بر سوم نیاز موکلان کند پس پیغمبر
بر هر که داده است خود بخورد و نیاز موکلان در مسجد طفلها که نماز میکنند بخوراند و نیاز فاطمه را
بدختران خوراند و تعویذ را در رهگذر شان دفن کند چنان با هم دشمنی کنند که یکدیگر را نخواهند دید
اسماء اینست فَامْدَيْعَ الْعَجَائِبَ بِقَهْرِكَ وَالْفِرَاقِ نوع دیگر برای هلاک و تباهی
دشمن باید که این اسم قاهره را برای هر کسی که یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در مدت
یک هفته بسوی آسمان رو کرده بخواند و بسمت آنکس بدمد یقین که در یکهفته دشمن
تباه شود و اگر نشود در هفته دیگر چنین کند بیشک بحکم خدا عدو برباد گردد این عمل
عنایت کرده بشیر خان ساکن هاطی حصار است که باین الخفیف عطا شده این است
المُذِلُّ نوع دیگر این اسم باریتعالی که عملش عنایت فرموده جناب سبحان شاه صاحب
که ذی کرامات است در مقدمه حب مجربست اگر کسی بر کسی عاشق باشد و هرگز
با او ملاقات میسر نمیشود باید که این اسم اعظم را بوقت صبح و بوقت شام از روز
پنجشنبه بعد از نماز یکصد و یکمرتبه اول و آخر صلوات فرستد و مطلوب را در دل چنان
تصور کند که گویا رو بروی ایستاده است و چشم خود را بند دارد چون تمام شود در دل
خیال بسوی مطلوب کند در مدت یکهفته بی شک معشوق باو رجوع کند والبته از افعال
شنیع پرهیز کند یعنی زنا نکند و اگر برای یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه این اسم را
بدمد عامل شود هرگاه که بعد زکوة برای کسی سه روز بطریق مذکور بالا ذکر شد بخواند

مطیع فرمان شود مجربست خطا و شک ندارد اسم مبارک اینست **الحلیم** نوع دیگر عنایت همین درویش بزرگ مرحوم بالا این عمل اسم باری تعالی برای تسخیر انسان آشنا مرد و زن آزرده خاطر که هرگز طرف خود رجوع میکند پس باید که یک پیاله بطهارت تمام از شربت درست کند و در آن گلاب کیوره اندازد و باید که روز پنجشنبه باشد بوقت نماز عصر رو بقبله نشسته چشم بسته تصور سوی مطلوب کرده یکهزار و چهارصد مرتبه این اسم معظم بخواند **یا ودود** چون تمام شود بر آن پیاله شربت بدمد و نیاز موکلان اسم موصوف داده و خود بنوشد انشاء الله تعالی در مدت خواندن همان روز مطلوب حاضر شود اگر مطلوب حاضر شود در بین خواندن باید با او حرف نزند و کلام نگوید تا که عمل را اتمام کند همین نوع تا سه روز یا هفت روز بخواند تا مطلوب مسخر و مطیع گردد مجربست

عمل دیگر در باب حب عنایت عابد و زاهد جناب محمد حسن صاحب این عمل مجرب و آزموده شده بارها باید که در عروج ماه بروز پنجشنبه بر پارچه کاغذ اول عدد بسم الله بنویسد بعد اعداد تمام طالب و مطلوب با عدد اسم مادران هر دو و عدد اسم **یا ودود** را هم بنویسد باینطریق که اول بر تخته چوبی یا بر کاغذ اسم طالب بنویسد و بعد اسم یا ودود را و بعد اسم مطلوب بهمین طریق مثال آن برای توضیح اگر در فهم آسان آمد

میر احمد علی	ودود	فاطمه خانم
۱۰۳۰۷۰۴۴۰۸۱۲۰۰۱۰۴۰	۴۶۴۶	۴۰۵۰۱۶۰۰۵۴۰۹۱۸۰

بعد نوشتن این اعداد مدغم کند یعنی یک عدد از سر گیرد و یک عدد از پای اسم مطلوب نویسد چنانکه باهم تمام اعداد چسپیده باشند و من مثال ادغام هم مینویسم بدین طریق
۴۰۴۰۱۰۵۰۰۲۱۱۰۰۶۸۵۰۴۰۴۹۰۷۱۰۳۰۸۰۱۴۶۶۴ پس تمام شدن اعداد را فتیله ساخته سیاهی بر روغن مالیده در چراغ که سفال آب نارسیده باشد و روغن خوشبو بریزد و بر فتیله عطر مالیده و شهد خالص در آن مالیده پنبه طاهر پیچیده در چراغ نهاده روی چراغ جانب خانه مطلوب کرده از خس پاک روشن کند و خود رو بروی چراغ ایستاده پارچه طاهر پوشیده یکصد و یک بار درود اول و آخر شریک کرده این اسم یا ودود بخواند چون تمام شود اگرچه مطلب محبت در خواسته باشد عرض حال خود کند

اگر کسی را از قید رهائی دادن منظور باشد پس اول اسم مقید بنویسد در میانش اسم ودود و در آخر بجای مطلوب اسم حاکم و بقاعده مرقوم الصدر ادغام کرده فتیله روشن نموده بعد خواندن اسم عرضحال برای رهائی قیدی کند انشاءالله تعالی هر مطلبی که داشته باشد در هفت روز یا چهارده روز تا بیست و یک روز ضرور برآید اما لازمست که برای این عمل کردن چله اختیار کند پس خطای ندارد بیشک بحکم الهی مطلوب حاصل شود و قید رهائی بیابد الا لازم است که تا در چله باشد پرهیز از حیوانی کند و در میان چله مذکور حرام نکند و دروغ نگوید مجربست

عمل اسم باریتعالی درباب حب مجرب از پیرزاده باین فقیر رسیده اگر چون خواهد کسی را تسخیر کند و او را دوست خود نماید یا از امیری نفع بخواهد باید در عروج ماه از یوم پنجشنبه یا بروز جمعه اینعمل را شروع کند بدین ترتیب که بوقت شب دو زانو رو بقبله کرده بنشیند و چشم خود بند کرده اول یازده بار آیة الکرسی تا علی العظیم بخواند بعد یکهزار و ده مرتبه این اسم معظم با عبارت آن و مطلوب خود را در نظر پیش خود دست بسته گویا ایستاده بخواند چون اسم تمام شود بر سینه او بدمد و در دل خود اشاره کند که مطیع من شو همین نوع تا پانزده روز بدستور مسبوق الذکر بخواند و اگر ممکن باشد بر چیزی بدمد و باو بخوراند البته انشاءالله مطیع و فرمانبردار خواهد شد اگر زکوة این اسم تا چهل روز هر روز هزار هزار بار بخواند و بدمد عامل این اسم صاحب رکن گردد و پس در مقدمه تسخیر و حب برای خود و برای دیگر بهر صورت بکار آید هر چیز که دم کرده یا بخوردن و نوشیدن اثر عظیم بخشد و نیز زکوة و آیة الکرسی بدستور مذکور هر روز بخواند و در روز تمام شدن چله بر شربت بدمد و فاتحه بروح پر فتوح حضرت پیغمبر داده بنوشد و همیشه در وظیفه خود قدری نگاه داشته تا همیشه در اختیار خود ماند اینست **یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ قَلِّبْ قَلْبَهُ اِلَیَّ** و برای زن بگوید **قَلْبَهَا اِلَیَّ** دیگر عمل اسماء الهی در مقدمه تب لرزه باید هر کسی را تب و لرزه گرفته باشد آن شخص هشت عدد ریزه سفال نو که به هندی آنرا تهیکری گویند بگیرد و هر کدام **یا مُحِیطُ** بنویسد و بر بازوی صاحب تب بندد و یکی هم بنویسد و مریض در آب پاک بشوید و بخورد و بروز دوم بر یک سفال نوشته و آنچه بباز و پیش بسته بود در چاه بیندازد و دومی را ببندد و یکی هم بنویسد و بخورد و چون روز سوم باز

سفال دومی را از بازو باز کرده در چاه بیندازد و یکی بنویسد یا محیطا بر بازوی خود
بندد و یکی هم نوشته بشوید و بخورد و باز بروز چهارم یکی بنویسد بر بازو بندد و سومی را
باز کرده از بازو و در چاه اندازد و یکی نوشته بشوید و بخورد یا محیطا و در مدت همین چهار
روز ان شاء الله لرز برطرف شود و تب نیاید مجربست و باین ترتیب هیچکس این اسما را بعمل نیاورده
از انجهت اثر نمیکند ترتیب معتبر اینست که از امیر امام بخش صاحب پیرزاده اولاد حضرت مخدوم
اشرف جهانگیر باین ضعیف رسیده است خطائی ندارد **نوع دیگر** عمل اسم باریتعالی که
در حقیقت اسم اعظم همین است که پروردگار در کلام مجیدش یاد و ذکر فرموده است و
در بیان عظمت این اسم در کلام خود بسیار قسم داده و در بسم الله که اول این اسم است که
بسم الله سر کلام الله است و اسم مبارک اینست **الرحمن** پس هر کس که بمقصد و بتجربه در
صبح بمقصد و یکمرتبه بوقت شام ورد خود کند والله در هر مقدمه حب و تسخیر و غیره بر
هر چیزی که بدهد اثر تمام بخشد و همیشه آن شخص متمول باشد و هرگز محتاج نگردد و در
تجربه این فقیر آمده است که این اسم از درویش کامل باین حقیر رسیده است و پرهیز باید
داشت و اگر زکوة یکلک و بیست و پنجهزار مرتبه بدهد عامل کامل گردد و صفت این
اسم نوشتن نمیتوانم **دیگر عمل بسم الله** عنایت سبحان شاه درویش صاحب اول
زکوة این اسم بدهد یعنی یکلک و بیست و پنجهزار مرتبه در عرصه یک چله بترک حیوانات
برای درویش صاحب کمال نهایت مفید است یعنی اگر خواهد تسخیر خلق کند حیوانی پرهیز جلالی و جمالی
کرده بخواند و با شرح پرهیزات مذکوره آینده بیان خواهم نمود پس بعد چله عامل شده هر روز
صبح و شام بمقصد یکمرتبه بخواند تا تسخیر خلایق حاصل آید اسم مبارک اینست یا مسخر تسخیرکنش مسخر
نوع دیگر عمل اسم باریتعالی عطا فرموده جناب پیر خان پیرزاده موصوف اسم برکت
اینست **الاحسان** پس این را زکوة یکلک و بیست و پنجهزار مرتبه و ترک حیوانی و پرهیز
مذکوره اول بدهد و در عمل خویش بیارد و بعد همیشه بمقصد یکمرتبه هر روز صبح و شام
ورد خود کند پس اگر در مدت دوازده سال در شکم کسی درد باشد یا در موضع خود
درد باشد و عامل این اسم دم کند فوراً درد دفع شود و اگر زن حامله را درد باشد در شکم

بعد فوراً دردش برطرف شود و بچه صحیح پیدا شود و اگر خود پیش مریض رفتن نتواند بدست
قاصد بخواند و بدهد تا او بر تن و اندام مریض دست خود بمالد فوراً درد دفع گردد عامل الا اسم
آنستکه اسم را بر دم کردن مریض بر زبان آورد بلکه دست خویش دم کرده بر موضع درد دست بمالد
مجربست **عمل اسم باریتعالی** آزموده حقیر عنایت شاه کریم درویش هر زنی که هیشه
حمل او سقط شود پس باید که اسم موصوف آینده را بشوهر آن زن بیاموزاند تا شوهرش زن را
بر زمین خوابانده از انگشت یازده مرتبه این اسم را خوانده از سینه زن تا موی سیاه حصار کرده
در هنگام حمل یکماه و دو ماه این عمل را بکند ان شاء الله تعالی هرگز آن حمل سقط نشود و اسم مذکور اینست
یا مبتدی **عمل دیگر** عنایت جناب نواب ارشد علیخان صاحب تلمیذ شاه عبد الرؤف صاحب
مجرب و آزموده اگر امیری یا پادشاه کسی را از شهر بدر کرده باشد یا امیر بطرف خود در او غضب
نمیباشد یا هر مطلبی که انسان در دنیا داشته باشد بلاشک بمقصود برسد بدین
نوع باید که بروز پنجشنبه روزه بدارد و غسل کرده جامه پاک و سفید بپوشد و عطر با
بخود بمالید و روزه را افطار کند بعده تنها در جای خلوتی نشسته بخورات بسوزد و یک
دیگ شیر برنج پخته پیش خود گذارده و نیاز بر آن شیر برنج چنین کند که آنرا
سه قسمت کند قسمت اول نیاز موکل که اسم آن موکل آدم تازه از راه رسیده دهد و قسمت
دوم نیاز حضرت پیغمبر دهد و قسمت سوم نیاز حضرت فاطمه سلام الله علیها دهد و دو
صد مرتبه این اسماء الهی را در یک مجلس بخواند و حیوانی هم نخورد و بخسپد و آن شیر
برنج را در مسجد بمردم دهد و نیاز حضرت فاطمه را بر دختران بخوراند اسماء اینها
یا حی یا قیوم یا علی یا ولی یا دفی یا غنی ۵۵ پس صبح آن مطلب آید یعنی آن مدعا
آنرا طلب کند و اگر در یکروز مقصود حاصل نشود در روز دوم بغیر پختن شیر برنج روزه داشته اسماء
بتعداد مذکور بخواند و اگر مطلب نیاید باز روز سوم بغیر روزه و شیر برنج با طهارت تمام تا
روز بخواند پادشاه و امیر و فقیر مسخر خواهند شد بکرم الهی خواهد رسید انشاءالله و بفضله الاعلی
عمل اسم باریتعالی عطیه میرزا بیرعلی صاحب ساکن بهرایچ عمل مذکور آزموده میرزا
موصوف است هرگز خطا نکند و این فقیر بهر کس که بخشیدم بکار او آمد و اسمعیل برای کسی که

بی روزی یا بی نوکری باشد یا کسی او را برطرف کرده باشد این هر سه اسما را اول زکوة
و ترک حیوانی کرده تا یک چله ششصد و پنجاه و هشت مرتبه موافق اعداد حروف تهجی
هر اسم که استادان مقرر کرده اند بخواند یعنی اسم اول را یکصد و نوزده مرتبه و اسم دوم را
یکصد و چهل و هشت مرتبه و اسم سوم را سیصد و نوزده مرتبه جدا جدا یکوقت هر روز در یک
مجلس با طهارت تمام خوانده باشد چون چهل روز تمام شود قدری حلوا را نیاز داده باطفال
تقسیم کند پس عامل شد هر گاه که در هر مصیبت و هر مطلب برای خود یا دیگری سه روز یا هفت
روز بدستور بخواند جمیع مطلب بر آید در روزگار بهره شود اسما معظم و مکرم هر سه گانه همینند

یا سمیع	یا واسع	یا رزاق
۱۱۹	۱۴	۳۱۹

عمل اسم یا وهاب نادر روزگار که مقر این اسم تمام جهانست این اسم معتبر است
الا با این ترتیب که این فقیر را رسیده است یقین که در هندوستان صاحب بخت را
رسیده باشد ورنه یقین دارم که کسی از اسرار این گنج واقف نباشد این ترتیب این
نیازمند را از عنایت درویش صاحب کمال و با عمل صاحب علم کیمیا و صاحب عبادت
در مقام سورت بمبئی رسیده اسم شریف آن بزرگ حضرت شاه اجینی بود فی الحال
شاه صاحب روانه کعبة الله شریف شده بودند بوقت رفتن از فیض باطنی باین
کمترین تلمیذ خود عطا فرمودند هر چند چیزهای دیگری هم عطا فرموده بودند
که آنهم بدوستان خود در این کتاب یاد خواهم کرد و این فقیر در معتقدیه
تنها از این عنایت شاه صاحب فایز گردید الا نوبت زکوة نرسیده
است و بالله التوفیق ربانی آنجناب ارشاد است که اول مرتبه این اسم
سلطنت مرتبه دوم وزارت و مرتبه سوم امارت و مرتبه چهارم تسخیر
خلایق جمله عالم و مرتبه پنجم دست غیب اگر بترتیب اول زکوتش دهد بادشاه
گردد و اگر بترتیب دوم دهد وزیر گردد و بترتیب سوم از زکوة دادن امیر کبیر گردد
و بترتیب چهارم از زکوة دادن تسخیر عالم میسر گردد و بترتیب پنجم چون زکوة دهد دست غیب
هر روز میسر باشد ترتیب اول که متعلق بپادشاه است اینکه ترک لذات حیوانی و پرهیز حلالی
اختیار کند و همه وقت با وضو باشد و هر روز غسل کند و جامه طاهر و نزد زن نرود و چهارده

مرتبه در یک چله اسم مذکور را بخواند و هر روز چهارده نقش نوشته در آرد گولی بسته پیش
خود جمع نماید بروز چهلم همه گولیها را در دریا اندازد پس چون چله تمام شود بیشک بادشاه
گردد و اگر اینقدر بار برداشتن نتواند باید که در پرهیز تخفیف کند و با زن جماع نکند و
گوشت کلان نخورد و بجز حلال حبت کند و از حرام اجتناب کند و بوقت خواندن با وضو
باشد و در مدت هفت بروز جمعه غسل کند و بدستور چهارده ورد و چهارده نقش نوشته
باشد چون تمام شود وزیر گردد و ترتیب سوم اینکه یکروز در مدت هفت روز هر قدر که
بآن ترتیب که بمرتبه وزارت نوشته ایم خوانده تمام کند امیر کبیر گردد و ترتیب چهارم اینکه
هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه هر روز همیشه وظیفه خود با وضو مقرر کند و معین دارد و ناغه
نکند تا آن مدت که شوق تسخیر عالم داشته باشد بلاشک تمام خلایق مسخر شوند و در
اوقات توکل زر بسیار بهم رسد و عامل محبوب عالم گردد و ترتیب پنجم اینکه در یک چله
با ترک حیوانات و چیزهای لذیذ مطلق با صوم هر روز با نان جوین و نمک نا خودی
افطار کند و در یکوقت بیک مجلس سی و پنج هزار مرتبه اول و آخر درود شریف مقرر
نموده هر روز بخواند و همانجا چهارده نقش نوشته در آرد گولی بسته همان
روز در دریا اندازد و این نقش که برای نوشتن گفته ایم بعد اسم وهاب آیت
و موکل آن جبرائیل است و آن نقش را بطور مثال مینویسیم عامل بدین طور نویسد
و بکار برد پس چون اینقدر هر روز بخواند در مدت چهل روز چهارده لک تمام خواهد
شد آن روز ضرور ان شاء الله تعالی صورت موکل پیدا خواهد شد و هر چه که دست
غیب هر روز عامل طلب کند قبول خواهد کرد همیشه زیر جانماز خواهد نهاد و اگر موکل
حاضر آید بیشک بتعداد چهارده روپیه هر روز فتوح از عالم غیب بآن کس
خواهد رسید خطائی ندارد پس باید که بعد ختم چله چهارده مرتبه هر روز علی
الصباح بعد از نماز بخواند و یک نقش نوشته نزد خود داشته باشد از کلمات
در آرد همه نقوش را گولی بسته بدریا انداخته و اسم را که در هر طریق برای خواندن
گفته ایم بدین طریق در هر پنج مراتب بخواند این است اَجِب یا جبرائیل بحق
یا وهاب و صورت نقش که برای نوشتن معین است در سر صفحه با موکل

	۷ ۸ ۶	
۳	۱۰	۱
۹	اَجِیْبُ یَاجَبْرَائِیْل یَحْیِیْ یَاوَھَّابُ	۵
۲	۴	۸
۰	۰	۰

نوع دیگر عمل اسماء باریتعالی برای قیام حمل باید کہ این اسماء معظم را بر رشتہ خام خواند گرہ بزند و آب طاہر و تازہ دم کردہ زن را بنوشاند و آن ریسمان را در کمر ببندد انشاء اللہ تعالی حمل قائم ماند اسماء مکرم معظم اینند یَا رَقِیْبُ یَا وَکِیْلُ یَا اَللّٰہُ

عملی دیگر عنایت بزرگی برای گشایش رزق باید کہ بروز پنجشنبہ و شب جمعہ درجای پاکیزہ و خلوت تنہا نشستہ ہزار مرتبہ بخواند بفضل خدا تعالی از صبح آن شب مقصود رو نماید و گشایش رزق شود شک نیاورد و لیکن اول و آخر چند مرتبہ درود فرستد و ترتیب خواندن اسم مبارک اینست اَلْمُعْطِیْ ھُوَ اللّٰہُ

نوع دیگر عمل تکسیر از اسم باری تعالی مجرّبست درباب حبّ و تسخیر قلوب امیر و فقیر از جناب شاہ صاحب مہربان ساکن قصبہ کاکوری باین حقیر رسیدہ است بہتر از این عمل دربارۂ حبّ و تسخیر قلوب دیگر نیست باید اول اسم مطلوب بجای طالب بنویسد و اسم طالب بجای اسم مطلوب بنویسد بدین طریق فخر النساء مطلوب غلام حسین طالب پس ترتیب تکسیر این اسما بدین ترتیب

ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن

این جملہ حروف را از طرف چپ و راست تکسیر کند چندانکہ سطر اول در سطر آخر برآید و این را صدر مؤخر گویند بعد در زیر آن حروف تکسیر عزیمت ساختہ بنویسد و ترتیب عزیمت اینکہ حرف طالب و مطلوب را جدا نوشتہ اسم موکل حروف بنویسد و بعد موافق اسم موکلان اسم باریتعالی را بنویسد بعد از آن عبارت باقیماندہ عزیمت بنویسد و ہر قدر کہ سطر تکسیر گشتہ اند ہمان قدر فتیلہ نوشتہ ہر روز بروغن خوشبو در چراغ کردہ در آن بخانہ مطلوب روشن کند بیشک مطلوب بیقرار شدہ حاضر شود و لیکن در وقت برآوردن موکلان از سطر اول اسماء است حروف مکرر برداشتہ باقیماندہ را موکلان و اسمای باریتعالی بگیرد و ما طریقہ تکسیر را مثال مینویسیم تا ترا سہل گردد و مثال این است

ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن
ن ف ی خ س ر ح ا م ل ا ن ل س غ ا د و و د
د ن و ف و ی د خ ا س غ ر س ح ل ا ن م ا ل
ل د ا ن م و ن ف ا و ل ی ح د س خ ر ا غ س
س ل غ د ا ا د ن خ م س و د ن ح ف ی ا ل و
و س ل ل ا غ ی د ف ا ح ا ن ر د ن و ح س م
م و س س خ ل و ل ن ا د غ ر ی ن د ا ف ح ا
ا م ح و ف س ا س د خ ن ل ی و د ل غ ن د ا
ا ا د م ن ح غ و ل ف د س و ا ی س ل د ن خ
خ ا ن ا د د ل م س ن ی ح ا غ و و س ل ر ف
ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن

پس چون سطر اول در آخر برآمد چنانکہ در مثالش برآمدہ است تکسیر شد پس موکل آن باین طریق برآمد مثلاً (ف) موکل سرحمائیل حرف (خ) موکل جولائیل حرف (ر) موکل ہمواکیل و چون الف مکرر است (ن) موکل جولائیل حرف (س) موکل ہمواکیل و چون الف مکرر است دور کردہ شد موکل اسم مطلوب برآمدند فاما موکل اسم باریتعالی حرف (و) موکل رقمائیل حرف (د) موکل دردائیل و چون واو و دال مکرر اند ساقط گشتند اسم طالب را موکل مثلاً حرف (غ) موکل لوغائیل حرف (ل) موکل خاطائیل و الف کہ مکرر در اسم مطلوب یکجاست از اینجا نیز ساقط حرف (م) موکل آن روماثیل حرف (ح) موکل تنکفیل حرف (س) مکرر در اسم مطلوب موجود است دفع کردہ شد حرف (ی) موکل سرکیطائیل پس سطر اول کہ اسما طالب و مطلوب بعد آنرا موکل برآمدند پس این موکلان اسما باریتعالی بدین طریق برآوردم چنانچہ حرف اول (ف) موکل سرحمائیل است اسم باریتعالی سرحمائیل از اینست یَا فَتَّاحُ و این اسم باریتعالی زبوریہ است یعنی از (ف) آغاز شدہ و اسم کہ آخر حرف دارد بعینہ است چنانکہ در این

مثال یا رؤف کرد از حرف (ف) دارد موکل این حرف یعنی اسم باریتعالی نیز سرحائیل
پس اگر موقع گرفتن زبوریه باشد اسم زبوریه بگیرد که ضرورت گرفتن بسنیه باشد بسنیه
بگیرد فی الجمله حرف دوم اسم مطلوب (خ) است و موکلش میکائیل پس اسم باریتعالی
زبوریه یا خافض و یا خالق است و یا خبیر است و بسنیه آن نیست پس اگر ضرورت شود
بخواه برای بسنیه باشد یا آخر را ناچاری بگیرد آمدم بر سر مطلب سوم اسم مطلوب (د) الی
و موکل آن موائیل نام حق سبحانه و تعالی زبوریه یا دیّان یا رؤف یا رحیم یا رحمن یا رزاق
و بسنیه این یا حیّ یا قادر یا مقتدر یا ظاهر پس موکل حرف (ا) اسم مطلوب موکل آن اسرافیل
نام باریتعالی زبوریه است یا اوّل یا الله یا احد و بسنیه آن نیست و حرف اسم مطلوب (ن)
موکل آن حولائیل اسم باریتعالی زبوریه یا نصیر یا ناصر یا نافع یا نور و بسنیه آن یا باطن
یا مؤمن یا مهیمن و حرف اسم مطلوب (س) موکل آن همواکیل اسم جناب باریتعالی زبوریه
یا ستار یا سمیع یا سلام یا سید و بسنیه آن یا قدوس بعد اسم مطلوب اسم خدا را یعنی یا ودود
را (د) و (د) گرفتم و موکلان آن هر دو حرف رفتمائیل و دردائیل اند فاما نام باریتعالی آن موکلان
زبوریه برای واو یا ودود یا واحد یا وهاب یا دلیل و بسنیه آن یا عفو و برای دال که موکل
دردائیل است اسم حقتعالی زبوریه یا دائم یا دیان یا وکیل و بسنیه آن یا شهید یا ودود
یا مجید یا حمید یا واحد یا دی بعد آن در نام طالب حرف (غ) است موکل آن
لوخائیل مطابق اسم جناب احدیت زبوریه یا غنی یا غفور یا غفار و بسنیه آن
نیست بعد آن حرف (ل) موکلش طاطائیل اسم عزّ و جلّ زبوریه یا لطیف و بسنیه آن
یا وکیل یا جلیل یا عدل بعد حرف (م) موکلش روحائیل اسم خدا زبوریه یا ممیت یا
مغیث یا مجیب یا مجید یا متین یا مهیمن یا محیی یا محصی یا مبدئ یا مقسط یا
مالک یا مقتدر یا معطی و بسنیه آن یا کریم یا رحیم یا سلام یا علیم یا حکیم
بعد آن در اسم طالب حرف (ح) است و موکلش تنکفیل پس نام باریتعالی زبوریه یا جمیل
یا حسیب یا حکیم یا حلیم یا حق یا حیّ و بسنیه آن یا فتاح بعد آن در اسم طالب
حرف ی است و موکل آن سرکطائیل پس نام باریتعالی زبوریه یحیی و یمیت و بسنیه آن یا
قوی یا غنی یا حی و غیره پس اسم خدا را برآوردند از جمله موائیل سطر دلیل تکسیر اما خیال

باید کرد که من بسنیه و زبوریه را برای چه بقید تحریر آوردم این قاعده استادان برای آن
نوشته اند که اگر موکل حرف خلاف اسم باریتعالی باشد پس زبوریه را ترک کند و بسنیه را بگیرد
مثلاً حرف (خ) که موکل آن میکائیل است پس نام باریتعالی زبوریه در جدول ختم یا خالق
یا فتاح و حرف (ح) موکل آن تنکفیل است پس نام زبوریه در جدول یا فتاح یا حفیظ پس
جسم موکل یا حفیظ را در جدول سرحائیل و دردائیل یا فتاح لاجرم ضرورت افتاد که یا حفیظ
موافق موکل نیست آنرا ترک کنم و اسم دیگر بگیرم چون باز الجسم را حکیم برای انهم
که زبوریه است و موکل تنکفیل و روحائیل دارد اما این را هر چند که موافق اسم موکل فتاح
لیکن ترک کردم و همین طور همه زبوریه را ترک کردم و بسنیه که یا فتاح است اختیار
نمودم و فائده دادن این منظور است که در اسم مطلوب (ف) و الف است و (ح) در اسم طالب
پس یا فتاح بحرف (ت) زائد است باقی همه حرف مطابق اسما طالب و مطلوب اند از این وجه غلبه در اسم
اسم دوم زبوریه نگرفته این را قبول کردم لهذا بر این قاعده عمل باید کرد که اگر موکل موافق اسم باریتعالی
نباشد آن اسم را نگیرد و اگر موافق باشد ببیند که در زبوریه حرف مطابق اسم طالب و مطلوب
یا در بسنیه پس در هر کدام که غلبه موافقت حرف باشد آنرا اختیار کنند حاصلش اینکه چون موکل و اسم باریتعالی
در اسم طالب و مطلوب بتکسیر بر انجام رسید پس عزیمت آن به طریق ساختن باید که مطابق هر موکل
یک اسم باریتعالی بگیرد و اسماء که زاید نوشته ام محض مثال از زبوریه و بسنیه در ترقیم آورده ام فاما
همین حروف و اسماء را چنان عزیمت ساختم که حرف تکسیر اسماء طالب و مطلوب اند که
اوّلاً نوشته ام و از آن حرف آنچه که مکرر بودند آنرا رد کردم پس این حرف حاصل شدند
ن ف ی خ س د ح ا م ل غ د و اینحروف سیزده هستند پس هر کلمه این را مدغم کرده
بطریق ثلاثی ساختم و کلمه را رباعی مدغم کردم زیرا که در حساب ثلاثی کم حرف پیدا است
اگر دوازده می بود سه سه برابر آمدی و این سیزده هستند لاجرم باین مرکب کردم نفی
خسر حامل غدد و چون این کلمه مرکب شد عزیمت باین نوع ساختم عزیمت مثالیه
حرف تکسیر شده عزمت علیکم واقسمت علیکم بکل اسم حامل من تکسیر هذا
الحروف نفی خسر حامل غدد و یا موکلین هذا الحروف یا سرحائیل یا میکائیل
یا امراطیل یا اسرافیل یا حولائیل یا همواکیل یا رفتمائیل یا دردائیل یا لوخائیل

یا طاطائیل یا دوفنائیل یا تنکفیل یا کیطائیل من اسمائه وبنا و ذبکم والهنا والهکم وهو اسماء
تعالی یا فتاح یا رؤف یا خافض یا رحیم یا احد یا نافع یا سلام یا ودود یا شهید یا غنی
یا لطیف یا مجید یا حمید یا قوی ومن اسماء واسماءکم وملائکة المقربین والارواح المقدسه
لیفتو وتهجو اقلب فخر النساء علی حب ام العطاء والرضیه والحنیه غلام محسن خاتم ابداً
سرمداً فی کل حال و زمان ومکان العجل العجل العجل و اگر برای تسخیر باشد چنان نویسد که علی
حب غلام محسن عاشقاً ومجنوناً دائماً ابداً سرمداً فی کل حال و زمان ومکان العجل العجل
العجل و اگر برای تسخیر باشد چنان نویسد که علی حب غلام محسن عاشقاً ومجنوناً دائماً ابداً سرمداً تسخیر
پس تمام شد آن عزیمت باین طریق ساخته و اگر تکسیر نویسد لازم است که بجای نام باری تعالی اگر فتیله
روشن کند هر حرف بر آورده اسم را عدد بنویسد نام خدا را ننویسد زیرا که حرق نام خدا روا ندارند
پس شماره کند که چند سطر در تکسیر مد بمقدار سطور را فتیله نویسد یعنی اگر ده سطور باشد ده فتیله بهم
سطور با عزیمت درست کند پس مطلوب بیقرار خواهد شد بحکم خدا همچنین ای عزیزمن هر یک از این نود و
نه نام اثری و خواصی عجیب دارد و هر یکنام خاصیت دارد نوشتن عملیات آن کتابی طوماری باید بود
و هر اسم که در این اسمای الهی اسم جلالی هست مثل شمشیر تیز و هر که جمالی هست مثل مادر مهربان
شفیق اند اگر این اسما را بخواند و در پرهیز فرق افتد نقصان نه دهند رجعت نکنند و آنچه جلالی اند
اگر بخواند و در پرهیز فرق افتد مجنون کنند و رجعت دهند و افلاس آرند پس این اسماء را
تمیز باید کرد و استاد کامل پیدا یافته بکار خواهد برد این فقیر هر چند که شرح نمود اما احتیاط لازم
و بعضی اسما که عمل آنرا استادان مرا تعلیم نمود بضرورت انتفاع دوستان بر نگاشته تا برادران
ایمانی از آن فایده گیرند و این بی علم را دعای خیر نمایند و هر آنچه را که از استاد مفصل نوشته ام
آن اسم بکار رود و استعمال این فقیر آمده اند و از ایشان لذت یافته ام و تاثیرش را
بچشم خود دیده لهذا باب اول در اینجا ختم میکنم زیرا که آنچه تحقیق عامل را باید کردن مثل
عدد و اسم باری تعالی و اسم موکلان و عدد حروف تهجی و موکلان حروف عناصر
آن و بعضی اسماء که از تاثیرات آن بودم آگاه بودم نوشته انصاف فرماید
که چقدر شرح اسماء الهی صاف و تشریح کردم
تمام شد و شروع خواص و شرح آیات کلام الله که بابی مختصر

می نگارد بعده در این باب بسیار آیات مجربات و اوقات و غیره نوشته خواهند شد
و این باب از سوره یسٓ آغاز کرده ام که سوره ممدوح جان کلام الله است بسیار شرح
و توصیف دارد اگر در حقیقت عالم یک مبین این سوره مبارک باشد پادشاه و حاکمان هرگز گرد
و اگر مسلمان بخدا در نماز و روزه مشغول باشد البته از فضه عملیات جداگانه ترتیب عمل سوره
را بیان سازم اینست اعمال این سوره و استادان باید دانست که این عمل عجیب و غریب است
و هر کسی که از این سوره آگاهی و علمی داشته باشد هیچ پروائی بعمل دیگر نباشد که مقدمه جمله جهان
و در این سوره ممدوح است و الله دانند که موکلان سوره ممدوح آنچنان با وفا و صاحب حرم و کرم
و دانا اند که در صفت آن ملائکان زبان این هیچمدان قاصر مطلق است هر که آشنا باشد
به جاه و ادراک خواهد رسید و صفت و خواص سوره مبارکه آنچنانست که از زبان بشر ادا شود الا
نبی مرسل شاید که او اکنون این فقیر ناچیز و نالائق را بزرگی که نام مبارکش حضرت عبدالقادر خان
بود که خان ممدوح پدر حافظ ولی الله صاحب که حاجی و زوار بودند و حافظ صاحب مغفور باوجود
حج کرده بود از آنجناب نیز فقیر فیض یاب شده ام و جناب عبدالقادر خان صاحب هم این نعمت عظمی عطا
فرموده اند الله تعالی آنحافظ صاحب را غریق رحمت کند و خان موصوف قدس سره را از اینجهان نعمتهای
گوناگون باطنی عطا فرماید و بعد حصول اینعمل هزاران توصیف در اینعمل بفضل خالق عز و جل بغیر
اظهار نتوانستم که در تشریح آن چند جزو کتاب برای انتفاع دوستان برخی نگارد که همه اسرار الحق
با اهل دنیا ظاهر کردن خطاست و الله که اگر آگاه از هر عمل شوی مستغنی خواهی شد پس اول
باید که زکوة سوره ممدوح دهی بدین نوع که سوره مبارکه را تصحیح مطلق مع اعراب از کسی که
حافظ یا دبگیری و حافظ این سوره حفظ شوی بعد از آن در ماههای حرام یعنی رجب یا شعبان
یا رمضان یا محرم الحرام هر روز علی الصباح بکنار دریا روی غسل کنی و لب ساحل تنها
نشسته عزیمت سوره یسٓ را بخوانی که یکهزار مرتبه با درود در اول و آخر یعنی اول و آخر عزیمت
صلوات بفرستی و عزیمت سوره موصوف با موکلات اینست عزمت عزمت علیکم برب
والجبرئیل و المیکائیل فانه عزمت علیکم بخاتم سلیمان بن داود علیهما السلام الذی سخر له
کل شیء من أمثالا فلله سراً وجهراً باذن سبحان الله تعالی عما یصفون چون تمام شود قدری
درود بگوید و در میان آب روان تا ناف رفته تن را برهنه کرده سوره یسٓ را چهل مرتبه بخواند

و هرگز از هیچ چیز نترسد بلکه حصار آنکه و هرچه که عامل را یاد باشد گرد خود کند که در هنگام
خواندن عزیمت و بوقت خواندن سوره بخاطر جمع بخواند چون چهل بار تمام شود از آب بیرون
آید همین نوع تا چهل روز خوانده شود و در این مدت پرهیز جلالی کردن شرط عظیم است یعنی
پرهیز مطلق یا ترک لذات حیوانی نمودن واجب پس بعد ختم چله مذکور همه اسرار عالم
باطن ظاهر خواهد شد و عامل کامل شی خواهد گردید بروز چهل و یکم نیاز پیغمبر و هر چهار موکل یعنی
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام برسد شیرینی تقسیم نموده آنچه خواهد بلند رتبه
زکوة دادن چون بیان کردم الحال شرح چند آیات این سوره موصوف است برای حب بر شیرینی وغیره
دم کند مطلوب بخوراند یا برای دیگری دم کند بحمد الله که اگر کافر حربی و دشمن جانی بود غلام
گردد آیه این است وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ اعراب هر آیه از فرقان مجید صحیح باید کرد اندرین سبب ترقیم نیامد نوع دیگر
برای نفاق این آیه را بر دو پارچه کاغذ تعویذ نوشته یا دو کس که محب باشند با نام آنها و نام مادر آنها
با این عبارت که مشهور است اَلْبُغْضُ فلان بن فلان وَالْعَدَاوَةُ بَيْنَ فلان بن فلانه این تعویذ را در
آب طاهر شسته هر دو را بنوشانند قاطعه دشمنی و عداوت تا ابد قائم شود آیه کریم این است
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ الخ آیه نوع دیگر اگر کسی را در دیده و دگر گریخته باشد یا از کسی آزرده خاطر
شده باشد همین آیه مذکوره که برای عداوت در فوق ذکر شد یازده مرتبه بخواند بچهار سمت بدمد آن گریخته
باز گردد و آن آزرده محب گردد نوع دیگر اگر خواهد عداوت را رجعت دهد این آیه شریفه را نوشته با دو نفر
مدعیان محبت و محب شود آیه شریفه این است إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ الخ آیه نوع دیگر برای
اگر این آیه را نوشته بنوشانند یا بر آب دم برای نوشیدن دهد بکرم الهی صحت مطلق یابد
آیه این است إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا تا مبین نوع دیگر و از این مبین تا مبین دیگر
یک آیه زیاده که تمام بر مثنا عَذَابٌ أَلِيمٌ باشد برای نفاق و بغض و حسد و زبان بندی و
آزار دشمنان بکار میاید اختیار بعامل است بهر نوع که خواهد بهر ترتیب که عقلش رسد جاری
نماید اثر دارد چنانچه مثل مشهور است که رای طبیب مسلم است برای کتاب نوع دیگر
اگر در جماعتی منازعت و مخاصمت فتاده باشد یا جنگ عظیم واقع بود و خواهد که
[illegible]

نوشته در کوزه آب شسته همه مخاصمان را بنوشانند و اگر نوشانیدن هم ممکن نیست در چاهی
که در خانه آنها است شسته بریزند در میان آنها بعون الله تعالی صلح شود و دوست شوند
آیه این است وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا
مُهْتَدُونَ نوع دیگر برای هلاک و تباهی دشمن این آیه نوشته یا بر چیزی دمیده بعده بخوراند
دشمن هلاک و تباه شود الا اینکه شرط این است که نام آن دشمن با نام مادرشان تحریر و عبارت هلاکی نیز
فلان بن فلانه اخرب وَالْخَبْثُ بَيْنَ النَّاسِ عَ اهلاک بعد از ... بعد این عبارت نوشته
شود یا خوانده چند بار بخواند بیشک آن دشمن برباد و تباه شود آیه شریفه این است وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ
قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
خَامِدُونَ دیگر آنکه این آیات برای پیدا کردن زراعت و میوه باغ یعنی بار زمین زراعت غله
بسیار شود و محافظت زراعت نوشته در محل باغ وغیره دفن کنند یا در آب شسته در آب بسیار
بپاشند یا بر تخمها ئیکه میخواهند کشت کنند بخوانند و بدمند غله از آفت محفوظ ماند و آیه شریفه این است
وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ تا بِهِ يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ تا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ
تا بِهِ يَشْكُرُونَ نوع دیگر اگر این آیه به زنی که عقیم باشد یا حملش سقط میشود و یا حملش
نمیماند بر چهل پارچه کاغذ نوشته هر روز یکی را در آب تازه بشویند و بخورانند انشاء الله تعالی آن زن
حامله گردد و اگر نوشته در شکم ببندد هرگز حملش ساقط نشود آیه شریفه این است سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ
الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تا بِهِ يَعْلَمُونَ نوع دیگر اگر این آیت برای نفاق و جدا کردن دو کس نوشته
بهر دو بخورانند و اسم آنها را با اسم مادرشان چنانچه بالا همانجا مذکور شد نویسد بیشک در میان
آن دو نفر جدائی و مهاجرت واقع گردد و آیه های معظم اینها وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
تا بِهِ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي تا بِهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ تا بِهِ الْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ
لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا تا بِهِ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ نوع دیگر اگر این آیه را برای زنی که حملش
ساقط میشود و درد استقاط پیدا میکند این را نوشته سه تعویذ نموده سه مرد بنوشد
و یکی هم بر پارچه نوشته تعویذ نماید یا در کمر بندد بعون الله تعالی حملش قائم و صحیح ماند و
اگر کسی بر کشتی سوار شود این آیه را بخواند بآرام تمام عبور دریا نماید بهشیار تنها آیه این است
وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ تا الی حین نوع دیگر اگر

این آیه شریفه را برای اطفال بزنبید بر نان روغنی بنویسد و کلوچه کرده با جماعت که گمان میبرد بخورانند
که تکه تکه یک کف دست هر یک جمع شده بخورند لیکن اول بر تمام نانها سوره یس را بخواند و بدمد
ان شاء الله در دهن هر که دزد خورد بخواهد شد و در گلویش گیر کرده بیرون خواهد افتاد و دزد ظاهر خواهد
شد آیه مبارکه اینست فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ دیگر
آنکه اگر این آیت را بر قند و نبات بخواند و بدمد یا بر گلاب بآن زن دهد که شوهرش با او محبت ندارد
یا بشوید و بشوهر بخوراند یا گلاب را بصورت بزند یا آیه را تعویذ کرده نزد خود نگاه دارد شوهر مطیع و منقاد
گردد انشاءالله و آیه شریفه اینست إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ تا فَاكِهُونَ. هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ تا
مُتَّكِئُونَ. لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ تا يَدَّعُونَ نوع دیگر اگر این آیات شریفه را بر روی خود
هفت مرتبه بخواند و بخود بدمد و نزد پادشاه رود اگر هزار خون کرده باشد پادشاه بر وی مهربان شود
و بالعزت برگردد آیه شریفه اینست سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ تا أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ نوع
دیگر از برای زبان بندی و غمازی و بدزبان این آیت را هفت مرتبه بخواند و در سوی سر آنکس که
بدزبانست گره بزند و اگر زیاد نمود سوی آنها بدست نیاید این تدبیر کند که ریسمانی که دختر نابالغ
رشته باشد که سیاه و نیلگون باشد بشماره بدگویان و غمازان گرفته و بنام هر کدام این آیه را
هفت مرتبه بخواند و گره بزند چنانکه هر ریسمانی هفت گره زده باشد و آنرا در چاه تاریک و تیره اندازد
ان شاء الله بیشک زبان همه آنها بسته گردد آیه اینست وَنَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
أَيْدِيهِمْ تا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ نوع دیگر اگر کسی خواهد که دشمن را اذیت کند
این چهار آیه را نوشته شسته و بدشمن بنوشاند و اگر نوشاندن ممکن نباشد بر سنگ ریزه که
چهار راه آورده باشند آیه را بر آنها بخواند و بدمد و در خانه عدو بیندازد که انشاءالله عدو از کار
دنیا باز ماند و یقین که کور و لنگ گردد آیه مجرب اینست وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ
تا يُبْصِرُونَ. وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ تا لَا يَرْجِعُونَ نوع دیگر این آیه را برای
آنکه اگر هجوم کفار بر مسلمانان در هر مقدار زیاد باشد بر سنگ ریزه یا بر کلوخ بخواند و بدمد
و بسمت آن کافران اندازد انشاءالله آن کافران دور و دور شوند و اگر مستعد جنگ شوند
شکست خورده و هزیمت نمایند آیه مبارکه اینست وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً تا مُحْضَرُونَ
بعد این آیه تا خَصِيمٌ مُبِينٌ تمام آیات در شان قهاری هستند که برای نفاق و جدال عدو

بکار میآید و بعد آنها آیاتی که برای ساختن نسخه کیمیا که پیش هر کسی کیمیا حیا شده و هر
در دست نمیشود و تیار نمیشود در حالیکه محمود باشد این آیات را تا آخر سوره وظیفه خود سازد و
در هنگام بوته کشیدن و درست کردن و آتش دادن و گداختن مس و هر چیز که جزو آن باشد از زبان
خود بلا تعداد جاری دارد و ببرکت این آیات معظم نسخه درست شود و اگر برای مریض بر آب بدمد
و بمریض بخوراند از مرض شفا یابد آیات اینست وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ تا آخر سوره یعنی
تا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بدان ای عامل همین طور در این سوره آیات برای حب و بغض و برای دفع
تمام امراض هستند ما شرح و تصریح کجا نمائیم چرا که این سوره معظم اسرار عجائب و غرائب دارد
اندک شرح نوشته ایم الحال مجملاً قدری اسناد این سوره را مینویسم بشنو و بزبان اهل بیت شنیده
دار اول اینکه اگر عامل این سوره شوی خود از هر بلا و جادو و غیره ایمن و محفوظ باشی و اگر این سوره را
بر خود بدمی و پیش امیر روی معزز و محترم شوی و اگر بوقت صبح قبل از طلوع آفتاب خوانده باشی
بیشک در قبر تو پس از مرگت بیش از آفتاب روشن تر خواهد بود و لحد تو منور خواهد شد و هر
مهمی که برای خود یا برای دیگری پیش آید سوره ممدوح را سه روز با عزیمت یکهزار و چهل مرتبه بخواند
و بسوی آن مهم منظور بدمی انشاءالله تعالی آن مطلب بیشک برآید و مهم روا گردد و اگر خواهد
کسی را در عشق بیقرار گردانی تمام سوره را بهر دانه فلفل گرم دم کنی و فتیله کنی و با روغن خوشبو
زیر چراغ روشن بسمت خانه مطلوب انشاءالله تعالی مطلوب فریفته و بیقرار شده باز آید
و اگر زیادتر محبت بکسی میخواهی باید که قدری خاک از قبر کهنه که قبر مسلمان باشد بردارد و در
دست گرفته سوره یس تمام و کمال بخوانی و بروح صاحب قبر ثواب آنرا بخشی و دم کرده گل کنی
و آن مرده را قسم دهی که ای صاحب قبر ترا قسم میدهم بخدا و رسول که این گل قبر را بخورد هر کس
مطیع و منقاد من شود پس آن گل را قدری برابر یک ماش در شکر و قند آمیخته بمطلوب بخوراند بیقرار
و بیتاب گردد دیگر آنکه اگر حامله بدرد زائیدن گرفتار باشد این سوره را بر قند یا شکر بدمد و
بمجرد خوردن درد دفع شود یا فرزند از شکم او بیرون آید دیگر آنکه اگر مردان پیش تو آیند
و ترا بسیار دعوت کنند که برای خدا نام دزد را بر ما روشن گردان عملی اینست که پاؤ تا
گندم طلب کنید و آب از چاه تازه کشیده سه مرتبه تمام سوره را بر آن آب بدمد و آرد نموده یک
قدری روغن در آن ریخته و نان روغنی بپزد چون نان پخته شود بر آن نان نقش عدد این

آیه را که در سوره یٰسٓ است و آیهٔ مذکور جان سوره موصوفست و با جمله سوا کیل قران مجید مطیع این آیه هستند نویسد و عدد این آیت که سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ است جمله هشتصد و بیست و هستند از آن اعداد در بیجاه نقش مینویسم که بهمان نقش برنان نوشته و ترتیب پر کردن نقش آینده در همین فصل تحریر خواهم ساخت که اگر تک عدد باشند یا کیساخت بآن قاعده پر خواهی ساخت در اینجا نوشتن تفریق در باب خواهم شد و نقش آیت مذکور اینست که برنان باید نقش کرد

۲۰۴	۲۰۷	۲۱۰	۱۹۷
۲۰۹	۱۹۸	۲۰۳	۲۰۸
۱۹۹	۲۱۲	۲۰۵	۲۰۲
۲۰۶	۲۰۱	۲۰۰	۲۱۱

پس گرد نقش بنویسد
لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

و بر هر لقمه نان سه بار یٰسٓ خوانده دم کرده بدهد بیکیک کسانی که بانها گمان دزد و ند بخورند که انشاء الله هر کس دزد باشد از حلقش فرو نخواهد رفت و گلویش گرفته بر زمین خواهد افتاد

طریقه چهارم نام کشائی دزد که بهمه عالم مشهور است اینکه برنج صدری طلبیده در آب طاهر شسته و خشک نموده سه مرتبه سوره یٰسٓ را بخواند و بدمد و باز در آب تر کرده و همه شب تر دارد و صبح باز و بهر که شهرت بچار یاری دارد و دهد بر آن نقش است و زن کند بهر یک که گمان دزد میرود بدهد تا بخورند انشاء الله تعالی هر کس دزد باشد از دهن دزد فرو نخواهد رفت و این عملیات آنوقت صادق میآیند چنانکه اول گفته ام زکوة روزه بکار دریا بدهی و اگر بدون زکوة دادن همین نوع بملاحظه کتاب سوز مذکور را درکار آری عمل مؤثر نخواهد شد و در صورتی که اگر از اثر کلام الهی از دهن دزد برنج فرو نشد پس آنوقت ضرر عظیم برای عامل است زیرا که موکلان سوره مطیع فرمان نیند و این کس حاکم موکلان آن نیست پس آنکس که از دهن او برنج فرو نشده است مبادا او نیست و آن صاحب عزت در مجلس رسوا شده و باز مال بر او ثابت نشده او بپاس عزت خویش عامل را ندانیم چه ضررها خواهد رسانید یقین که هلاک خواهد ساخت لهذا هرگز کسی اراده چنین عمل وقتی نکند بدون دادن زکوة هیچ کار نکند

آینده مختار فعل خود است ما همه شرائط تعلیم بجا آوردیم طریقه کشائی نامه سوم بر دزد اگر کسی از دست دزد بسیار تنگ آمده آنوقت لازم است که یک کارد بقیمت دو ثیم فلوس درست کند و عامل چهل بار سوره یٰسٓ بر آن کارد بخواند و آن کارد را ایستاده در زمین فرو کند و دسته او برابر زمین قدری بالا باشد و بر آن آتش روشن کند آنقدر که هفت روز آتش بر آن قایم ماند انشاء الله تعالی در مدت هفت روز خون از شکم دزد جاری خواهد شد تا آنوقت که کارد از زیر آتش نه بر آرد صحت نخواهد شد بدان ای برادر که این فقیر را آنچه جناب عبدالقادر خان صاحب ممدوح بالا و پیر آن صاحب جناب حافظ موصوف الصدر تعلیم نموده بودند بحیطهٔ تحریر در آوردم الحال از بزرگان دیگر که عملیات این سوره یافته ام مینویسم اما شرط عظیم در همه امور اینست که زکوة سوره ضرور بدهی و عامل باشی تا هر چیز و هر مرض و هر درد که دم کنی اثری عجیب ملاحظه کنی و لذتها یابی و ملاحظه عاجای آمرزش یاد کنی

قاعده های سورهٔ یاسین که از استادان دیگر بر ضمیر این فقیر منکشف گشته است با اسناد اسامی آن بزرگان

قاعده برای دریافت غالب و مغلوب اگر دو لشکر باهم جنگ کنند یا دو کس باهم دشمن باشند و خواهند بفهمند که کدام فتح میکنند پس دو عدد تیر که در کمان میگذارند طلب نماید و بدست کسی دهد که آنکس با وضو در هر دو دست از طرف پر تیر بگیرد و سر سنان پیکان بزیر زمین آرد و فاصلا در میان هر دو بیک دست دارد و بر هر تیر اسم یک کس نویسد و بر دوم تیر اسم آن دوم نویسد و عامل سوره ممدوح را خواندن شروع نماید و لیکن اول چند بار عزیمت که اول بعد زکوة دادن نوشته ایم بخواند انشاءالله هر کسی که عزیمت در نصیب او دست از پیش آن تیر که اسم بر آن نوشته شده بگریزد و چنان سستی بی اختیار روان شود که اگر بر فرد گیرنده قایم نماند و اگر صلح شدنی است هر دو تیر باهم بروند پس معلوم شد که صلح شدنی است قاعده هر کسی اگر حتمی پیش آید پس سوره موصوف را حفظ کند و اگر یاد داشته است مگر برای صحت احتیاط کند و بوقت شب هنگام نماز عشا هر روز غسل کند و بر جانماز رو بقبله ایستاده کلام الله بر سر داشته هفت بار سوره یٰسٓ را بخواند و حاجت خود را از خدا تعالی بخواهد در ممدوح پر فتوح جناب پیغمبر سوره را قرأت نماید بیشک

ب جنبش در مدت هفت روز برآید هر که شک آرد از اهل ایمان نیست **قاعده** هر کسی
را اگر مشکل لاحل پیش آید که هرگز علاجش نباشد سه روز بوقت نیم شب در قبرستان
رفته بر سر یک قبر بنشیند و چهل بار سوره یس بخواند مگر باواز بلند قرائت بخواند و بارواح
آن مقبوران ببخشد و حاجت خود از خدا بخواهد که انشاء الله در مدت سه روز مرادش
برآید **عمل دیگر** از بزرگی مولانا کمال الدین شاه صاحب که عامل با عمل بود ندا این حقیر را
بهم رسیده اگر باین طریق عمل کند تسخیر پادشاه و فقیر گردد که مجربست خطائی ندارد پس
باید که دل گوسفند نر برای تسخیر کردن مرد طلب کند و برای تسخیر کردن زن دل گوسفند ماده
بگیرد و دل سالم بود و از جای چاک و بریده نباشد در آن دل بروز یکشنبه یا سه شنبه
اسم مطلوب را نوشته و آنرا در آن مقام دفن کند که زن آنجا نزد و سایه زن کسی آنجا
نیفتد پس در آنجا آتش چنان روشن کند که تا یک چله آتش روشن ماند هیچ وقت
افسرده نشود و عامل هر روز بوقت نماز صبح بعد از نماز رو بروی آن آتش نشسته
بروی قبله سوره یاسین یک مرتبه بخواند بآن صورت که در مقام لفظ هر مبین مطلب خود
بگوید چنانکه فلان کس را مطیع من شود و مسخر من گرداینده حاضر گردد ولیکن بجای
عدو مبین و خصیم مبین هیچ نگوید و باقی در هر مبین مطلب مذکور گفته شود و تمام سوره
با درود ختم کند پس در این چله اگر مطلوب بمسافت پانصد فرسنگ بود حاضر آید و
جابر و قاهر پادشاه مهربان گردد مجربست **قاعده** در باب هلاک و تباهی دشمن و خرابی
خانه او باید که تا هفت روز بوقت نیم شب غسل کرده رو بقبله نشسته سوره یس از اول
تا یک مبین بخواند باز عود کند و از ابتداء یس شروع کند تا به مبین دوم باز عود نموده از
اول یس بخواند تا به مبین سوم باز عود کند باول یس شروع کند همین طور از هر مبین
عود کند باول تا به مبین ششم مراجعت کرده سوره را تمام کند و بر سینه او دم کند
و نیت بربادی او را داشته انشاء الله تعالی عدو در یک هفته تباه و برباد شود
نوع دیگر از زین العابدین باین کمترین رسیده این عمل بسیار مجربست و در هر
معقد تیر بهدف رسیده زین العابدین صاحب این عمل از مجذوب حاصل کرده و صد مرتبه
بتجربه آمده است هرگز خطا ندارد هر که عامل و سائل از دست مخاصمان و دشمنان و جنگ

جویان گرفتار باشد و بسیار عاجز شده تا آنشب که دارد صبح مقدمه او ابتر خواهد شد پس
در اینوقت این عمل کند که اگر روز یکشنبه بود بسیار خوبست در آن روز صبح بر خشت
خام کرتر باشد سوره یس را بخواند چهل و یک مرتبه و چون به الیه ترجعون برسد بر آن
خشت با کارد خط کشد و آنرا چاک دهد و جدا نماید و بگوید که فلان را قتل کردم
یا قطع یا تباه نمودم پس همانطور چهل و یک مرتبه تمام کند و همان وقت آن خشت را
بدریا اندازد انشاء الله تعالی چون گداخته شد دشمنان هلاک خواهند شد و مقدمه
شان ابتر و منقلب خواهد شد مجربست شکی ندارد **طریقه دیگر** که معظم و مکرم عمل
واز امیر صاحب ممدوح بالا نیز بهم رسیده و طریقه صوفیه است پس باید که چون
مهمی و مشکلی پیش آید در آخر نصف شب سوره یاسین را آغاز کند و بهر مبین این
اسماء اولیاء الله را نیز بخواند **یا سلطان شاه صفی صفاهانی یا سلطان بایزید بسطامی**
یا سلطان ابو الخیر مازندرانی یا سلطان ابو سعید سامانی یا سلطان محمود غزنوی
یا سلطان ابراهیم ادهم خراسانی یا سلطان غازی بخارائی بعد از این حاجت
خود را از خدا تعالی بخواهد و آنچه که از عداوت و حب و تسخیر و قضاء حاجت طلبی داشته
باشد از خدا طلب کند بر همین ترتیب سوره مذکوره را هفت بار بخواند بر خیز در روز دوم
نیز همین عمل کند تا یکهفته هر روز بدستور مذکور بخواند انشاء الله تعالی حاجتش
روا گردد و لیکن لازم است که ترک حیوانی بکند و از جماع زنان اجتناب نماید
و بهتر اینست که سوره ممدوح را مع اسم اولیاء الله علیحده در یک جا بجای هر
مبین بنویسد یا در خواندن سهل باشد و مغالطه واقع نشود **طریقه نقش**
مثلث در این موصوف آیه **سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ** را عدد این آیه
در آورده نقش مثلث پر کند برای تسخیر قلوب امیر و فقیر بسیار مفید است چون نزد کسی
برود نقش مذکور را پیش خود در سر بدارد و یا در دهن زیر زبان کند در حضور آن کس که
نزد او رفته است رحیم و مهربان گردد چنانچه عدد آیه مذکور برآرد و خوب که ناظر را
آسان شود فاما عدد این آیه هشتصد و نوزده هستند پس دوازده از این کم
کردم و بقیه را سه حصه نمودم و از سوم نقش را آغاز کردم مثلث کامل الاعداد برآمد

باشرح پر کردن نقش آینده را خواهم نوشت آیه مذکور این است
۷۸۶

۲۷۶	۲۷۹	۲۷۴
۲۷۱	۲۷۳	۲۷۵
۲۷۲	۲۷۷	۲۷۰

نوع دیگر که از استاد صادق و صاحب کمال حاجی سید درویش خوب صورت فاضل اجل و صاحب رزق حلال بود این طریقه بهمین خاکسار رسیده و حاجی صاحب موصوف بعنایت باطنی خویش مارا عنایت فرمودند واقعه بهمین سوره مقدسه قسم میخورم که تاثیر این عمل همچو معجزه بظاهر تمام دفعه باین فقیر بظهور رسیده که عاشق این عمل شده ام و آنجناب موصوف اجازت باین هم داده اند که هر کس از مسلمانان محتاج باشد او را این قاعده بخشید تا در مدت یک چله غنی گردد. اگر خواهی موکلان سوره یس را دوست و مطیع و فرمانبردار تو شوند و خود را بظاهر و باطن پیش تو حاضر شوند پس این سوره مبارکه را تا به مبین اول بخوانی بعد ترک حیوانی نموده در مسجدی که بی بام و سایه باشد جائی را معین کنی و جامه طاهر بپوشی و بالای لباس همیشه نباشد و عطریات مالیده بوقت شام رو بقبله نشسته و هر چه عطریات و بوی خوش میسر باشد روشن نموده بعد از نماز مغرب سوره را تا به مبین اول بخوان و ابتدا هم از روز پنجشنبه کنی و یکصد و یکبار بوقت مذکور بخوانی بعد نیاز موکلات داده آنچه وظیفه خوانده بنام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قربت و هم موکلان قربت کنی و برخیزی اما شرط لازم آنست که همه وقت کلمه طیبه را بر زبان خویش جاری نمائی و نماز پنجگانه را ترک ننمائی و از دروغ گفتن و فحش پرهیز نمائی و اگر ممکن باشد روزه بگیری و همیشه خود را خوشبو بداری و قدری شیرینی پیش خود بداری و اگر ناچار ترک صوم کنی و چون روز پنجشنبه دیگر رسد آنروز را روزه بداری و یک پارچه سفید طاهر بروی خود مثل میت بگسترانی و آنرا روضه مقدسه حضرت نبوی صلعم پنداری و خود را مجاور آن قبر مطهر گردانی و وظیفه با نیاز و تضرع و گریه تمام بخوانی چون با تمام رسد بروح خواجه عالم صلعم و بنام موکلان هبه و قربت کنی و بر مرقد مطهره عرض کنی که میخواهی موکلان این سوره تا به مبین حواله من فرمایند و بر من ای رحمت عالمیان بکرم خویش ترحم فرما و بگریه و زاری در آئی بعد ها برخیزی و آن چادر را که بشکل مرقد مطهر کرده

مثل جا نماز چهار تا کرده و اگر میتوانی بروز پنجشنبه دیگر بقدر سه کاسه شیر برنج با طهارت از دست خود پخته و بوقت وظیفه نیاز بعادت معهود داده و قدری هم خود بخوری و بقدر دو کاسه از آن هم بدریا رفته تا اندرون ساق در آب رفته و در دریا اندازی انشاء الله بی شک در مدت چله موکلان بصورت مرد عرب با عمامه متبرک یکی با قامت دراز و سبز رنگ باشد و دیگری سرخ رنگ با دستار سبز پیش طالب و از پس طالب ایستاده خواهند شد یا رو بروی آمده سوال خواهند کرد که چه مطلب داری بعد فراغت وظیفه عرض نماید که از شما دوستی و ملاقات میخواهم و لازم است که اگر رو برو آیند سلام علیکم بگوئی و صلوات بر خاتم انبیاء صلعم بفرستی و از آنها سوال کنی که هرگاه شما را بخواهم طلب کنم و توجه و کرم شما رسن نمایند و هر خواهشی که داشته باشم انجام دهید پس اگر قبول کردند اگر چله تمام شده باشد باز شیر برنج پخته بدستور فوق نیاز کرده و خود خورده و بدریا افکنده و طریقه چله که اختیار کرده است موقوف کند لیکن هر روز بوقت معین همان قدر سوره را خواندن ضرور است بروزهای پنجشنبه و هر چه میسر آید نیاز موکلان و حضرت رسالت پناهی با بوهای خوش لازم است پس حاصل شده هر گاه که فرقی لاحق حال گردد روشنی و خوشبوئی مهیا ساخته بخوانند و موکلان را طلب نموده عرض حال کند کار او را با نصرام خواهند رسانید این قاعده تمام زکوة که نوشته ام کامل است و اگر برای حاجت یک مسلمانی را که احتیاج باشد پیش از دادن زکوة عمل مذکور را شروع نکند و اراده یک چله نماید و با طهارت تمام بر بام بی سایه یا در مسجد که اگر بام دارد مضائقه نیست قدری عطر شیشی یک ماشه هر روز پیش خود داشته یکصد و یکبار هر روز بخواند و نیاز پیغمبر صلعم و موکلان را هم بدهد و چه خیزد و بروز پنجشنبه روزه داشته بوقت شام بعد از نماز مغرب بشبیه قبر مطهر از چادر پاک گذارده و حاجت خود را خواسته باشد روزی که موکلان در خواب بصورت مذکوره بنظر آیند صبح آن مطلب طالب بیشک بر آید و چون مطلب بر آید و حاجت روا گردد باز آن شیر برنج را پخته و نیاز پیغمبر و موکلان ما بدهد لیکن هر قدر آنرا که خود خورد باقی آنرا بدریا بیاندازد و بطریق مسبوق الذکر عمل کند تمام شد عملیات سوره مبارکه یاسین

ای طالب شرح عملیات سورهٔ مبارکهٔ یاسین را نوشته‌ام چونکه نفعهای زیاد در این
سوره هست باین احقر العباد لذات آنرا دانم ولی زیاده از این نمیتوانم افشا کرد فقط

عملیات دیگر از سور و آیات فرقان مجید و طریقه زکوة دادن و ترتیب عملیات حب و بغض وغیره

بدانکه این آیات مجموعه برای محبت تسخیر عالم و دوستی میان زن و شوهر و برای تسخیر پادشاهان
و امیران و تمام جهان اگر زکوة این آیات موصوفه دهد و بعد دادن زکوة برای هر
مقدمه تسخیر محبت وغیره بخواند و بدمد اثر عظیم بخشد و در معنی این آیات کلام الله مجید
هم تمام مقدمه محبت مشحون است اگر علم داشته باشد دریافت نماید لهذا طریق زکوة دادن
این آیه شریفه اینست که در مدت یکصد و بیست روز بمقدار پنجاه و دو هزار و سیصد و چهل و
هشت مرتبه بخواند عامل کامل این آیات معظم گردد و طریقه خواندن اینست که اگر هر روز چهارصد و
چهل و هفت مرتبه بخواند در مدت مذکور تعداد معینه بالا تمام گردد و لایق است که بروز
پنجشنبه خواندن آغاز نماید تا بروز جمعه ختم افتد و در یک محل نشسته بخواند و رو بقبله
باشد و بوقت خواندن عنبر و سنبل و صندل بخور کند و چون ختم شود فاتحه بروح پر فتوح
سید ابرار پیغمبر صلعم با شیر برنج سو کلان این آیات بپخته و بمعصومان تقسیم نماید بعد در
مقدمه حب و محبت برای دو کس خواه امیر و خواه فقیر برای خود سه روز بخواند و نام آن هر
دو را گیرد باین طریق که علی حب فلان بن فلان عاشقاً مجنوناً مفتوناً دائماً ابداً سرمداً باذن الله تعالی
بیشک در میانشان محبت جانبین واقع شود الا مقدمه عمل حلال باشد حرام نباشد و اگر خود
خواهد که حاکم مطیع و مسخر من شوند پس بیست و یکبار هر روز ورد خود سازد بفضل الهی در هر
که خواهد تمام خلایق مطیع شوند و دیگر اینکه اگر زکوة نداده باشد برای هر کسی که چهار مرتبه
بر شکر یا بر میوه دم کند و نام هر دو بگیرد با نام خود و دم کند و بخورد مطلوب مطیع حکم
او شود مجربست و اگر این آیات را نوشته پیش خود دارد اثر عظیم و فواید بسیار
بیند و باید که آیات را معطر دارد و پاک و عزیز بدارد تا خواص بسیار بیند و اگر خواهد که
کسی را در عشق خود بیقرار گرداند بیاورد هفت موی سر مطلوب را و هفت موی
از سر طالب یا خود اگر طالب هست موی سر گرفته هر دو را آمیخته هفت گره بزند و بر هر گره

یکبار این مجموعه آیات را بخواند و گره بزند پیش خود نگاه دارد عاشق و معشوق
باهم مبتلا شوند و خواص این آیات زیاد هستند مختصر نوشته‌ام هر که عامل باشد برا او
مکشوف میگردد و آیات کریم اینها اند بآسانی آنها را می‌نگارم باید که از کلام الله شریف آیات
را با اعراب بصحت تمام یاد کند اینست در نصف پاره تِلْكَ الرُّسُلُ آیه حُبُّ الشَّهَوَاتِ
مِنَ النِّسَاءِ الی آخر حُسْنُ الْمَآبِ در ثلث پارهٔ سوم قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ الخ غَفُورٌ رَحِيمٌ در ربع اول پاره چهارم لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ
این آیه است هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ تا بِالْكِتَابِ كُلِّهِ در تمامی
نصف پاره چهارم ایضاً فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ تا يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ در ربع اول
پارهٔ دوم سیقول این آیه است يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ تا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ در آغاز ربع
پارهٔ ششم لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ این آیه است فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ تا
وَاسِعٌ عَلِيمٌ در ربع پارهٔ دهم وَاعْلَمُوا این آیه است هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ
وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ تا عَزِيزٌ حَكِيمٌ در نصف آغاز پاره یازدهم يَعْتَذِرُونَ
بر تمامی سوره توبه این آیه است لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
تا رَءُوفٌ رَحِيمٌ در ثلث پارهٔ شانزدهم در سوره مریم قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ این آیه
وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي تا عَلَى عَيْنِي و این آیه شریفه برای بغض و ضد گوئی هم فایده
دارد اگر در یک چله یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه با وضو تمام خوانده زکوة دهد
بعد اتمام چله عامل بیشک خواهد شد پس در هر مقدمه بغض اثر این چون تیر بهدف
باشد و اگر یکصد و یازده مرتبه با درود اول و آخر تا یک چله بخواند امیر و فقیر مسخر وی
شوند در ثلث پاره شانزدهم ایضاً این آیه است وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ
در ربع چهارم ایضاً پارهٔ شانزدهم این آیه است فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ تا به غَوَى
در پاره سی‌ام در سوره بروج این آیه است وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ تا فَعَّالٌ لِمَا
يُرِيدُ در پاره ایضاً در سوره عادیات این آیه است وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ تمام
شد نوع دیگر این آیه معظم که در سوره آل عمرانست رَبِّ لَا تَذَرْنِي الخ اعداد برآورده نقش
در خانهای مربع پر کند و مدام نزد خود دارد ببرکت این آیه شریفه خدا تعالی اولاد فرزند صالح

عزائم ید دما نقش آیه مذکور را نوشته ایم تا پر کردن آن آسان باشد و مارا دعای خیر کنید
چنانچه عدد سه هزار و دویست و پنجاه است و آن را قسمت کردم نقش اینست

۷۸۶

۸۱۲	۸۱۵	۸۱۸	۸۰۵
۸۱۷	۸۰۶	۸۱۱	۸۱۶
۸۰۷	۸۲۰	۸۱۳	۸۱۰
۸۱۴	۸۰۹	۸۰۸	۸۱۹

نوع دیگر این آیات معظم را که در پاره الم است
صُمٌّ بُکْمٌ الخ کسی عدد بر آورده با نام بدگویان نزد
خود دارد و یا در خانه آنکسان که غمازان باشند
دفن کند به برکت آیه شریفه زبان آنها بسته گردد و نقش
اعداد آیه با پر کرده تا بر تو آسان گردد و نیز اگر کسی
بکارت زنی را ضایع کرده باشد این نقش نوشته او را دهید که در کمرش ببندد
انشاء الله تعالی خون که جاری باشد بند گردد چنانچه عدد آیه مذکوره جمله هشتصد و هفت
است آن را قسمت کردم نقش اینست

۷۸۶

۲۷۰	۲۶۵	۲۷۲
۲۷۱	۲۶۹	۲۶۷
۲۶۶	۲۷۳	۲۶۸

نوع دیگر برای حب و دوستی آزموده از سوره اِذَا
السَّمَآءُ انْشَقَّتْ اگر چله و زکوة این سوره را خواهد
یعنی پرهیز و ترک حیوانی کرده هر روز یکصد و یکبار بخواند
بعد چله عامل خواهد شد پس اگر خواهد کسی را در محبت خویش گرفتار کنی باید که اسم طالب با اسم
مادرش از حروف سوره مذکوره ضم کرده بنویسد و بجای بنقلب اسم طالب و مطلوب را
بنویسد و بر درخت بیاویزد یا در چوب بلند بیاویزد که باد او را بجنباند بدینصورت بنویسد
اذا ال س ماء ان ش ق ت وا ذ ن ت ل رب ها و ح ق ت و اذا
ال ارض م د ت و ال ق ت ما ف ی ها و ت خ ل ت و اذ ن ت
ل رب ها و ح ق ت ی ا ای ها ال ان س ان ان ک ک ا دح ال
ی رب ک ک دح ا ف م ل ا ق ی ه ف ام ا م ن ا و ت ی ک ت ا
ب ه ب ی م ی ن ه ف س و ف ی ح ا س ب ح س ا ب ا
ی س ی را و ی ن ق ل ب وانجا اسم مطلوب را با اسم مادرش بحروف
مقطعه بنویسد انی اسم طالب و مادرش را بحروف مقطعه نوشته م س دو
را ب ح ق ی ا و د و د ب ی ن هم ا الفنا و نجنا دائما ابدا

سر هذا یا الله یا الله نوع دیگر عمل تو سفند این ادعیه را بخوانند و گوسفند را
ذبح کنند دعا اینست اَللّٰهُمَّ یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَیَا مُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَاَنْزِلْ عَلٰی هٰذَا الْمَرِیْضِ الشِّفَاءَ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ عمل گندم این دعا را بر
گندم بخواند و آن را بدرویشان دهد فقرا دهد اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ اِذَا
سَئَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَمَکَّنْتَ لَهٗ فِی الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهٗ خَلِیْفَتَکَ
عَلٰی خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاَهْلِ بَیْتِهٖ وَاَنْ تُعَافِیَنِیْ مِنْ عِلَّتِیْ نوع ثانی
این آیه فرقانی برای محبت زن و شوهر مجربست اگر عدد بر آورده نقش مثلث پر کند
و آن را نوشته هر زنی که بشوهر بخوراند محبت بسیار شود آیه وافی هدایه را با اعراب از
کلام الله صحیح کنند و اینجا بطور نشان نوشته شده اینست عَسَی اللّٰهُ اَنْ یَّجْعَلَ
بَیْنَکُمْ وَبَیْنَ الَّذِیْنَ عَادَیْتُمْ مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللّٰهُ قَدِیْرٌ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ عدد آیه شریفه
سه هزار و سیصد و سه است و نقش مثلث مذکور این است

۱۱۰۲	۱۰۹۷	۱۱۰۴
۱۱۰۳	۱۱۰۱	۱۰۹۹
۱۱۹۸	۱۱۰۵	۱۱۰۰

نوع دیگر استاد این آیه معظم عنایت محمد حسن صاحب
بزرگی برای سه مراتب بمقصد مجربست و آزموده است
اگر سه چله تمام کند و بر زمین بخسبد یا بر تخت بخسبد
و دست زیر گوش نهاده بخواند بعد از نماز عشاء هر
روز چهل و یکبار بخواند انشاء الله بعد سه چله یا روزگار معقول بدست آید یا فتوح قوی
بدست آید یا نسخه کیمیا شخصی در خواب تعلیمش کند شک نیاورد که کافر گردد نشان
آیه مذکور اینست در سوره رعد وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِیَةٌ بِقَدَرِهَا اِلٰی زَبَدًا
رَّابِیًا نوع دیگر این آیات بزرگوار را اگر ورد خود کند در چشم خلایق محترم و معزز گردد
اینست در سوره یاسین سَلٰمٌ قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِیْمٍ در سوره صافات وَسَلٰمٌ
عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ ایضا سَلٰمٌ عَلٰی مُوْسٰی وَهٰرُوْنَ ایضا سَلٰمٌ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ در سوره
انا انزلناه سَلٰمٌ هِیَ حَتّٰی مَطْلَعِ الْفَجْرِ در سوره اعراف سَلٰمٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا
خٰلِدِیْنَ نوع دیگر قاعده سوره قل اعوذ برب الناس معکوس در باب نجح
جانبین هر شش آیه را معکوس نموده بر جای هر آیه اسم عدو و مادرش و اسم تفریق کردن

فاتحه

بالاسم بادراو بنویسد و در زیر دیگ نهد که گرمی آتش باو برسد و قل اعوذ معکوس ایت
سانلما وتنجلا نم فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سانلا ر د دص نغف سوسوی
یذلا فلان بن فلانه سانجلا سانسو لا. رش نم فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه
سانلما یلا فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سانلماک ل م فلان بن فلانه علی
بغض فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سانلما برب ذو خالق تمام شد

نوع دیگر آیه معظم در باب محبت بسیار مفید بزرگانست و مجربست اگر بر قند و نبات مصری و شکر یکصد و یکمرتبه و اولی اینکه یکصد و شصت مرتبه بخواند و بدمد بمطلوب بخوراند مطیع و عاشق گردد و اگر موم را کلوله ساخته و هفتمرتبه بخواند و دم کند بمطلوب زند انشاءالله محکوم گردد چنان مهربان شود امیر و بادشاه را مسخر کردن منظور باشد بر گلهای معطر خوشبو هفت گل هشت مرتبه بخواند و بدمد و بدهد ببوید چون بو شد مسخر و مطیع گردد بسیار بتجربه رسیده است ولیکن مردی که این عمل را بکند باید مؤمن و نماز گذار و پرهیزکار و متقی باشد که در زبانش اثر باشد که در دمیدن مؤثر باشد و الا ندارد هر چه هم موجود است داو دستش نجاست عصا موجود است مو صابش کوشش باید که در شوق عملیات تقوی و طهارت خداترس باشد تا هر چیزی عملش درست آید فی الجمله آیه مذکور اینست بسم الله الرحمن الرحیم ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه جسدا ثم اناب

نوع دیگر آیات کلام الهی با اسماء موکلان در باب حب مجربست باید که این اسماء و آیات را بخون گنجشک بروز یکشنبه بر کاغذ بنویسد و بریسمان سرخ ابریشمی نهد و بدرختی که بلند باشد یعنی دوراو درخت باد بیاشد بیاویزد چنانکه نه روز و نه شب آنرا باد بجنباند انشاءالله مطلوب اگر صد فرسنگ دور باشد در اندک زمان در اندام او درد پیدا شده شوق محبت طالب غلبه کند تا پیش طالب حاضر شود قرار و آرام نگیرد مجربست اینست
قمطلوس سمعص و بوص سمعطیط هر اصل سطوس یابس سبور اسد و بارة فلان فلانه علی حب فلان بن فلانه سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السمیع البصیر یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله

نوع دیگر حب هر دو آیه که مرقوم شد باین عبارت که اینست بدین ترتیب

یحبونهم الخ سبحان الذی اسری الخ یا مسخر من فی السموات والارض فلان اللهم لینه علی ذلک لی وسخره لی اللهم الف بینی وبینه قلبه اجعله فا محبا رحیما بحق یا الله یا رحمن یا رحیم و اگر بر گلهای خوشبو بروز دوشنبه بیست و یکبار و اولی آنکه پنجاه بار دم کرده بمطلوب بدهد بو کند اگر با او حرف نزند بمجرد بوئیدن مطیع گردد و بروز جمعه بیست و یکبار بر شیرینی دم کرده بدهد بخورد در محبت و دوستی بیقرار گردد و اگر بروز یکشنبه بر هفت دانه فلفل گرد دو بهر دانه هفت بار دم کرده بنام مطلوب در آتش اندازد و نام آنکس را بر زبان براند مطیع و فرمانبر گردد و اگر بر آب دم کرده چهار بار آن آب را باو نوشاند اثر تمام بخشد و اگر بر سرمه شصت بار دم کند و در چشم کشد پیش هر کسی برود فریفته او شود و اگر نوشته در شکم ماهی با نام مطلوب بگذارد و در دریا دم کند در میان مطلوب محبت بسیار شود لا یقست که آیتهای مذکوره را اکثر بنویسد یا بخواند با بسم الله الخ بنویسد و بخواند

نوع دیگر قل هو الله احد را با موکلانش باین ترتیب زکوة بدهد و قل هو الله را من بعد رقم خواهم ... ت اینجا این طریقه از بزرگی علیحده باین تحقیق رسیده اینست که نقش عدد آن در مربع پر کند و در خانه شانزدهم سیاهی مالد و بدست طفلی بدهد که نظر کند و آنچه که ببیند بعمل بگوید انشاءالله تعالی احوال مریض زود در نظر طفل خواهد آمد قدری عطر بر خانه شانزدهم بمالد چنانچه طریق زکوة آینده را بیان خواهم کرد که بدون دادن زکوة هیچ عمل راست و درست نخواهد آمد لیکن قل هو الله با موکلان بترتیب لذکر کردم اینست یا عطرائیل بحق قل هو الله احد یا همواکیل بحق الله الصمد یا طاطائیل بحق لم یلد ولم یولد یا اجمائیل بحق ولم یکن له کفوا احد و نقش بر آورده اعداد سوای اسماء موکلان اینست که بدست طفل دهد یا بنویسد

۷۸۶

۲۴۲	۲۴۵	۲۴۹	۲۳۵
۲۴۸	۲۳۶	۲۴۱	۲۴۶
۲۳۷	۲۵۱	۲۴۳	۲۴۰
۲۴۴	۲۳۹	۲۳۸	۲۵۰

نوع دیگر
برای دزد برده و گریخته این آیه شریفه را با علامت مرقومه در پشت صفحه نوشته در شاخه درخت بلند بیاویزد انشاءالله تعالی دزد برده یا گریخته

بازآید وگریخته بازگردد آیه معظم با علامت اینست وَالضُّحىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجىٰ
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلىٰ و علامت اینست

نوع دیگر همین آیه
والضحی را باین علامت نوشته
در حرجه بنهد دزد برده و گریخته باز آن
باز آید علامت اینست

٧٨٦
الم یجدک
یتیما فآوی ١١١١
الم ت ی [illegible]
ع دم
ف
ط

نوع دیگر اگر سوره یاسین را تا مبین المنکرین بر صفت هفت بار خوانده دم کند تمام
گریخته در آخر گرفته بند کند و آن قفل را در آب روان بیندازد گریخته سرگردان شده باز آید انشاء الله تعالی
نوع دیگر اگر برای جدائی دو نفر یا تباه کردن دشمن این آیه معظم را با اسماء موکلین بر لوح
آهنی با طهارت تمام هشتاد و یک مرتبه خوانده دم کند و چون تمام شود بخور [illegible]
دود دهد و اسم موکلین ببرد باز دم کند و در نقش مربع که نوشته ام آن را در آنجا اندوهام هر دو
که میان آنها جدائی منظور است با نام مادران آنها بگوید و بعد آن نقش را در خانه آنها
دفن کند انشاء الله تعالی میان آنها جدائی افتد اسماء موکلان با آیه معظم و نقش اینست
هذا فراق بینی وبینک اجب یا دردائیل یا لومائیل یا نکفیل یا سموطنیا یا مهرائیل یا [illegible]
یا عطرائیل یا یموثا یا اخلخائیل یا دهموثا یا نوزائیل البغض فلان بن فلانه علی بغض فلان
ابن فلانه سریعا قریبا ابدا ابدا و نقش که [illegible] فافهم

٧٨٦

٧٩	٨٣	٨٦	٧٢
٨٥	٧٣	٧٨	٨٤
٧٤	٨٨	٨١	٧٧
٨٢	٧٦	٧٥	٨٧

نوع دیگر چون کسی که هر روز پیش ظالمی
میرود و ازو ترسان باشد یا در محل خیر برای انفصال
مقدمه میرود و یا برای روزگار میرود باید
که قبل از آن از روز پنجشنبه بعد از نماز صبح
قدری روغن خوشبو و اندکی مشک یا عطر
آمیخته این آیات بزرگ را چهل بار هر روز تا روز جمعه خوانده و دم کند چون یک
هفته تمام دم کرده پس آن روغن را پیش نگاه داشته و هر روز بروی خود مالد
و پیش [illegible] رفته انشاء الله تعالی در مدت کمی مطلب او بعکس برآورده شود و اگر حاکم ظالم

باشد ترحم متعلق کند و با فتح و نصرت و هم در جنگ مقابله باز آید و اگر کسی دیگر
دوست خود را ناظر [illegible] بعطر دهد با و مجربست و آیه اینست با بسم الله از دو
کلام الله اعراب شده بطور صحت بخواند یا أیها النبی إنا أرسلناک شاهدا و
مبشرا ونذیرا وداعیا إلى الله بإذنه وسراجا منیرا وبشر المؤمنین بأن لهم من الله
فضلا کبیرا ولا تطع الکافرین والمنافقین ودع أذاهم وتوکل على الله و
کفى بالله وکیلا نوع دیگر اگر کسی خوابهای پریشان بیند و بترسد این آیه شریفه را
تعویذ نموده در گلو ببندد خواب بد دفع گردد آیه اینست با بسم الله نویسد و نیز برای دفع تب
نوشته بگلوی مریض ببندد صحت یابد یا أیها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا
واتقوا الله لعلکم تفلحون (فلان در خواب نترسد یا تب نکند) نوع دیگر برای درد چشم
بخواند بخضوع تمام و دم کند و نوشته ببندد شفا یابد فکشفنا عنک غطاءک فبصرک
الیوم حدید اللهم یا ارسلنا عینا و ادفع بلاء تا یا رؤوف لبیک و ارحم لبیک و اشفع
لبیک وان یبعث من فی القبور وصلی الله على خیر خلقه محمد و آله وصحبه اجمعین نوع
دیگر سوره والعادیات را بر بازوی گریزپا نوشته ببندد هرگز نتواند گریخت نوع دیگر
این آیه را بر گریزنده و زنی که با شوهر خویش بد اخلاقی و نافرمانی کند بر نان نوشته بخورد آنها
دهند آن زن و آن گریزپا مطیع شود و همان آیه است که در فوق نوشته یا أیها الذین آمنوا
اصبروا وصابروا الخ نوع دیگر اگر خواهد که کسی محبت پیدا کند باید که این آیه معظم را
هفت مرتبه بر نان شکری یا شیرینی بخواند و بخورد مطلوب به یحبونه الله بحق خاتم النبیین
برحمتک یا ارحم الراحمین طریقه دادن زکوة آیة القطب بطریق بعد عالم مشهور است
و صفت این آیه بزرگ از حد زیاده است که در بیان نگنجد آنچه باین فقیر رسیده در این
کتاب نوشتم که این آیه را اول باید زکوة بدین نوع داد و بعد درود و همیشه عدد خود دارد و طریقه
زکوتش اینکه در عروج ماه بروز پنجشنبه على الصباح غسل نموده و لباس طاهر پوشیده و
روزه هم بگیرد و در میان عصر و مغرب این آیه مبارکه را در جای تنها یا در مسجد یا در حجره نشسته
یکصد و سی مرتبه بخواند چون تمام شود وقت افطار به نیت زکوة صوم را افطار کند و از ظرف گلی نو
آب از دست خود در ظرف برکرده و برنج بی نمک بپزد و نصف خود بخورد و نصف دیگر را بفقرا

دهد و صبح باز پیش تو ربیش غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد و روزه گرفته بوقت عصر همان
قدر آیه شریفه را بخواند و صوم را بنیت زکوة الفطار هر بیج را بازپخته کرده خود خورده
و بفقیر داده و روز سوم جامه را بشوید و به دستور دو روز قبل عمل کند و در روز چهارم به تجربه
و دستور قبل موقوف دارد و انشاء الله تعالی از هر آفت و بلا و بیماری و غم و جنگ و قصه
وغیره محفوظ و ملائکه آیه خطب همیشه مطیع و فرمان بردار نگاهبان این عامل باشد و
هیچ وقت قرض دار نشود و رزق تر و روزی زیاد و فراخ یابد و هر مهمی که پیش آید بفاصله
سه یوم مشکل حل شود و در مدت سه یوم بخواند و در هر ورد و در بیان هر کسی دم کند به هر چیزی که خود
تمام و هر و آیه مذکوره در نصف پاره چهارم کلام مجید لن تنالوا البر ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ
الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ
غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ الخ تا عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ عمل ثانی در مقدمه حب مجرب است از
سوره یس باید که این آیه شریفه را یکصد و یکبار بر شیرینی بروز یکشنبه دم کند و بمطلوب بخوراند
عاشق و بیقرار گردد اینست فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ و لا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نوع دیگر برای حب مجرب است اگر خواهد مطلوب
در محبت خود بیقرار نماید این اسماء معظم را بروز جمعه با مشک و زعفران و گلاب بوقت نماز
بنویسد و پیش خود دارد و خود را بمحبوب بنماید بمجرد دیدن مطلوب بیقرار گردد و همیشه
طالب آن باشد چنانچه اگر در حصار آهنی باشد پیش طالب حاضر شود انشاء الله
آیه شریفه اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ الم اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ اللهم
اللّٰه اللّٰه یا معارج یا معارج یا حی یا حی یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا رب یا رب یا رب
برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین یا رب احرق قلب فلان
بن فلانه علی حب فلان بن فلانه یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله علا عم
یا عاطیها سحابا یا یهوبا یا الحی یا طعوا یا دوسم طعم ازما جا کسوبا بوکع سا محبوب با سح
یا مططروح باست یا اسح صلعوا الله وطرا الاصبو ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم نوع دیگر دعوة الدراهم والدنیا بباید که یک
هفته ترک حیوانی کند و از روز اول که روز چهارشنبه باشد شروع کند و در خلوت

اسم اسرافیل را بر کاغذ نوشته در سر خود بندد و نگاه را بالا دارد باید که سر خود را در پیش
افگند و نگاه بالا نکند و در خواندن این اسماء کرام مشغول گردد انشاء الله چون
چهارشنبه دیگر آید مقصود حاصل شده و دولتمند گردد و اسماء معظم اینها است
عشقد طفطوش مطز هو اطل عواطل اجیبوا عندم الدوام والدنیا بحق
اسرافیل اوفوا و فوا علی اعطاء نوع دیگر برای فرزند پیدا شدن از شکم زن زنا باید
که این حروف مقطعات را با اسماء الٰهی بروز پنجشنبه روزه بدارد بوقت شب آب باران زن و مرد
خود را آشنا نه و آنها را آب بشوید و بخورند بعده بستر شوند بفضل الٰهی بیشک آن زن تا مدت یک
چله حمل پیدا کند اگر شک آورد کافر گردد آیات مقطعات و حروفات معظم اینها هستند
بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص علی علی علی طططط کهیعص کهیعص حمعسق حمعسق هو هو هو الله
الله صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین نوع دیگر این دعا اسماء موکلان برای
حب و دوستی مجرب و آزموده است برای دوستی چهل مرتبه بر شیرینی دم کرده بمطلوب بخوراند مثل
مطیع و فرمانبردار گردد اینست عزمت علیکم یا معشر الارواح و صاحب السرو الوسواس الخناس
بحق ابا ابن خاتم سلیمان بن داود و بحق هادوش و طادوش هو الاذکر للعالمین فلان بن فلانه
علی حب فلان بن فلانه دائما ابدا و لازم است اول زکوة این آیه بدین جهد که از روز یکشنبه شروع
کند و یازده مرتبه نوشته در گلوله بسته و در دریا انداز و پس همین طور تا هفت روز کند اگر معشوق در
هزار فرسخی باشد حاضر گردد مجرب است نوع دیگر برای گشایش رزق و فتوح غیب از روز
یکشنبه هزار بار بخواند و برای هم مجرب است اگر دم کرده بشیرینی و بمطلوب بخوراند مطیع گردد و
اسماء معظم اینست جل جلیس جملیس شلیش بدنبش قاعده عمل خطبه ادریس مجرب است
اگر این خطبه ممدوحه را حفظ کند و ترک حیوانی کند و چهل روز هر روزی یکصد و یک مرتبه در جای
خلوت بخواند و بر این منوال بمثل چله تمام کند عامل کامل گردد پس در هر مقدمه که دم کند اثر
بخشد اگر بر سرمه بخواند و بدمد و در چشم کشد در نظر خلایق عزیز از دوست و دشمن
بعد از نماز عشا چهل نقش نویسد و از صبح آن یک نقش هر روز داشته باشد بوی
خلایق مطیع باشند و اگر بر جامه معشوق چهل و یکبار بخواند و بدمد و آن پارچه را بتی
ساخته مثل فتیله نموده در چراغ بسوزاند معشوق بیقرار گردد و باید نزد خودش دارد اگر

بر میوه یا بر شیرینی بخواند و بدمد و بهر کس بخوراند مطیع و منقاد گردد و اگر خواهد زبان مردم از
بدگوئی باز دارد بر جوز بوا چهل مرتبه بخواند و بدمد و آنها بخوراند زبان آنها بسته گردد و اگر خواهد
میان دو نفر جدائی و خصومت اندازد بر پنج دانه سیر چهل مرتبه بخواند و بدمد و در سرکه سه
روز اندازد و بعد آنها بخوراند جدائی قاطع شود بطوری که دشمن تن همدیگر شوند و اگر آب را
بخواند و بدمد و آب بده بنوشاند و بر روی زند آسیب گریزد و بهمین طور این خطبه تعریف شده
خاصیت بسیار دارد اگر عامل شود البته واقف گردد آنست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَلْحَمْدُ ثَنَائِیْ وَالْکِبْرِیَاءُ رِدَائِیْ وَالْعَظَمَۃُ اِزَارِیْ وَالْخَلْقُ کُلُّهُمْ عَبِیْدِیْ وَعِیَالِیْ وَمُحَمَّدٌ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ عَبْدِیْ وَحَبِیْبِیْ وَرَسُوْلِیْ اِلٰی خَلْقِیْ وَجَعَلْنَا اِنْشَاءَ لِعَبْدِیْ تَوَبْتُهَا عَلٰی وَحْدَانِیَّتِیْ
لَا مُعَقِّبَ لِحُکْمِیْ وَلَا مُبَدِّلَ لِقَضَائِیْ اَشْهَدُ مَلَائِکَتِیْ وَحَمَلَةَ عَرْشِیْ وَسَاکِنِیْ سَمٰوَاتِیْ وَ
صُنْعِیْ وَخَلَقْتُ آدَمَ خَلِیْفَتِیْ بِصِدَاقِ تَسْبِیْحِیْ وَتَهْلِیْلِیْ وَتَکْبِیْرِیْ وَهِیَ اٰیَۃُ الْکُرْسِیِّ بِشَهَادَةِ
اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ یَا آدَمُ یَا حَوَّا فَادْخُلَا فِیْ عِبَادِیْ وَادْخُلَا جَنَّتِیْ
نوع دیگر اگر کسی کم بر ذریت و کم دست بیاید یا دکان او فروش ندارد باید که این آیه معظمه بر
نوشته در میان اسباب و متاع خود بگذارد ان شاء الله تعالی خرید و فروش کسب او زیاد میشود و
او فراخ میگردد و برکت بسیار پیدا میشود اگر کسی بند کرده باشد یعنی کار او بسته شده گشوده
گردد و مزید بسیار آیند روز بروز فروشش زیاده شود آیه وافی معظم آنست اعراب آنرا
از روی کلام الله تصحیح شود وَهُوَ الَّذِیْ مَدَّ الْاَرْضَ وَجَعَلَ فِیْهَا رَوَاسِیَ وَاَنْهَارًا وَمِنْ
کُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِیْهَا زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ
یَّتَفَکَّرُوْنَ نوع دیگر هر کس که در غم مبتلا باشد و کسی و جور رنج او قضا می شود
باید که این آیه شریفه هر روز هزار مرتبه بخواند قسم والله بالله تم تالله از آن غم نجات یابد
آنست لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ نوع دیگر
هر کس بدست دشمن گرفتار باشد هر روز این آیت را در مدت گرفتاری هزار بار بخواند
بلاشک از دست آن ظالم نجات یابد آیه آنست حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰی
وَنِعْمَ النَّصِیْرُ نوع دیگر هر کسی که کسی را بهتان کند و او آن فعل را او نباشد یا مقدمه در عدالت
پیش حاکم رجوع شده و یا میراث او را بجبر کسی تصرف کرده باشد باید که این آیت را تا انفصال

معامله هر روز هزار بار بخواند بیشک حق سبحانه و تعالی او را از آن بلاها و آفات محفوظ بدارد
آیه آنست وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ نوع دیگر پیش کسی که
و از دزدان میترسد و کسی که دعوی باطل کند یا املاک یا باغ یا خانه بظلم گرفته یا برده
است این آیه شریفه را یازده مرتبه بعد از هر نماز در اول و آخر درود فرستد و بخواند
حق تعالی از آن ظالم رهائی دهد و مال او محفوظ ماند آیه آنست مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ نوع دیگر ترتیب دعوة قل هو الله بیک ترتیب در اوراق سابق
گذشت اعمال چون ترتیب دو سه دعوت دیگر با این خفیف با موکلات رسیده است و
معتبر و آزموده است از این جهت باز مینویسیم باید که از عروج ماه یا ترک حیوانات یک
چله این سوره را بخواند یعنی آنقدر هر روز مقرر کند که یک لک و بیست و پنج مرتبه در یک
چله تمام شود و چون خواندن آغاز نماید باید که آنچه بخورات میسر آید روشن کند تا موکلات
مثل مگسان دور شیرینی جمع میشوند چون چله تمام شد عامل این ترتیب شده آن وقت
بر هر چیز که سوره موصوفه دم کند اثر بخشد مثل تیری که بر هدف زده شده و بهر ترتیب
که جاری نماید جاری شود ولیکن اینقدر تمیز باید که در هنگام اجرا و ساعت نیک و بد
دانسته جاری نماید یعنی برای حب بساعت مشتری بنویسد و دم کند و برای بغض
و حسد بساعت زحل و مریخ عمل کند و با ساعت شبانه روز آینده خواهیم نوشت
انشاء الله تعالی و چون برای محبت دم کند بر شیرینی دم کند و برای عداوت بر نمک
و سرکه و خاک قبر دم کند مطابق خواهد افتاد و اگر حاضرات یعنی او را بخواهد حاضر کند
سوره را عدد برآورده آنچه که نقش جنتر در زکوٰة سوره مذکوره نوشته ام بنویسد و بدستور
مذکور بالا سیاهی در خانه شانزدهم بمالد و عطر هم مالیده بدست طفلی بی پدر و مادر و حال
مریض و دزد را ببیند آنچه که حال او خواهد بود ظاهر خواهد شد انشاء الله تعالی و قل هو الله
بسیار خاصیت دارد و اینجا مع موکل باز ترتیب دیگر این سوره را مینویسم زیرا که بیک
ترتیب که در سابق نوشته ام اگر عامل شوی لذت یابی چنانکه قل هو الله موصوف
بترتیب دیگر مع موکلات آنست قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یَا جِبْرَائِیْلُ اَللّٰهُ الصَّمَدُ یَا مِیْکَائِیْلُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ
یُوْلَدْ یَا اِسْرَافِیْلُ وَلَمْ یَکُنْ لَّهٗ کُفُوًا اَحَدٌ یَا عَزْرَائِیْلُ نوع دیگر ترتیب دیگر سوره اخلاص

اینکه این ترتیب از بزرگی متوطن کشمیر یا بن یخیف رسیده مجرب است الا در عمل آوردن و بدست آوردن
سرمه را اینعمل اندکی دشوار نیست که تمامش تمام بدست خواهد آمد و آن این است که اول گربه سیاهی را
که از طرف کابل و کشمیر میآرند بدست آورد و اگر بچه گربه بدست آورد و پرورش دهد تا بزرگ گردد
نیست الغرض گربه مذکور نر باشد و جوان و هر روز قدری روغن خورانیدن مقرر کند و روز بروز
روغن را زیاد کند تا آنکه نوبت بپاو آثار آید یعنی یکپاو دفعة بخورد پس روز پنجشنبه یک دیگچه بزرگ
بیاورد و در جای تنها که کسی نباشد اول غسل کند و لنگ نوی ببندد و آن گربه را در دیگ گذارد و
سر دیگ محکم ببندد از رومال سفید مضبوط بسته کند که آن گربه بیرون نجهد بعده زیر آن دیگ
شش عدد خشت که سه پایه باشد و روی آن دیگ بسمت مشرق کند و زیر دیگ چراغ از روغن
زرد که فتیله اش پرکار باشد روشن کند که نور آن چراغ یعنی نور آن فتیله تا ته دیگ برسد
و ته دیگ گرم شود و گربه را سوزش معلوم شود بمجرد گرم شدن دیگ در تمام آن دیگ
چنان غلبه خواهد کرد که دماغ گربه پریشان شده که سه مرتبه با آواز مهیب دفعة چنانکه کسی آسیب
زده را میزند آواز خواهد کرد بعد آواز کردن در آن دیگ گربه قی خواهد کرد آنگاه آواز بسیار
مهیب خواهد شد باید که عامل هیچ در دل خود راه ندهد و نترسد اگر ترسید فوراً هلاک خواهد شد
پس و بروی دیگ دو زانو نشسته سوره قل هو الله احد را بلا تعداد بخواند تا آن عرصه که
آواز قی آید چون قی کرد سرپوش کشیده و گربه را بیرون انداز و دیگ را خالی کند
و آن روغن قی را در ظرف پاکی تمام و کمال بردارد و در آن روغن هر قدر سرمه پاک سیاه
که ممکن باشد حل کند و نگاه بدارد پس آن سرمه تمام عمر را کافی خواهد بود گویا اکسیر
بدست آمده این سرمه را اکسیر حب گویند رو بروی هر کسی از امیر و فقیر و معشوق که دو
میل در چشم خود از آن سرمه کشد و چشم خود مقابل چشم آن کند عاشق و مطیع و فرمان
بردار شود و اگر بکسی از این سرمه دید بکار او آید آزموده شده است عمل دیگر همین
سوره موصوف عنایت جناب آمیرزا زین العابدین صاحب اگر حاجتی صعب پیش
آید که روز اول بعد نصف شب تا صبح اختیار دارد برخواسته غسل کند و اگر تواند هر
روز غسل کند الا روز اول ضرور غسل نماید و بر چوکی چوبین زیر آسمان نشسته یکصد و یکبار
با درود اول و آخر سوره موصوف بدین عبارت با موکلان که در اینجا منویسم بخواند است

یا احد یا صمد یا ملک عبد الصمد بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد روز دوم به دستور نشسته دویست مرتبه درود
اول و دویست مرتبه در آخر و دویست مرتبه با سوره مذکور بخواند روز سوم باز بهمان
دستور سه مرتبه صلوات در اول سیصد و با سوره سیصد و در آخر سیصد مرتبه بخواند که انشاء
در مدت سه روز مطلب بر آید همین نوع تا سه روز کند در هر سه چله ضرور مطلب بر آید شک نیست
ولیکن از روز چهارشنبه آغاز کرده باشد تا بروز جمعه تمام شود و چیزی بشری نخورد
و از چیزهای لذیذه پرهیز کند و الا نه خطا خواهد شد اغلب که موکل اسم آن عبد الصمد
بنظر خواهد آمد باید که نترسد عمل دیگر قل هو الله معکوس مجرب عجایب و غرایب قسم
کلام الله که اگر فقط بر همین سوره معکوس عامل حاکم باشد سلطنت پیش آن ذره نمیقدار
است هیچ چیز نیست که مسخر پیش آن پادشاه نشود ولیکن عمل آن سخت است و بدست
آمدن دشوار هست و این فقیر را بدولت عبد الرؤف شاه صاحب زبانی نوازش
علیخان بامداد شاه صاحب موصوف عنایت شده مدت چند سال در فکر زکوة این
عمل هستم ولیکن هنوز بحصول نه انجامیده که سر انجامش پیش نمیبرد الا در عمل شاه صاحب
چنان دیده ام که عملیات را فراموش کرده ام ای برادر قسم بالله العظیم که قسم شرعی
است علم کیمیا و لیمیا و سیمیا همه پیش این عمل سوره معکوس ادنی است و عبد
الرؤف شاه بدولت اینعمل بزرگ در مقام فیض آباد سلطنت میکنند هر چند که از خود
شاه صاحب موصوف اینعمل بدست این فقیر نیامد بلکه بخواهش موکلات که حاکم اینعمل مجرب هستند
ابن یخیف آمده که ذکرش خواهد آمد چنانچه اینعمل دوازده الفاظ است مطابق آن الفاظ دوازده موکل
هستند هر کس که عامل این سوره شود آن دوازده موکل مطیع فرمان آنکس شوند اگر خدا خواهد و الا نه
بسیاری محروم در اشتیاق مردند غرض اگر فرصت دست دهد و فضل الهی شامل حال باشد چند
روز که حصول این نعمت عظمی نماید باید که ترک دنیا کند زیرا که بدون ترک دنیا چند روزه این
نعمت حاصل نشود پس لازم است که یک خادم نمازی پرهیزگار رفیق خود
گرداند و مسجدی تنها که در قریه متصل دریائی روان باشد یا در باغی مکانی پاک
و پاکیزه تخلیه تمام بدست آرد و آنرا برای چند روز گرفته قیام آنجا مطلق کند و هرگز کسی

دیگری در آن نیاید و برود آن مکان صرف متعلق با تنها باشد و آنجا خادم رفیق را نیز از خود دور کند
و وظیفه اش تنها بودن و تنها خواندن بر خود واجب گرداند بعد وظیفه خادم را نزد خود نهادن
مضایقه نیست و لایقست که اول میوه و لایچی و بخورات و عطریات و گلهای خوشبو و شیرینی ای
لطیف در حجره مهیا ساخته جمع نماید و ده آثار پیش رفیق خود و دو سیر قند سیاه نزد رفیق و دو چادر
و جای نماز پاک بفرش بگسترد و بروز سه شنبه در عروج ماه غسل کند و بعد نماز مغرب رو
بقبله بر جا نماز نشسته اول آمیزه‌ها و عطریات و گلهای خوشبو و شیرینی‌ها را بر روی جانماز و
یکطرف پیاله نهاده بخورات بسوزاند و به تسبیح و بدن خود عطر بمالد و آن جا در نیم بند بپوشد
و از رفیق یک تا نخود بریان کرده با یک چهارانگ قند سیاه در برگ دونا بزبان هندی گویند گذاشته
بیاورد و آنها را هم پیش خود گذارد و شروع به قل هو الله معکوس نماید یعنی اول چند مرتبه
قل هو الله را درست بخواند مثل کلام الله چون تمام شود حصار گرد اگرد خود بکشد و مرشد خود را
در تصور خود بدارد و پیغمبر ص را بدست راست خود تصور نماید و یکهزار و یکمرتبه قل هو الله
معکوس را بخواند و بعد اتمام درود و بعد دعا تا بفرستد یعنی یازده یا بیست و یک بار و غیره
بخواند و بعد بران بخورات و قند سیاه موکلات دهد و آن تمام اشیا علیحده بدستور
بدارد و بر آن جانماز خواب نماید چون صبح شود آن نخود و قند سیاه را بطفلان تقسیم نماید
و خود بنان جو و نمک و آب تازه طاهر بخورد و بان خادم اگر چیز پخته دهد عیبی ندارد و برای
بیت الخلیه یکمرتبه از حجره زیاده بیرون نیاید و وضوء صحیح گرفته و هر روز باید روزه دار
باشد و متصل بزبان صلوات و درود فرستد چون شام شود باز غسل کند و بدستور
و اسباب معهود برای خواندن بنشیند بر جا نماز و بخواند بهمان ترتیب فوق تا بیست و
یکروز انشاء الله اگر قسمت درست است در هنگام وظیفه خواندن تاریکی روشن در
تمام حجره پیدا میشود و شخصی بر تخت سوار با چند نفر دیگر صاحبجمال در آن حجره حاضر خواهند
شد پس عامل بتضرع بر آنها سلام کند و اگر آنان خود گویند تو جواب سلام آنها را
بگو و گفتگوی معقول کند و آنچه بگویند قبول کند و خود آنچه مقصود در نظر داشته بگوید و از
آنها اقرار بگیرد هر چه که برای خود خواسته هر روز برای عامل میرسانند و تمام عالم
از پادشاه و فقیر مسخر کرده خواهند بود و احوال هر کس از تمام اشیاء مستقبل

همیشه باین عامل ظاهر مینمایند و هر کسی را که طلب کند حاضر مینمایند و آنوقت از صاحب
تخت عرض کند یک نفر یا دو نفر از خود نزد من معین کنید که هر وقت کاری دارم صورت
دهند و انجام دهند که هر کاری ضرور داشته باشم آنوقت یکی عبدالرحمن نامی یا بنام دیگر
از آنها معین خواهد کرد آن موکل بصورت انسان در چشم عامل هر روز و هر وقت که
بخواهد بنظر خواهد آمد آنچه که در روز و شب گفتن منظور باشد حاکم کند فورا او انجام خواهد داد
پس هر روزه بعد احضار آن موکلان و تمامی چله یکصد و یازده مرتبه درود و وظیفه خود را
بخواند و آن اسباب که مهیا کرده بود همانوقت نذر موکلان مرقومه صاحب تخت نماید
خواهند برد و نیز اوقات هر روزه خود حسب خواهش خود اذن گیرد و قطع حجت عمری کند
تا خطا نگردد و این عمل سخرات تمام عالم است و این عمل چنانست که تمام احوال را آن
موکل عرض تمام جهان از نیک و بد دستخط خواهند کرد و عامل همیشه یک حجره قائم کند
که در آنجا ملاقات آنها همیشه با او باشند و اگر میوه جات و عطریات و شیرینی از
هر کسی که بدست آورد در آن حجره نهاد حواله آن موکلان خود اجازت دهد هر شخص
دستخط کرده بودند استاد من باین داده اند بغایت و محبت خویش لهذا قل هو الله
معکوس اینست و اگر آن موکلان در مدت بیست و یکروز حاضر نشدند در مدت چهل روز حاضر
خواهند شد چله را شکسته و دل را قائم دارد این است قل هو الله معکوس

۱ قُل	۲ هُوَ	۳ اللهُ	۴ اَحَد
۵ اَللهُ	الصَّمَدُ ۶	۷ لَمْ یَلِدْ	وَلَمْ یُولَدْ ۸
۹ وَلَمْ یَکُنْ	لَهُ ۱۰	۱۱ کُفُوًا	اَحَدٌ ۱۲
۱ دحا	۲ اوفک	۳ هل	۴ بکی ملو
۵ دلوی ملو	۶ دلی مل	۷ دمص	۸ کهلد
دحا ۹	هللا ۱۰	و ه ۱۱	لق ۱۲

نوع دیگر عمل حب مجرب و آزموده از بزرگان سالکین جو بهندستان حقیر آمده است برای
این فقیر برای شخصی آزمودم عزیز باشد که بروز یکشنبه یا سه شنبه بهر صورت که ممکن بود از صبح
یا پیاس روزه بر آمده ناخن هر دو دست و پای مطلوب را بهر وسیله میسر آید بگیرد و میان دود گونا

سوخته نام او و مادرش و نام خود و مادر گرفته سوره القارعة تا القارعة اخ تمام و کمال هفت
بار بر ناخنها بخواند و دم کند و در پارچه پاکیزه بسته شکل تعویذ ببازوی راست خود ببندد انشاء
مشک مطیع و فرمانبردار گردد ولیکن لا یقین که حرام نباشد اگر مرتکب فعل حرام باشد بر
عکس شد و دشمنی مبدل خواهد شد فاعلم دیگر در معتقده مرحسب تجربه معروف اگر کسی
منظور تسخیر کردن باشد پس طالب بالحساب ابجد عدد و اسم مطلوب با اسم خود برآورده
موافق آن عدد اسم باری تعالی از نود و نه نام یکی برآورده جلالی یا جمالی را شرط این است
بعد آن طالب بالحساب ابجد با عدد اسم خود جمع کند و اسم باری که موافق عدد اسم خود با هم
برآورده هر دو عدد جمع کند و تمام را جمع کرده باشد با ترک حیوانات قبل از طلوع آفتاب تا
بیست و یک روز وظیفه نماید مطلوب رام شده همان وظیفه اسم مجرد حسب التعداد کند فاعلم
دیگر آنکه اسم خود و اسم مطلوب هر دو را جمع کرده برابر هر دو اسم یک اسم باری تعالی استخراج
کند و موافق جمله عدد هر روز وظیفه نماید و در مدت بیست و یک روز مطلوب مطیع فرمان او گردد
از قاعده اولی بهتر و افضل تر است و اول قبل از خواندن وظیفه قدری درود خوانده و در
طریقه مذکوره سوره اخلاص خوانده باشد و از آنچه در باب شرح آیات این طریقه اسما
نوشته ام در اسماء حسنی بیان نکرده ام که شرط خواندن سوره هم دارد شرح سوره الم
ترکیف با موکلات هر چند که صفت این سوره جائی نوشته ام در اینجا هم می نویسم که از بزرگی
باین فقیر رسید چنانچه برای حاجتی و مهمی که باشد تا هفت روز هر شب چهل و یکبار
بخواند هر مطلب که داشته باشد حل شود مجرب و آزموده است و این سوره در شان قهاری
و سوره مذکور با موکلات این است الم تر کیف فعل ربک یا جبرائیل باصحاب الفیل یا
کائیل الم یجعل کیدهم یا لومائیل فی تضلیل یا میکائیل و ارسل علیهم طیرا ابابیل
یا نومائیل ترمیهم بحجارة یا عزرائیل من سجیل یا کشفائیل فجعلهم یا عجائیل
کعصف ماکول یا تنکفیل یا معا مطیعا انقضی حاجتی بحق الم تر کیف فعل ربک
نوع دیگر برای هلاک دشمن و در مقدمه شکست دادن دشمنان هر جا غلبه حاسدان
و دشمنان باشد بعد هفت روز هفتصد مرتبه هر روز بخواند بر کنگره های چهار راهه دم کرده در مکان
دشمنان و حاسدان انداخته پس آنها معتوه و مسدود زبان شوند و متفرق شوند و پشیمان

گردند و هر گاه رو بروی دشمن رود بسوی او دم کند از شر حاسدان محفوظ ماند فاعلم و اگر خواهد که در میان
دو کس جدائی اندازد بر سر ریش دم کرده و در خانه آنکس اندازد مجرب است آیه این است و القینا
بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله
و یسعون فی الارض فسادا و الله لا یحب المفسدین العجل العجل العجل اگر بر پارچه کهنه
بدن دو نفر که محب هم باشند نوشته در کوزه نهاده در کنار دریا دفن کند چنانکه جدائی در میان آنها
افتد و اگر نقش اعداد آیه موصوف برآورده در خانها مربع پر کرده و با آتش نقش را بسوزاند جدائی افتد
و اگر آن نقش را در قبر کهنه دفن کند عدو هلاک گردد و اما اعداد آیه را برآورده نقش پر کنیم تا بر تو
سهل گردد اما باید که در آن نقش عبارت جدائی هر دو نفر را بنویسد باینطریق که البغض و
العداوة بین فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه دائما ابدا و نقش اعداد آیه مذکوره این است
فافهم و در اعداد و شمار این آیه شکی نیست

نوع دیگر این نقش از آیه بزرگ
است که اسمش نشان دادن
حکم استاد ما نیست الا نقش عدد
برآورده نوشتم برای بغض و جنگ
و حسد مجرب و آزموده و سهل است

۷۸۶

۱۴۷۴	۱۴۷۷	۱۴۸۰	۱۴۶۷
۱۴۷۹	۱۴۶۸	۱۴۷۳	۱۴۷۸
۱۴۶۹	۱۴۸۲	۱۴۷۵	۱۴۷۲
۱۴۷۶	۱۴۷۱	۱۴۷۰	۱۴۸۱

و کامل است و نقش مذکور این است هر ترتیب که مناسب اند بکار برد این است

نوع دیگر شرح سوره مزمل بیان کنم
عزیز هر چند سوره یاسین دل کلام الله
است و لیکن سوره مزمل هم تاثیر و
خواص آنچنان دارد که اگر عامل برآن
قادر باشد عجائبات ببیند فاما بدون

۷۸۶

۹۸	۱۰۱	۱۰۴	۹۱
۱۰۳	۹۲	۹۷	۱۰۲
۹۳	۱۰۶	۹۹	۹۶
۱۰۰	۹۵	۹۴	۱۰۵

دادن زکوة عمل هیچ صورت نگیرد باید که سوره مذکور را با موکلات بهم رسانیده زکوة بدین
نوع که هر که در سوره مزمل موکل بر هر آیه است پس تمام سوره با موکلات یکهزار در یک هفته یک
چله کند که اینجا در حجره ظاهر با ترک لذات و حیوانات کرده و دور خود حصاری بوقت خواندن

بشد و چهل بار هر روز بخواند و عود و عنبر هر چه بدست آید مهیا ساخته روشن نماید و در اثنای
چله بوقت خواندن هیچ صورتی که بنظر آید هرگز خوف نکند انشاء الله تعالی در مدت یک چله عمل
خواهد آمد اینقدر اثر دارد که اگر آن عامل بر سر قبر کسی بزرگ نشسته بخواند در مدت سه ساعت
هر قدر که طاقت باآن روح خواهد بود جسم یافته بصورت انسان حاضر خواهد شد هر چه مطلب
داشته از آن بپرسد آن عمل خواهد کرد بامر الله تعالی و باقی برای هر سه روز چهل بار بخواند
بعد سه روز مطلب بر آید و برای هر مقصد بر هر چیزی که دم کرده بدهد اثر تمام کند اینجا
واضح عالمست شرح این سوره مبارکه زبان ندارم بیان کنم بدین نوع قاعده خواندن
که ترقیم نمودم و چند آیات این سوره هم مینویسم با موکلات که مبتدی را برآوردن موکلات
آسان باشد و جمله سوره مذکوره بجهت مطول گشتن کتاب نوشته نشد باید بهر ترتیب
که من چند آیات با موکل بر آرم بهمین ترتیب عامل موکلات سوره بر آرد هست یا ایها المزمل
قم اللیل الا قلیلا یا جبرائیل نصفه او انقص منه قلیلا یا میکائیل او زد علیه و رتل
القرآن ترتیلا یا اسرافیل انا سنلقی علیک قولا ثقیلا یا عزرائیل پس بهمین صورت بر آورد
نوع دیگر ترتیب عمل همین سوره ممدوحه بارها مجربست و آزموده عنایت میر صاحب قبله سید
رحم علی صاحب متوطن مقام بار بارهه پیرزاده مطلق در حق هر کس که هرگز حمل نمیاند یا بکار از عروج ما
عامل سوره مزمل را چهل مرتبه هر روز بخواند تا سوره ممدوحه در عمل خود آید بعد در روز پنجشنبه نو
که آنرا نو چندی گویند شوهر و زن هر دو روزه بدارند و عامل قدری شیر و برنج و شکر از آنها طلب
کند و آن شیر برنج با این ترتیب بپزد که شیر را در تمام جوشش دهد چون شام شود آن شیر برنج پخته
و چهل و یکبار سوره مزمل را بر آن شیر برنج دم کند و بر شکر دم کند و آن هر دو بوقت افطار روزه
بخورند و در آن شب چیز دیگری نخورند و هم بستر شوند اگر همان شب در میان زن و شوهر قی شد حمل
نماند و اگر هر دو هضم کردند بلا شک همان شب باذن الله در مطلق حمل ماند و خطائی ندارد و پس
بوقت صبح آن شب آن نقش که در صفحه بعد است همراه این سوره است بهشت عدد نو
یکی را عورت موم گرفته در کمر بندد و یکی را اشتسته هر دو زن و شوهر بخورند انشاء الله تعالی
در مدت یک هفته ضرور باور شود و باقی شش نقش زن بشوید بخورد مرد را احتیاج بخوردن
نیست نقش مذکور که همراه سوره است اینست نهایت با تحقیق و تدقیق نوشته شود فافهم

	بسم الله الرحمن الرحیم	
دوده	ع وه	یلها
ع۱۱۵	امراع	مال
هوه	ی ط	الله [illegible] الله
عاواع	ح ط	اوح
او ح س	اوع	۱۱ [illegible]
من	طاع	۱۱ [illegible]

نوع عمل دیگر بیان عمل سوره جن بدان ای عزیز اگر عامل شدن میخواهی عمل سوره جن
نیز در عمل آری که این سوره ممدوحه در حق عملیات خود و عامل و حاکم تمام جنات و در عقده
عمل هر که سوره جن آشنا نباشد گویا آشنائی عمل نیست زیرا که هر عملی که آغاز کنی در هنگام
چله در هر نماز بهر رکعت سوره جن باید خواند و دور خود حصار باید کرد گویا پادشاه جنیان گرد
خود انداخته با لشکر محافظت خود میکنند پس لازمست که این سوره را حفظ باید کرد و بوقت
مواظبت خود در هر مقصد و هر جلسه پیش باید نمود که فائده کمال بعامل دهد و طریقه زکوة این سوره

بدین نوع است که شرکت این سوره اسم موکلات نکنند زیرا که کعبه را احتیاج بسمت
نیست از هر طرف بایستی که کعبه است میتوان نماز خواند چنانچه این سوره خود در معنی دعوت
جن جنیانست که در کلام مجید بعبارت واضح همین سوره خطاب بتمام جن نموده است
گویا عبارت این سوره اسماء تمام موکلانست پس چه حاجت که اسم موکل را شریک
نمایند الا باید که از عروج ماه زکوة این سوره بدین ترتیب دهد که هر روز غسل کند و
بوقت نماز عشا در یک لباس نازک نظیف پوشیده رو بقبله نشسته چهل مرتبه بخواند
و اول و آخر صلوات بفرستد و حصار بگرد خود بکشد همین نوع چله را تمام کند پس عامل شود
هرگاه خواهد شخصی را مسخر گرداند یا امیری را پیش خود طلبد یا پادشاه را پیش خود مسخر کرده
طلب نماید پس بیاورد بوزن پنج تخم باقلای سیاه برابر نخود کابلی مهیا شد اول دانه را از گل
تر کنده و نزد خود در پارچه طاهر بگذارد و بر هر پهلوی دانه اسم مطلوب را بنویسد و طرف دیگر
اسم قارون بنویسد و پنج دانه هم در یک پهلو اسم مطلوب و طرف دیگر فرعون بنویسد و
در پنج دانه یک طرف اسم یا هامان بنویسد و برده عدد بدستور اسم مطلوب و طرف دیگر اسم شیطان
چون تمام شد از کمت صادق در ظرف طاهر در آتش انداخته بوقت نیم شب بر روی [illegible] برود
جا نماز نشسته و عود و خوشبو روشن کرده سوره جن را بر دانه های قارون یکبار
خوانده و دم کرده در آن آتش اندازد همین قسم دانه ها را یکبار سوره بخواند و بدمد
و در آتش اندازد تا آخر دانه ها و در دل احضار مطلوب را تصور کند که فلان
کس مسخر من شود و در دل تصور کند که گویا او را دست بسته ایستاده نزد او میباید
همین نوع تمام کند سه روز بدین منوال عمل کند انشاء الله تعالی بیشک اگر پادشاه
یا عاملی شهر باشد پیش عامل حاضر خواهد شد اگر در مدت سه روز حاضر نشود در
مدت هفت روز بیشک حاضر خواهد شد هر چه مطلب باشد از او بخواهد بجا خواهد
آورد معلوم مسخر خواهد بود و همچنین بسیار خواص دارد دیگر آنکه آسیب هر نوع که خواهد بمجرد
دم کردن بر روغن سیاه بر پیشانی هر مریض آسیب زده که عامل بمالد و سوره
[illegible] بخواند شروع نماید و آنها را حاضر نماید که آنهائیکه باین آسیب زده حاضر
نباشند اطاعت کنند و اگر آسیب صد ساله در وجود شخصی باشد آن روغن را آنکس

در وجود هر روز بمالد و پرهیز از گوشت داشته باشد و در مدت جنابت و دیگر دفع …
دم کنند و بپرهیزش … مشکل شود این عقد ضعفها دارد عامل این سوره جن گویا مرشد است
از طاقت سوره … حاکم … تمام عملیات تمام عامل خواهد شد سوره جن از کلام الهی و باید
گردانی هم نویسم عمل سوره الم نشرح اعمل از استاد محمد عظیم خان صاحب … سنی صاحب این
تحفه سیده مجرب در باب حب است هرگز خطا نکند اول باید زکوة سوره مذکور در بین …
دهد که از عروج ماه از یوم پنجشنبه یا پنجشنبه غسل نموده بوقت عصر بیک جا نشسته چهل
یکبار سوره را بخواند هفت مرتبه اسم موکلین این سوره … بخواند اسم موکلین اینست
ابرضا صنجا عنا بضا صو بضا چون تمام شود برخیزد بروز پنجشنبه اول
ما از روغن … نمک و روغن خوب … شکر پاکیزه با آب طاهر از چاه بدست خود
کشیده در ظرف پاک حلوا بپزد و بر جا نماز داشته نیاز حضرت مرتضی علی علیه السلام
داده آنرا خود بخورد و اگر طاقت چیزی زیاده دارد زیاده وزن حلوا بپزد غرض حق
چهل روز هر روز چهل مرتبه سوره با موکلات بخواند غرض که در مدت چله مذکور بروز
پنجشنبه حلوا بطریق مذکور پخته و خورده باشد همین نوع چله تمام شود پس عامل شد
هر روز در وظیفه چهل بار الم نشرح را بخواند و هرگاه خواهد کسی را تسخیر دل کند
بروز پنجشنبه علی الصباح در یک باغ و گلی خوشبو دار در آن فصل باشد برود
یک گل و غنچه نابسته یعنی غنچه نشان خود برای شناخت نشان کند و چهل مرتبه سوره
بخواند و دم کند و بعد تمامی اسم موکلات موصوفه هم دم کند و اسم طالب و مطلوب
و مادر آنها را گرفته و بدین نوع عمل حب فلان ابن فلانه گفته و برخاسته و در دوم بار
صبح رفته چهل بار بدستور بخواند و بعد باز صبح رفته در مدت سه روز آن گل غنچه بسته
غنچه خواهد بود و بروز سوم اول سوره را با موکلین و اسماء محبت و غیره بتعداد مذکور بخواند
و بدمد و آن گل شکفته آید و دو برگ سبز واشته بر طریق آن گلها را باز کرده در گلهای
دیگر مخلوط و در گلوی مطلوب بیندازد یا بدهن جبی معشوق رساند بمجرد بوئیدن مسخر تمام
عمری خواهد شد و این سوره هم بسیار صفات دارد من یک ترکیب نوشته ام در اینجا نوشتیم
و این عمل خواه برای خود کند خواه برای دیگری کند مختار است عمل [illegible] اعضای و این

عمل چنان پر تاثیر است که فلان زکوة دادن اثرش ببخشد اگر خواهد دشمن هلاک و تباه گردد بیاره عددی نمک تا بهر کنگران برابر سن عدو چند چند جمع کند و آن کنگر برابر قامت باشد کم و بیش نباشد پس بوقت شب اول یکصد و یکمرتبه بر جانماز نشسته بخواند بعدا نقش نزد خود نهشته چهل بار بر یک کنگر دم کرده در آتش انداخته همچنین هستم چهل از چهل بار دم کرده در آتش انداخته باشد چهل روز بهمین قسم کند انشاءالله دشمن تباه گردد یا هلاک شود اما نام عدو بمقام ابتر که رسد سه بار لفظ ابتر بگوید مجربست خطا ندارد و انا اعطینا بدین ترتیب بخواند اینست

انا اعطیناک الکوثر فلان ابتر فصل لربک وانحر فلان ابتر ان شانئک هو الابتر فلان ابتر هو الابتر هو الابتر هو الابتر هو الابتر و اگر اعداد این سوره را بر آورده برای بیخ و هلاک دشمن نقش مربع از خانه اول پر کرده و بر پشت نقش اسم عدو با نام مادرش را نوشته در آب دریا که روانست بیندازد یا در دو خانه و یک نقش نوشته در خانه عدو دفن کند یقین است که بامر خدا تعالی در مدت چهل روز عدو تباه و برباد گردد و اما اعداد بر آورده نقش را پر کرده برای تو نوشتم که سهل و آسان گردد چنانچه جمله این سوره دو هزار و هفتصد و شصت و چهار است نقش آنرا تقسیم نهایت با کوشش کرده اینست

۷۸۶

۶۸۳	۶۹۷	۶۹۴	۹۹۰
۶۹۵	۶۸۹	۶۸۴	۶۹۶
۶۸۸	۶۹۲	۶۹۹	۶۸۵
۶۹۸	۸۸۶	۶۸۷	۶۹۳

نوع دیگر عمل اذا جاء انجیل عظیم صاحب آنکه ساکن هستند اگر در صبح و بوقت عصر یکصد و یکمرتبه هر دو وقت برای هر مهمی و حاجتی تا یک هفته بخواند معین ۴۳ نفر حاجت بیشک بر آید اگر از طرف اعدا اندیشه پیش آید همین نوع بخواند بر عدو فتح یاب گردد خطا ندارد و اگر نقش این سوره را بنویسد در همه جا بسیار بکار آید و در جنگ هر که نقش عربی را در بازوی راست بندد و نقش بالا را در بازوی چپ بندد بیشک بر دشمن فاتح گردد و هم جنگ و قضایا و غیره و پیش حاکم ظالم با فتح و نصرت باز آید و هیچ گزندی باو نرسد و اگر مریض دوازده ساله را چهل روز نوشته بنوشانند از هر مرض که داشته صحت یابد

برای هر مطلب و مرادی که خواسته باشد هفت روز از روز پنجشنبه چهل نقش هر روز میان عصر و مغرب نوشته در آرد برنج بسته به دریا اندازد بمطلب خود برسد و نقش عربی و عددی هر دو ما اینجا مینویسیم تا بر تو آسان باشد اینها اند چنانچه اعداد همه سوره جمله شش هزار و نود و نه میباشد آنرا قسمت کردم نقش مربع بدست آمده اینست

اغیثونی بحق اذا جاء	۱۵۱۵	۱۵۳۰	۱۵۲۶	۱۵۲۲
نصر الله والفتح ورأیت	۱۵۲۷	۱۵۲۱	۱۵۱۶	۱۵۲۹
الناس یدخلون فی دین الله	۱۵۲۰	۱۵۲۴	۱۵۳۲	۱۵۱۷
افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا	۱۵۳۱	۱۵۱۸	۱۵۱۹	۱۵۲۵

و نقش عربی بعد نقش عددی اینست که نوشته میشود باید که این نقش را بسیار عزیز و گرامی دارند و ما بخدمت چند ساله این طریق را از اعظم خان صاحب حاصل کردم و باقی اسلاف خادم بر در آنحضرت آنوقت از راه عنایت و کرم بمن عطا کردند اینست

اذا جاء	نصر الله	والفتح	ورأیت	الناس	یدخلون	فی دین	الله
نصر الله	والفتح	ورأیت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا
والفتح	ورأیت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح
ورأیت	الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد
الناس	یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک
یدخلون	فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره
فی دین	الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه کان
الله	افواجا	فسبح	بحمد	ربک	واستغفره	انه کان	توابا

نوع دیگر شرح سوره الحمد - این سوره معظم را سوره فاتحه و سبع مثانی نام است و مهات کلام الله هم گویند و سر کلام الله است و دو مرتبه بر پیغمبر ص نازل شده و هفت آیه دارد اگر کوه این سوره مبارک را با ترک لذات در یک چله یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه بخواند بر هر چیز که دم کند اثر اعظم دهد اگر مریض را بر آب بخواند و بنوشد شفا یابد و اگر کسی را رزقش تنگ باشد نقش عربی و نقش اعدادی پر کرده تا چهل روز علی الصباح با وضو هر دو نقش را بنویسد و بیست نقش عددی و بیست نقش عربی هر روز نوشته و در آرد گولی گذارده در دریا اندازد انشاء الله تعالی در مدت چهل روز رزقش فراخ گردد با روزگار گردد و صورت دیگر واقع شود و برای هر مرض که نوشته بنوشانند در همان روز شفای کلی بخشد اگر برای دوستی نوشته در قند و نبات شربت کرده به دشمن بخوراند چنین که محب گردد و اگر برای زبان بندی بخورانند زبان دشمنان از بدگوئی باز ماند اگر بیا بازوی خود هر دو نقش نوشته ببندد باین نوع که در بازوی راست نقش عربی و در بازوی چپ نقش عددی نوشته ببندد از هر بلای آسمانی و جنگ و آفت محفوظ ماند این ضعیف این نقش را از مرشدی کامل عنایت شد که خطائی ندارد و در مقدمه چیچک با طفلان اگر در ایام آبله که قبلاً نوشته شود در گلوی طفلهای صغیر ببندند و یکی هم نوشته بشویند و باو بخورانند هرگز آبله و سرخک در نیاورند و با ن طفل ایذا نرسد مجرب و برای عامل شدن این نقش باری چهل روز هر دو را نوشته نقشها را در آرد گولی بسته در آب روان بیندازد ما هر دو نقش را برای فهماندن مینویسیم تا برای هر کس آسان باشد و این سوره بسیار اثر و خواص عجیب دارد بیان کردن نتوان طاقت قاصر است خاکی بیان چه یارا که اوصافش را بر زبان آریم اگر عامل شوی قدرش بپنداری و انصاف نمائی که چه پرده اسرار از میان برداشته و ابواب دولت عظمی و خزانه اعلی را در صرف وقف آوردم و آن اینست

جبرائیل		بسم الله الرحمن الرحیم				میکائیل	
الحمد لله [illegible]	رب العالمین [illegible]	الرحمن	الرحیم	مالک یوم الدین	ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط
رب العالمین	الرحمن	الرحیم	مالک یوم الدین	ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم

الرحمن	الرحیم	مالک یوم الدین	ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین
الرحیم	مالک یوم الدین	ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت
مالک یوم الدین	ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت	علیهم
ایاک نعبد	و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت	علیهم	غیر المغضوب
و ایاک نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت	علیهم	غیر المغضوب	علیهم
اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین	انعمت	علیهم	غیر المغضوب	علیهم	و لا الضالین
اسرافیل			نقش عربی		عزرائیل		

نقش دوم عددی مینویسیم عزیز باید دانست که عدد این سوره جمله هزار و دویست یازده صحیح مطلق هستند و آنرا نقش خماسی مقرر است و اینست که در هر مقام اثر خوبی تمام دهد بارها تجربه آمده است و اینست نقش

۲۴۵ ۷۸۶۰ ۱۰۱

۲۲ ۹۵	۲۳ ۰۹	۲۳ ۰۵	۲۳ ۰۴
۲۳ ۰۶	۲۳ ۰۱	۲۲ ۹۶	۲۳ ۰۸
۲۳	۲۳ ۰۳	۲۳ ۱۱	۲۳ ۹۷
۲۳ ۱۰	۲۳ ۹۸	۲۲ ۹۹	۲۳ ۰۳

۳۸۲ بهر چهار گوشه اسماء موکل چهارند ۳۱۰

نوع دیگر عمل آیات مجرب در باب عداوت و بغض و حسد میان دو کس اگر محبت جانی باشند صورت مشافقه باید که از عروج ماه بروز پنجشنبه اول نماز موکلات این آیات را بدین نوع د

که دو کس در وی پیش از اینها موکلات طعام بخوراند بوقت صبح بعد دو ساعت غسل کند
و چادر سفید پوشیده در سر چهار راه رفته و چهار عدد سنگریزه که حلیت بردارد بی سخن
گفتن در حجره تنها رو بقبله نشسته بر پارچه کاغذ آن سنگریزه ها برداشته این آیات را یکبار
عبارت بخواند و بر آن سنگها بمدد اسم آنها و مادر آنها را بگوید و یکصد و هشت مرتبه
بخواند و دم کند چون تمام شود اگر وقت رسیدن بمقام آن دو نفر دارد با کسی سخن نکند
و سنگریزه ها را در مکان و محل آنها انداخته و اگر خود نتواند بدست آدم نماز خوان
بدهد یا بطفل نابالغی و آنها هم بی سخن گفتن در خانه یا محل آنها جنبیدا زند و بهمین نوع چهار
روز عمل نماید بروز پنجم اگر جدائی و قتلا یابی در میان آن دو نفر پیش آمد فبها و الا در روز
پنجم علی الصباح برخواسته بکنار دریا یا رود خانه رفته قدری خاکستر و استخوان یا یک
مرده بردارد در کوزه سوزانیده و در کاغذ بسته و در کهنه گذارده بکنار دریا نهاده غسل
کند و آنرا برداشته بخانه آورده و بوقت معهوده همراه آن سنگریزه قدری از آن برداشته
بدستور پیش بخواند و چون خواندن تمام شود بسته را حواله آن شخص نماید و بگوید سنگریزه
زیر پا انداخته و بدو خاکستر را در بدن آن دو نفر بمالد بهر نوع که شود و اگر مالیدن ببدن میسر
نشود بلباس یا پای او و بهمین نوع تا چهار روز همراه سنگریزه عمل خاکستر کند انشاءالله
دشمنی جانبین بوقوع آید مجربست و آیات جهت بیر خواندن گفته ایم باینصورت هستند
وَمَا رَمَیْتَ اِذْ رَمَیْتَ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ رَمٰی کَلَّا اِذَا دُکَّتِ الْاَرْضُ دَکًّا دَکًّا وَّجَآءَ رَبُّکَ وَالْمَلَکُ
بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه صَفًّا صَفًّا یا قاهر یا قاهر یا قاهر [illegible] بیشک خصومت
واقع خواهد شد و اگرچه خواهد تا مرگ در میان آن دو نفر ملاقات و صفائی نشود باید
که این مجموعه آیات با هر دو اسما جانبین نوشته تعویذ نموده در روز یکشنبه یا سه شنبه
در گور کهنه بر سینه مرده یا پهلوی دستش دفن کنند و بار دیگر همان روز در پارچه بدن
آن دو نفر شوئیده نیلگون رنگ کند در سیاهی و قدری سرکه بر آن ریخته این آیات را با قلم آهنی
و مادر آنها نوشته در کوزه نو داشته قدری رائی بر آن انداخته بر لب دریا یا بدست کنده
دفن کند که قریب آب باشد انشاءالله تعالی قاطبةً بین هر دو جدائی واقع شود مجربست
یا تحلف ایا تحلف العداوة والبغضاء الی یوم القیمة اذا زلزلت الارض زلزالها

واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان مالها العداوة والبغضاء بین فلان بن فلان
و فلان بن فلانه **نوع دیگر** عمل بغض و عداوة از امیر امام بخش صاحب پیرزاده حضرت سید
اشرف جهانگیر چهوچهوی بدست این ضعیف آمده هر چند که این فقیر گاهی نیاز ننموده الا مجربست و
آزموده همان بزرگست باید که دو عدد ماهیان که قوم روهیا باشند در عروج ماه بروز یکشنبه
بیارد و شکم هر دو را چاک کند و بر دو پارچه کاغذ این آیات با اسم محب با بنویسد با نام مادر
آنها و بگذارد در شکم ماهیان هر دو و پارچه داشته باشد از سوزن شکمهای آنها را ببندد و بر لب
دریا قدری را گودال کرده و دفن کند و ماهیان پشت بهم دفن شود و باید و بوقت
سه پهر ده عدد برگ کنیر سبز بیارد و بر آن همان آیات را بدستور بر هر یک بنویسد و قدری
آتش آورده بر پشت ماهیان رفته آتش روشن کند تا بماهیان برسد و آن برگها را
جدا جدا دم کرده در آتش انداخته و عمق دفن ماهیان تا آتش نگذشت باشد زیاده نباشد
پس هر روزه تا شدن جنگ در میان محبان رفته ده برگ نوشته دم کرده بسوزاند
انشاءالله تعالی بیشک از جانبین خصومت واقع شود آیات معظم با اسمای مکرم اینست
کذلک الطریق قال هذا فراق بینی وبینک وظن انه الفراق الحاقة ما الحاقة وما
القارعة ما القارعة کلا لینبذن فی الحطمة وما ادریک ما الحطمة الفراق والعداوة
بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه **نوع دیگر** عمل عداوت و هلاکی مجرب و آزموده من عنایت
نوازش علی خان صاحب باید که اول زکوة اینده عا چهل روز با ترک حیوانی از عروج ماه یعنی
سه هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه هر روز بخواند چون تمام شود عامل خواهد شد الا دعا را
چله در یک جلسه اینقدر بخواند که با لاغر گوشت و هر روز قدری شیرینی برای نیاز موکلات
طلبیده و دم ها بینده بود و در این چله در اول و آخر درود نفرستند زیرا که درود رحمت است
و این عمل برای غضب است پس اگر هلاکت دشمن یا تباهی او خواهد دوازده روز بدین نوع
بخواند بوقت دوپهر غسل کند و رو بروی آفتاب بسته چشم بغرض کاغذ مقابل کرده
در تصور بداند که گویا صورت آن هر دو کس در آسمان پیدا است و در دل تصور
کند و بگوید که فلان کس هلاک شود یا تباه گردد از دست فلان ذلیل و خوار
بعد از آن آن شخص رو بیشتر طرف آسمان کرده و نگاهی بسمت آفتاب

این اسماء و دعا یکصد و دوازده مرتبه بر تسبیح که دست خود زیر جبه باشد بخواند
و از این عمل پرهیز کردن و ترک لذات و حیوانات پر ضرر درست پس چون خواندن
تمام شود بسوی آسمان دم کرده و هر تا دوازده روز همین سوال بکند زود بیشک آن
کس هلاک و تباه شود و آن آیه اینست یَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي
لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا قَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ خدایا قهر پادشاه بر فلان بن فلانه نازل
گردد و مقهور و خراب گردد یا قاهر یا قاهر نوع دیگر عمل حب مجرب ست من عنایات
میر منور علی صاحب پیرزاده شاه جهان آباد من آیات کلام الله مجرب و بیشک اگر درمیان
زن و مرد و یا دو برادر یا دو کس یا ده کس باهم اتفاق نباشد این آیات معظم ابنویسد
در کاسه چینی و در آن شهد انداخته بمالد و آن شهد را در طعام انداخته آمیخته همه را باهم بخوراند
بکرم الهی باهم محب و متفق شوند شک نیارد و نیز در آیات معظم اعداد بسم الله را هم
شریک کنند لازم بالضرور بنویسد چنانکه من نوشته‌ام به نیطریق و تاثیرات بدهند آیات
معظم و مکرم اینست با اعداد بسم الله ۷۸۶ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ الحب فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه
۷۸۶ اللهم احفظنی الجما الدحیات شهد المودة سلونی هم اذا خوان حفظ
لا اله الا الله بحق إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ نوع دیگر عمل حب مجرب از
امیر صاحب موصوف القدر بهم رسیده مجرب آزموده است باید که پارچه هیزم درخت [illegible]
بروز یکشنبه بیارد بوقت آوردن نیت کند که برای حب میبرم پس آن هیزم را شکسته در سایه خشک
کند چنانچه شعاع آفتاب بر او نتابد چون خشک شود باز روز یکشنبه یا پنجشنبه در ظرف گلی نهاده پارچه
کنده یکصد و یکبار این آیات را بر او بدمد و آتش زده خاکستر کند و باز بر آن خاکستر یکصد و یکبار آیت
بخواند و بدمد تا با وضو آیه معظم را بخواند و آن خاکستر را نزد خود نگاهدارد هر کسی را که در خشکی
بیقرار گردانیدن منظور بود قدری بر او برگینه برق در شیرینی آمیخته از دست خود بدهد و بخوراند
مطیع و بیقرار گردد و هر کسی که بدهد شوهر بزن و زن بشوهر اثر تمام بخشد آیت اینست
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ
مِنَ الْكَافِرِينَ نوع دیگر در باب ازدیاد امیر صاحب موصوف بالا ممکن شده

مجرب برای امیری و معشوقی و هر ظالمی که از خود غافل و دشمن باشد پس باید که بروز
یکشنبه یا چهارشنبه روزه بدارد و بوقت شب بعد دو پهر دو رکعت نماز استجابت بقرب
الی الله بگذارد و هفت چنبیل را از خارها از پیش خود داشته و قدری بخور در آتش
بنهد و بر چنبیل مذکور هفت مرتبه آیه موصوف را دم کرده و نام آن کس را گرفته بسوزاند و بروز
دوم که پنجشنبه باشد روزه دارد و بدستور چنبیل یازده بار دم کرده بسوزاند و بروز سوم
که جمعه باشد بدستور روزه بدارد و بر هر چنبیل بیست و یکبار دم کرده بسوزاند و بسوی
مطلوب آنهم دم کند اگر خدا خواهد صبح آن روز مطلوب حاضر شود و اطاعت کند اگر حاضر نشد
چون چهارشنبه دیگر آید سه روز بطریق بالای مذکور بهمان دستور عمل کند مطیع شود و اگر احیانا
مطلوب حاضر نشود بار سوم به دستور مذکور عمل کند بیشک و بر حق مطیع و منقاد شود آیات معظم
کرم که بر چنبیل باید خواند اینست وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي إِذْ تَمْشِي
أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ
وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا نوع دیگر در باب تسخیر خلق و حاجت
روائی آزموده شده بارها خطائی نداده یعنی اگر کسیرا مسخر کردن خواهی باید که دویست مرتبه وقت
زوال آفتاب بخواند یقین است که در مدت سه روز خواندن آنکس مطیع گردد و هر حاجتی که
پیش آید روا گردد و آیه معظم و مکرم اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنَا الْمَقْدُورُ فَمَنْ يَقْدِرُ
الْمَقْدُورَ اِلَّا الْقَادِرُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ نوع دیگر مجرب در باب بندی سفر
اگر کسی آزرده و قصد سفر کند باید که سنگی از آن راه که او از طرف آن بخواهد برود برداشته بر آن
سنگ این آیه معظم را بنویسد با نام آنکس و نام مادرش در چاه اندازد و امید است آن سنگ در آن
چاه هست هرگز عزم سفر نخواهد کرد اگر آن سنگ را از چاه بیرون آورند عازم سفر رود و آیه معظم اینست
۷۸۶ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا
هَاهُنَا قَاعِدُونَ نوع دیگر این آیه معظم در باب دفع درد شکم مجرب و آزموده این فقیر است که بارها
تجربه نموده‌ام کافی مطلق کسی را بدرد شکم مبتلا باشد این آیه شریفه را بنویسد و بخورد فی الحال درد موقوف
شود آیه موصوف اینست عزیز باید داشت اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْبَاسِطُ وَاَنَا الْمَبْسُوطُ فَمَنْ يَبْسُطُ
الْمَبْسُوطَ اِلَّا الْبَاسِطُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ علی حضار مجرب ست ازا

سنوز علی صاحب اگر کسی رفتن به پیش شخصی قاهر و جابر باشد و خواهد که آن جابر
مسخر و مطیع گردد پس این عمل حصار هفت مرتبه بر خود بخواند و بدمد نیز دشمن برود
مطیع و مسخر گردد و این عمل عجیب و غریب است و اینست آن اسماء شریفه
لا اله الا هو الحی القیوم یا اله الاولین هر که ما را بد گوید زبانش
بند شود و ضربت عصاء موسی بر جگر او و اره که بر سر حضرت ذکریا کشیدند
بر تن او و کرمهای حضرت ایوب در دهن او و مهر سلیمان بن داود بر زبان او و تیغ
رجال الغیب بر جان او و قهر خدای قهار بر آن مقهور مجوق یا مذبوح یا مذبوح
والله المستعان علی ما تصفون یا الله یا الله

عمل دیگر در مقدمه نفاق عنایت فرموده جناب میر احمد علی شاه صاحب
پیرزاده مجرب است از موده باید که بروز سه شنبه ابتدای روز بوقت دو پهر سر برهنه
نموده و اول غسل کرده و در جای تنهائی نشسته و روی بجانب جنوب نموده و
چهل دانه سرشف یا رائی در پیش و نهاده و بر هر دانه چهل و یک مرتبه سورهٔ کوثر را
خوانده و دم کند یعنی هر بار تف زده باشد چون بجای هو الابتر رسد اسم هر دو فلان
ابتر همچنین بهمین طریق تمام کرده و آن دانه ها را بکسی بدهد که در خانه دشمن انداخته آتش
در مدت هفت روز بیشک دشمن تباه گردد بلکه آن مقام که داشته از جا بر کنده شود اگر در مدت
هفت اثر بخشد فبها والا در مدت چهارده روز کند و اگر چهارده روز اثر نه بخشید هبت و دیگر روز
کند و خواندن را موقوف نماید پس درین عمل خطائی ندارد و مجرب است

نوع دیگر سورهٔ انا اعطینا را بر براده استخوان شتر بروز یکشنبه یا سه شنبه یکصد و یک مرتبه بخواند
و دم کند و در خانه دشمن اندازد هر دو تباه و برباد شود اگر در میان دو محب جدائی انداختن
منظور باشد بجای هو الابتر نام هر دو بدین نوع بگیر که در فلان و فلان جدائی و نفاق هو الابتر
هو الابتر انشاء الله تعالی ز انداختن سه روز برابر جدائی افتد و جدائی انداختن
منظور باشد این نقش بر خشت خام از سیاهی طیب طاهر نویسد و در دریائی بهر روز
انداخته باشد انشاء الله تعالی در مدت هفت روز اگر محب جانی باشند ببغض و عداوت
وحشت واقع گردد که دشمن جانی هم شوند و کسی برای کشتن خواهد نقش اینست

سورهٔ قارعه

القارعة ما القارعة وما ادراک ما القارعة یوم یکون الناس
کالفراش المبثوث وتکون الجبال کالعهن المنفوش فاما
من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیة واما من
خفت موازینه فامه هاویة وما ادراک ما هیه نار حامیة
البغض والنفاق والعداوة بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه

القارعة

عمل نفاق مجرب است از موده عنایت شیخ نجف علی شاه صاحب مجرب است باید که بروز سه شنبه
اول خاک از هفت مسجد در یک پریه بیارد و پس بوقت نیم شب غسل کند و متصل قبر کسی شهید
رفته نماز حضرت پیغمبر کرده بعد دوگانه نماز بنیت جدائی دو کس یا تباه کردن دشمن ایستاده
شده ادا نماید باینطریق که در رکعت اول بعد فاتحه سورهٔ انا اعطیناک یازده مرتبه بخواند و در
رکعت دوم بعد حمد سورهٔ انا انزلناه یازده مرتبه بخواند و در مقام ابتر سوره کوثر نام عدو گرفته
باشد و نماز را تمام کند پس متصل قبر رفته ایستاده هفتصد و هفتاد بار کلمه طیب بطریقی که در
ذیل نوشته شد بخواند و بر خاک دم بعد اتمام کلمه هر دو دست خود بر قبر زند و بگوید
که فلان را تباه کنند یا جدا کنند نیاز شما خواهم داد بعده آن خاک را بهفت پریه ساخته
و بخانه خویش بیارد و صبح یک پریه آنرا بدست کسی داده یا خود در خانه عدو انداخته
بیاید و بوقت دو پهر هر روزه یکصد و یک مرتبه همان کلمه را بخواند و بسوی عدو تف زند
انشاء الله دشمن تباه شود از شهر بیرون رود جدائی در میان محبان واقع گردد و کلمه
که برای خواندن نوشته شده اینست لا اله الا انت فسلکانی محمد رسول الله فلانی سی فلانی کو
جلادی جلادی جلادی نوع دیگر در مقدمه حب مجرب است از موده عنایت درویش تارک الدنیا کامل
مکمل اگر خواهی کسی را محب خود گردانی و در عشق خود بیقرار گردانی باید که این سوره مطهر را با سیاهی
در عبارت آن نوشته است دم کرده با و بخوراند انشاء الله مطیع فرمان گردد و اگر او را
خورانیدن نتواند بهر چکانان بخوراند اثر تمام بخشد سوره معظم اینست
الم تر کیف بستم خواب و خور فلان افسون بن فلان علی فلان بنت فلانه فعل ربک باصحاب
الفیل الم یجعل کیدهم فی بستم خواب و خور فلان بن فلانه . . . . . .

فلان بن فلانه علی حب فلان فی تضلیلٍ و ارسل علیهم طیراً ابابیل ترمیهم
بحجارةٍ من سجیلٍ فجعلهم کعصفٍ ماکول بستم خواب و آرام دل فلان بن
فلانه را علی حب فلان بن فلانه نوع دیگر مجرب در باب طلب مطلوب
در حب خویش باید که یک چله اختیار کند در عروج ماه روز اول وقت شب غسل
کند و اول و آخر درود بیست و یک مرتبه بخواند در چهل و یک صد و سیاه مرچ گرفته این
عبارت را بر هر مرچ کلمه طیب دم کرده و همانجا سوخته باشد انشاء الله تعالی در عشره
و هفته مطلوب مطیع و مسخر گردد کلمه که بر هر چهار بالا بخواند اینست . لا اله الا
الا انقان ملا نیس محمد رسول الله محبه بن فلانے کوچین ندبج
نوع دیگر برای تخلیص محبوس مجرب و آزموده شده در یوسف ۴ که این آیه
معظم است برای قیدی در هر نماز پنجگانه صد مرتبه تا هفت روز بخواند انشاء الله تعالی
محبوس بیشک خلاص شود آیه مکرم اینست یا بنی لا تدخلوا من بابٍ واحدٍ
و ادخلوا من ابوابٍ متفرقةٍ وما اغنی عنکم من الله من شیءٍ ان الحکم الا لله
علیه توکلت و علیه فلیتوکل المتوکلون یا خالص یا مخلص
نوع دیگر عمل آیات برای قبض حمل باید که چهل و یک رشته سر تا پای زن
بیرون کرده چهل و یک بار دهد و بر تمام کنده باز آیه موصوف دم کرده موم جامه کند
و در کمر زن بندد انشاء الله تعالی حمل قائم ماند این عمل جناب میر حمعلی صاحب ساکن
باره است مجربست و قندی شکر از این آیت دم کرده و هفت روز بخورد آیه اینست
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدةٍ و خلق منها زوجها یا حفیظ یا
حافظ یا نصیر یا ناصر یا رقیب یا وکیل یا الله یا الله نوع دیگر در باب تسخیر امیر
و وزیر باید که این آیه معظم که عنایت فرموده امیر بخش صاحب ده بار بر روغن خوشبودار یا عطر
دم کرده بر روی خود بالد هر که بیند و پیش امیر و وزیر رود معظم و مکرم خواهد بود با حترام باز گردد
آیه موصوف اینست عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم
مودةً والله قدیر والله غفور رحیم نوع دیگر برای ماندن حمل
بخوانند بحکم خدا حمل ماند آیه معظم اینست اذ قالت امرات عمران رب انی

نذرت لک ما فی بطنی محرراً فتقبل منی انک انت السمیع العلیم بحق یا هادی یا هادی
یا هادی یا هادی یا هادی یا هادی نوع دیگر اگر کسی حمل خام میرود از جای آیه را نوشته
برای بستن بر خط اگر خواسته حمل قائم ماند آیه اینست یا حفیظ یا مالک یا مالک یا ذو
الجلال یا ذا الاکرام فالله خیرٌ حافظاً و هو ارحم الراحمین نوع دیگر برای حب
سوره الم نشرح هفت بار بر نمک خوانده وقت شام در آتش اندازد انشاء الله تعالی امر مبتلا
گردد نوع دیگر برای دفع تپ هر قسم این ترکیب را نوشته بخواند یا کنده بر میان سوت
در سوت کرده و هم از فضل خدا تعالی تپ هر قسم باشد دفع گردد اینست بسم الله
الرحمن الرحیم الهی بحرمت شمس الدین تبریزی این تپ بخاری بگریزی و الا نزد
قاضی رشوتی گرفتاری - لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نوع دیگر
عمل آیات عنایت میر بخش صاحب مجرب و آزموده در باب دستی چشم هر کسی که از
هر نوع در چشم بصارت کم داشته باشد یا عیب شبکوری و هیولی و جاله و غیره در چشم بود
باید که این آیات شریف حفظ کند و بعد هر نماز اول و آخر درود یک مرتبه بخواند و آیها ها
یعنی سه مرتبه بخواند و بر هیچ انگشت جمع نموده دم کرده انگشتان دست راست را بر
چشم چپ بمالد و انگشتان دست چپ را بر چشم راست بمالد سه مرتبه همین طور کند انشاء الله
تعالی در مدت چند روز رفته رفته روشنائی در چشم باز آید و عوارض مذکور چشم رفع
خواهد شد آیات اینست یوسف ایها الصدیق اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه
علی وجه ابی یات بصیراً و اتونی باهلکم اجمعین فکشفنا عنک غطاءک فبصرک
الیوم حدید فرددناه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حقٌ ولکن
اکثرهم لا یعلمون و ما امر الساعة الا کلمح البصر او هو اقرب ان الله علی کل شیءٍ
قدیر یا الله نوع دیگر عمل آیات در باب مال دزدیده باید که این آیه معظم را با چهار
اسماء موکلات یک لک بیست و چهار هزار مرتبه بخواند و لازم است که وقت خواندن یکوقت
مقرر نموده شکر و بوریان و صندل سفید باریک ساخته و دود آن داده باشد و در عرصه چله و
تمام کند و پرهیز از گوشت و ماهی خیر کرده باشد چون تمام شد عامل گردد هر گاه که اسم دزد را معلوم
کردن منظور باشد بلد که بروز شنبه یک استره از حجام گرفته هفت مرتبه آیات و اسماء موکیل بر

روی استره دم کرده قدری شنگرف بروی مالیده در بلندی مثل چهره بدارد و بوقت صبح
آنرا گرفته بار هفت مرتبه آیه معظم دم کرده بنام هر یک مشتبهان بال آن خویش اندر آ
وجب بتراشد انشاء الله هر دزدی که باشد موی سرش خود بخود تراشیده خواهد شد آیه موصوف
با اسماء موکیل اینست علیغا بلیغا ملیقا خلیقا فالقی السحرة ساجدین قالوا آمنا برب
العالمین رب موسی وهارون نوع دیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیده این آیه معظم که در
سوره واقع است این آیه را هزار مرتبه با طهارت تا چهل روز بخواند هر روز وظیفه خود بجا
روشن کند چون فارغ شود پس عامل شده هر گاه که مقدمه ما دزدی پیش آید این آیه
مبارک ما بر نان روغنی که بطهارت ساخته یکیک کف دست بر یک مشتبه بخواند انشاء الله
تعالی هرگز آن دزد این خورده نشود یعنی از گلوی دزد فرو نرود و دزد صاف پیدا شود
اکثر این فقیر آزموده است اگر بدون زکوة دادن کند هم تاثیر ظاهر خواهد شد و آیه
موصوف برای هلاکی دشمن نیز بکار آید اینست فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم
حینئذ تنظرون در این آیه ظفریابی بر دشمن نیز هست نوع دیگر اینما آیه
اگر کسی را زن را که حمل میماند چهل روز در پیاله چینی نوشته بخوراند و یکی بر کاغذ نوشته
در کمر آن زن به بندد انشاء الله تعالی بارور شود این عمل از یکی عابد و زاهد که معلم بودند
بدست این نحیف رسیده است لله ملك السموات والارض يخلق ما
يشاء يهب لمن يشاء الذكور او يزوجهم ذكرانا واناثا ويجعل من
يشاء عقيما انه عليم قدير يا الله نوع دیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیده این
آیه معظم کلام مجید که در مقدمه دزد حلم خدا معتم شده است این را در چها که از اسماء مشتبهان باشند
هر را جدا جدا بنویسید و آن هر چهار را گولی بسته در کاسه مد کرده برابر وزن کرده در ظرف گلی آب
پر کرده هر یکرا گولی علیحده علیحده در آن آب بداده هر گولی که بر آب تر شده بر خیزد و هرگز غرق نشود
همان کس دزد بی شک باشد مجربست و آزموده است آیه معظم و مکرم مذکوره اینست السارق
والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله والله عزيز حكيم
نوع دیگر هر آن عورت که بدرد زه مبتلا باشد و هرگز بچه پیدا نمی شود باید که این آیت شریف را یکی
نوشته بر ران چپ بندد و یکی نوشته در قند شربت نموده بنوشانند بحکم الهی فی الفور بچه پیدا

شود مجربست آیات معظم اینست اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا
الارض مدت والقت ما فيها وتخلت لا يستوي اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة
هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون نوع دیگر آیات کلام مجید که
روزی هر کسی که محتاج مطلق باشد این آیه شریف در هر نماز پنجگانه یازده بار بعد فرض
مقرر نموده مدام بخواند انشاء الله در عرصه چند عنقریب فتح حسرت او گردد و از بزرگی باین
نحیف بطریق دیگر مجرب رسیده که این عمل در تجربه آن بزرگ آمده بود اینست آنطریقه از
عروج ماه من یوم یکشنبه علی الصباح برخواسته یک لنگی پاک بسته غسل کند مع آن
لنگ تر از آب که هست بسمت قرص آفتاب ایستاده شده آیت این را بیست و یکبار
مع ما شاء الله وهو العلي العظيم بخواند و بطرف آفتاب دست خویش برداشته بگوید
که ای آفتاب جناب مستطاب جهان تاب آیه گواه طلوع تست باده بحول و قوت الهی در عرصه چهل
روز آن کس مالک شود بیشک بهر صورت امیر کبیر گردد و اگر تواند در ایام طهارت هم چنان
مقرر بر خود به دستور خواندن دارد و اگر موقوف شود دولت کم گردد مجربست آیه معظم
اینست ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل
على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا این قدر عبارت
از این آیه است ما شاء الله وهو العلي العظيم نوع دیگر اگر کسی میل
دوستی داشته باشد این آیه شریف هر روز هزار بار بر آن اسماء که بعد آخر نوشته است خوانده
شیرینی دم کرده و به یار بر کجا دم کرده دهد که آنکس را بخوراند یا بنشانند بیشک مطلوب مطیع فرمان
گردد مجربست و به این طریق از بزرگی رسیده است آیه اینست والله المستعان على ما تصفون فادعو
یا شفیق یا فصیح یا کل فتی نوع دیگر برای دفع صفت سوره الم نشرح در باب سابق نوشته است برای
دفع تب لرزه بنوع دیگر از بزرگی باین نحیف رسیده مجربست عزیز باید داشت چنانچه اگر کسی
مریض تب لرزه داشته باشد باید که قبل آمدن لرزه او را بوقت یک پاس روز بر آمده خواه
یک پاس روز باقی مانده مریض را بر زمین استاده کرده با کارد سایه آنرا از سر تا پای تمام
ببرد یعنی به برد و در هنگام بریدن سایه سوره الم نشرح را از زبان خود جاری کند چون

نوبت برمیق تا به پا رسد تمام کند همین نوع تا بسه روز متواتر ببرد ان شاء الله تعالی در حوصله دو سه
روز مریض صحت یابد مجرب تر است این سوره ممدوحه خواص بسیار دارد اگر در عمل آید و بکار آید
والا نه چه دون عمل اهم اینقدر باثر کند که اگر از دست کسی معاند بدگو و غیبت عاجز باشد برای زبان
بندی سه مرتبه سوره ممدوحه بر دانه گندم خوانده دم کند و در آخر نام آن معاند بن مع نام مادر
گرفته باشد یعنی بدینطریق که بستم زبان فلان بن فلان از بدگوئی پس آن دانه را پیش مرغان
اندازد که بخورند همانم و زبان او از بدگوئی باز ماند اینقدر ترکیب عمل این سوره معظم باین تخفیف رسیده
بود که نوشته شد نوع دیگر ترکیب الحمد و نقوش آنچه که این حقیر را رسیده بود سابق نوشته شده
الا اینقدر برای دوستان در این اوراق می‌نویسم که این عمل مجرب از میرزا پیربیگ صاحب بزرگ
باین تخفیف رسیده است و در عمل میرزا ممدوح آمده بود و اوصاف آن بچشم خود دیدم و این عمل برای
تسخیر است باید که در عروج ماه بروز یکشنبه و اولی اینکه شب جمعه و روز پنجشنبه باشد غسل کند و جامه
پاک پوشد و هر قدر خوشبوها و بخورات که میسر آید ساخت و دو نان روغنی بریده و دو لڈو شیرین
بر آن نهاده و عطر و از گلهای خوشبودار همراه گرفته بوقت نیم شب بکنار دریای روان رفته
در آن گوشه‌ای نشیند که آواز مردم نرسد و کسی متعرض حال نباشد پس تمام اسباب مذکور پیش روی
خود داشته و بخورات سوخته گردد خود را بسوره یٰسین و آیة الکرسی حصار کند باین طریق که از انگشت
گرداگرد خویش حلقه کشد بعد یازده مرتبه درود بخواند و یکهزار و یکبار سوره الحمد مع اسمای
موکلات که در میان عبارات الحمد است بخواند و اگر در میان خواندن صورتی وحشی که بنظر آید
هرگز خوف را در دل راه ندهد و نترسد و آنچه از آن اشیاء که نهاده است کسی طلب کند از دو
میان فی‌الحال حواله کند و بعد تمامی وظیفه آنچه که شیرینی و نان وغیره باشد همانجا بخورد انشاء الله
تعالی بروز هشتم یا روز هفتم صورت چار زنان پیش عامل حاضر آیند با حسن و جمال لباس
آرایش پیش آیند و از عامل اینها را کسند هرگز تا تمام شدن وظیفه راغب و مشتاق نشود و بعد
تمام نمودن وظیفه هرچه منظور خاطر باشد از همان زنان بگوید و برای خود روزانه هر قدر که خرج
در بکار روز تواند مقرر کند همیشه تمام عمر خواهند رسانیدن انشاء الله تعالی و صورت اگر در عرصه هفت
روز زنان حاضر نشود در عرصه چهارده روز حاضر خواهند شد و الا نه در عرصه بیست و یک روز
حاضر خواهند شد جلد ترک نکنند خطای ندارد مجرب است و عامل کامل باید گشت

تدبیر کامل کرده خوانده باشد به تدبیر که در وظیفه اول نوشته ایم بهمان تدبیر باید خواند مشقت
هرگز ضایع نخواهد شد و ترک حیوانات و لذات بهم ضرورت است و ترکیب الحمد باین طریق است
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا رَؤُفُ یَا عَطُوْفُ یَا مَالِکَ یَوْمِ
الدِّیْنِ یا فاخر یا غنی یا مقتدر یا حکیم یا علیم غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ آمین
دیگر آنکه چون در باب دوم اسمای الهی و آیت کلام الله آنقدر که باین تخفیف رسیده
بود نوشته دادم صرف برخاتمه انساد فتم الله باقی بود آن هم ترقی می‌نمایم و
این عمل از مولوی غلام مرتضی صاحب مشهور است باید که از عروج ماه برای هر مطلبی
که بسم الله وظیفه مقرر کند بیشک مطلب بر آید چنانچه دو رکعت نماز نفل گذارده و بعد
دوازده هزار مرتبه بسم الله و آخر درود فرستد و در یک جلسه بخواند انشاء الله صبح مراد
بر آید اگر در یکروز مطلب بر نیامد هفت روز بدستور بخواند بیشک مطلب بر آید و اگر
اینقدر خواندن نتواند هر روز دو رکعت نماز گذارد پانزده مرتبه قل هو الله در رکعت
اول و همین قدر در رکعت دوم بخواند یازده بار درود فرستد و هزار و پنجصد بار
بسم الله بخواند و در عرصه هفت روز مطلب بر آید الحمد لله که این باب مجموعه آیات
کلام الله هر قدر که باین حقیر رسیده و در تجربه خود یا استادان دیگر آمده بود نزد
بوجه احسن مشروحاً نوشته دادم که هیچکس عاملی این نعمت عظمی را ندیده
بود و این فقیر بطمع دعای خیر نوشته داده امید که را بفاتحه فراموش نکنند

باب سوم که مجموعه نقشیات و طلسمات و عملیات و ترتیب پر کردن و کشیدن نقشها اینست

آداب ترتیب پر کردن و کشیدن نقش باید دانست که وفق اعداد بر دو نوع است کامل
و ناقص پس لازم است که معرفت مصطلحات که موضوع این فن است چند دارد و آن
دانستن شکل بود که در آن اعداد نهاده شود بطریق تام و ناقص و فرد و زوج
و چند دانستن آنکه شکل صحیح است یا نه و دانستن ضلع و قطر و سطر و حواشی بطنی و دیگر
و عدد و عدد طبع وغیره اما شکل کامل و تام آنرا گویند که در شکل شکلی مندرج باشد

و ناقص آنکه در آن شکل دیگر پیدا نه آید چنانچه مثلث و مربع حقیقی پس در این شکل کیف خاصیت باشد بخلاف مخمس که در آن شکل مثلث و مسدس که در آن شکل مندرج است و در هر چه خاصیت دارد و مسبع و مثمن سه چند علی هذا القیاس آگاه داشتن صحت شکل بر این وجه است اضلاع با اضلاع و سطر با سطر و قطر با قطر برابر آید بداند که شکل صحیح است و الا نه در یافتن عدد عدل بر این سند است که عدد بیوت یک سطر را در ذات همان عدد ضرب کنند و یکعدد بر حاصل ضرب بیفزایند تا آن عدد عدل باشد و این برای استخراج عدد طبعی لابد است و ضرور است که عدد بیوت سطر را تنصیف نموده عدد عدل را در آن زند که حاصل ضرب وفق طبعی باشد پس در پر کردن هر شکل کم از وفق طبعی هرگز نباید اگر عدد بیوت یک سطر را در ذات خود زده یکعدد از آن کم نماید باقی را در نصف عدد بیوت سطر زند حاصل الضرب عدد سطر بود باشد که از مجموعه اعداد اول طرح باید داد و باقی را موافق اعداد بیوت تقسیمت مساوی کرده از یک سطر قسمت کردن آغاز کند چنانچه در شکل حقیقی که بیوت یک سطر است سه است آنرا تنصیف کردم یک و نیم آمد و عدد عدل که در آن ده است … یعنی … یک و نیم شدن آن ده و نیم … کردم پانزده آمد دانستم که در مثلث حقیقی لابد است که از پانزده عدد کم نباشد و اگر باید بود و دانستم … مربع حقیقی که عدد بیوت سطر چهار است آنرا در … زدیم شانزده شد یکعدد عدل افزودیم هفده شد و چهار را که اصل عدد بود … النصف کردیم دو آمد پس … هفده را دو کردم سی و چهار شد پس این عدد وفق طبعی اند در مربع حقیقی کم از سی و چهار نه آیند زیاده … نیست … عدد سطر و حد در مثلث سه را در سه زدیم و یکعدد کم کردیم هشت ماند هشت را در چهار … کردیم بحساب یک و نیم دوازده آمد و در مربع چهار را در چهار زده یکعدد کم کردیم پانزده ماند … در دو که نصف چهار است زدیم سی آمد دانستیم که در مثلث دوازده و در مربع سی از اعداد مجموعه طرح باید کرد آنچه باقی ماند در مثلث سه حصه کردیم پر کنند و در مربع چهار حصه نموده … شروع نماید و یک … در هر … بیفزاید تا منتهی شود و اگر کسر واقع شود در مثلث اگر … دو … از هر چهار طرف برابر نیاید و در مربع تقابل برابر آید از برای کسر از خانه که مخصوص برای کسر است یکعدد دیگر افزاید پس کسر از سه واقع شود … و اگر دو بود … و اگر یک بود از سیزدهم یک عدد افزاید در مثلث برای

دوازدهم چهارم و جهت یک از هفتم یکعدد دیگر افزاید تا راست آید و تفصیل اشکال اینکه اشکال بر سه قسمند اول فرد دوم زوج الفرد سوم زوج الزوج شکل فرد آن باشد که عدد بیوت سطر نصف صحیح نداشته باشد چنانچه که نصف سه که آن یک و نیم است و نصف که نصف پنج آن دو و نیم آید … بر این قیاس آن شکل را شکل فرد گویند و اگر نصف صحیح کسر داشت پس نصف را باید نگریست اگر فرد بود مثل شکل مسدس که نصف آن سه گردد که فی نفسه و فی ذاته فرد است چرا که زوج هم دارد لهذا آن شکل را زوج الفرد گویند و اگر نصف را باید نگریست اگر آن زوج است مثل مثمن پس آن را زوج الزوج گویند و چون … گذارش رفت همین طور شکل بر ترتیب نموده بر ضلع و قطر و حواشی و وسطی … حواشی نقاط یعنی خیالی گذارم … تعلیم دریافت کنی و هر آینه که خواهی تا تکسیر کنی و در شکل حساب نموده پر کنی پس اول در مثلث باید رفت …

ضلع	⁝		⁝		⁝ ضلع

قطر چهارم — سطر آخر — قطر سوم

پس شکلهای فرد مجرد کامل و ناقص مثال او عدد شکل مثلث حقیقی را پیدا کنم یعنی عدد خانه یک سطر که سه باشد در سه ضرب کنیم نه آمد و یکعدد برای ضابطه افزودیم ده عدد عدل برآمد چون این عدل را در نصف عدد بیوت سطر که یک و نیم باشد زدیم پانزده عدد وفق طبعی شد پس آن پانزده را از هر ضلع باین طور پر کردیم که دوازده عدد سطر و حد طرح دادیم سه ماند آن را سه حصه کردیم یک ماند جهت

پس هر چهار قطر گذاشته از هر ضلع که خواهد آغاز نماید بدین

۷۸۶ — بادی

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶
۱۵	۱۵	۱۵

۷۸۶

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸
۱۵	خالی	۱۵

آتشی ۷۸۶

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴
۱۵	۱۵	۵

قانون که جنب (دو اسب و رخ دو فرزین بانزخ گیر شده آخر مثلث راست تدبیر) … در خانه اول پر کند بگیر بگوید اطلطهیال …

آبی ۷۸۶

۸	۳	۴
۱	۵	۹
۶	۷	۲
۱۵	۱۵	۱۵

دوم چون عدد پر کند دو بار گوید بططهیال و در خانه سوم سه بار بوقت عدد فوقستین
بگوید جططهیال و در خانه چهارم چهار بار بگوید دططهیال و در خانه پنجم پنج بار بگوید
هططهیال و در خانه ششم شش بار بگوید وططهیال و در خانه هفتم هفت بار بگوید
زططهیال و در خانه هشتم هشت بار بگوید حططهیال و در نهم نه بار بگوید ططططهیال
و هر روز چهل و پنج بار نقش همین طور نوشته باشد تا چهل و پنج روز طریق مذکور نوشت و
طریق شاه مغرب همین بود اما طریقه پر کردن مربع چار در چار زدیم شانزده شد و یک عدد
بر آن افزودیم هفده شد آنرا در دو که نصف سطر اول بود زدیم سی و چهار شد پس
عدد وفق طبعی حاصل شد پس از این شانزده یک کم کردیم پانزده شد آنرا دو چند
کردیم سی گشت آنرا از سطر و چند اشتیم طرح دادیم باقی ماند چهار چهار با چهار حصه نمودیم
یک حاصل گشت از یک نقوش پر کردیم اما از این شانزده خانه مربع را خاصیت جداگانه است
که در بیان مذکوره او ان مثلث و مربع را بیان خواهد اینجا نقش مینویسیم خاصیت با هم مینویسیم

۷۸۶

فیل	رخ	فیل	اسب
فیل	فرزین	اسب	فیل
اسب	شانزدهم	فیل	فرزین
فیل	اسب	رخ	فیل

و طریقه پر کردن نوشته هم بدین صورت است (بیت)
اسب و فرزین و رخ با اسب و فرزین اسب ...
فیل دار و حد مربع هر طرف دوری پذیر
و این چهار خانه یکی آتشی و یکی خاکی و یکی بادی
و آبی است و از هر چهار آغاز همین تسلسل است
پس برای هر کار از خانه آغاز نماید تا بمقصود رسد و این نقوش را نقش اجل گویند و نقش را
نقش جوا و ترکیب کسر دادن اول مذکور شد فاما طور مثال نمایند از برای یک نقش اینجا مینویسیم
و آن مثال نیست پس هم بر این طریق تا صد و یک گرو پر کنند و در خانه ترکیب پر کردن این خانه
اول برای تن درستی و صحت و محافظت است
و این خانه آتشی است نقش اینست

۷۸۶

۱۰	۱۴	۱۷	۱
خانه ... ۱۶	۲	۹	۱۵
۳	۱۹	خانه ... ۱۲	۸
۱۳	خانه ... ۷	۴	۱۸

خانه اول برای صحت ۷۸۶ — خانه دوم برای محبت ۷۸۶ — خانه سوم برای دولت ۷۸۶

۱۴	۱	۸	۱۱	۱۱	۸	۱	۱۴	۸	۱۱	۱۴	۱
۷	۱۲	۱۳	۲	۲	۱۳	۱۲	۷	۱۳	۲	۷	۱۲
۹	۶	۳	۱۶	۱۶	۳	۶	۹	۳	۱۶	۹	۶
۴	۱۵	۱۰	۵	۵	۱۰	۱۵	۴	۱۰	۵	۴	۱۵

خانه چهارم آبی برای تخوف امان از دشمن — خانه پنجم آتشی برای امان از غرق شدن — خانه ششم خاکی برای بیماری باد و سرخ

۵	۱۰	۱۵	۴	۴	۹	۷	۱۴	۱	۱۴	۱۱	۸
۱۱	۸	۱	۱۴	۱۵	۶	۱۲	۱	۱۲	۷	۲	۱۳
۲	۱۳	۱۲	۷	۱۰	۳	۱۳	۸	۶	۹	۱۶	۳
۱۶	۳	۶	۹	۵	۱۶	۲	۱۱	۱۵	۴	۵	۱۰

خانه هفتم بادی برای زیادتی مال — خانه هشتم آبی برای جدائی — خانه نهم آتشی برای فتحیابی جنگ

۵	۱۶	۲	۱۱	۱۴	۷	۹	۴	۴	۱۵	۱۰	۵
۱۰	۳	۱۳	۸	۱	۱۲	۶	۱۵	۱۴	۱	۸	۱۱
۱۵	۶	۱۲	۱	۸	۱۳	۳	۱۰	۷	۱۲	۱۳	۲
۴	۹	۷	۱۴	۱۱	۲	۱۶	۵	۹	۶	۳	۱۶

خانه دهم خاکی برای حصول علم و عزت — خانه یازدهم بادی برای وسعت دست — خانه دوازدهم آبی برای صلح و مغلوبی دشمن

۱۱	۲	۱۶	۵	۹	۶	۳	۱۶	۱۶	۳	۶	۹
۸	۱۳	۳	۱۰	۷	۱۲	۱۳	۴	۲	۱۳	۱۲	۷
۱	۱۲	۶	۱۵	۱۴	۱	۸	۱۱	۱۱	۸	۱	۱۴
۱۴	۷	۹	۴	۴	۱۵	۱۰	۵	۵	۱۰	۱۵	۴

خانهٔ شانزدهم آدمی برای عشق و آوردن معشوق					خانهٔ چهاردهم خاکی برای افزونی زراعت و ستر عورت				خانهٔ سیزدهم انسی برای دفع مردان کرم گشت			
۴	۱۵	۱۰	۵	۵	۱۰	۱۵	۴	۱۰	۵	۴	۱۵	
۹	۶	۳	۱۶	۱۶	۳	۶	۹	۳	۱۶	۹	۶	
۷	۱۲	۱۳	۲	۲	۱۳	۱۲	۷	۱۳	۲	۷	۱۲	
۱۴	۱	۸	۱۱	۱۱	۸	۱	۱۴	۸	۱۱	۱۴	۱	

۷۸۶

۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

خانهٔ شانزدهم آبی برای پیش رو بردن پادشاه و ملوک و عاقبت نیکو و سلامتی نفس و ذات و خوبی تدبیر و صلاح کار و درستی رسیدن و بهتری امور میان

شکلهای مخمس که منسوب بر زهره است

چنانکه اول آن مخمس بود پس پنج را در پنج زدیم بیست و پنج حاصل شدند یکعدد عدل اضافه کردیم بیست و شش شد پس آنرا در سطر اول که چون پنج را مضعف کنی دو و نیم میشود این بیست و شش را آن دادیم شصت و پنج شد دانستیم که در مخمس کم از شصت و پنج نخواهد آمد چون خواستیم که اعداد سطر و حصه برابر از بیست و پنج یکی کم کردیم بیست و چهار باقیمانده آنرا در دو و نیم زدیم شصت شد پس نیز طرح کردیم باقیمانده پنج آنرا پنج حصه کردیم از یک حصه نقش پر کردیم و ترتیب روش مخمس اینکه در این شکل اول قرار واقعی باید کرد که یک و هفت و سیزده و بیست و چهار و پنج و شش و دوازده برابر خواهند بود و سیزده و نوزده و بیست و پنج برابر و بیست و دو و چهارده برابرند و در سطر و با ضلع حواشی افتاده اند در هر شکل و باقی اعداد در بیوت حواشی انضباط همه وقت نیز بر خوب یاد کنند و مخمس ناقص بی تامل صحیح پر کنند و در بقیه اشکال دیگر اینکه شکل مربع روش بنهاده یعنی طول و اسب و رخ و دوابسه و غیرها چنانچه من یک شکل بنویسیم این است

۱۸	۱۰ طول	۲۲	۱۴ طول	۱
۱۲ طول	۴ طول	۱۶ رخ	۸	۲۵
۶ رخ	۳ ۳	۱۵ اسب	۲ اسب	۱۹
۵ اسب	۱۷	۱۹ اسب	۲۱ اسب	۱۳ دوابسه

۲۴	۱۱ طول	۲ اسب	۴۰	۷ دوابسه

و در این شکل چهار ضلع و چهار قطر واقع شدند بدین ترتیب که ضلع فوقی یعنی ضلع بالا و ضلعی که مقابل آنست آنرا ضلع تحتی گویند و ضلع که در دست راست است ضلع الیمنی گویند و ضلع که سمت چپ است ضلع یساری گویند و در هر ضلع سه سه خانه میباشند که مجموع آن دوازده خانه شدند و چهار قطر و از قطر مراد گوشه است همه شانزده شدند باقی نه خانه ماند و این نه خانه مثلث از چهار سمت برابر آید پس بهمین ترتیب از هر خانه خانهٔ نقش پر کنند و من برای مثال چند نقوش می نگارم و این است خانهٔ ۴

۱	۲۵	۱۹	۱۳	۷		۷	۱۳	۱۹	۲۵	۱
۱۴	۸	۲	۲۱	۲۰		۲۰	۲۱	۲	۸	۱۴
۲۲	۱۶	۱۵	۹	۳		۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۱۰	۴	۲۳	۱۷	۱۱		۱۱	۱۷	۲۳	۴	۱۰
۱۸	۱۲	۶	۵	۲۴		۲۴	۵	۶	۱۲	۱۸
۱۹	۱۸	۲۱	۴	۳		۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹
۲	۱۶	۹	۱۴	۲۴		۲۴	۱۴	۹	۱۶	۲
۱	۱۱	۱۳	۱۵	۲۵		۲۵	۱۵	۱۳	۱۱	۱
۲۰	۱۲	۱۷	۱۰	۶		۶	۱۰	۱۷	۱۲	۲۰
۲۳	۸	۵	۲۲	۷		۷	۲۲	۵	۸	۲۳
۷	۲۲	۵	۸	۲۳		۴	۱۹	۲۱	۱	۲۰
۶	۱۴	۱۵	۱۰	۲۰		۲۴	۱۴	۱۵	۱۰	۲
۲۴	۹	۱۳	۱۷	۲		۲۳	۹	۱۳	۱۷	۳
۲۵	۱۶	۱۱	۱۲	۱		۸	۱۶	۱۱	۱۲	۱۸
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹		۶	۷	۵	۲۵	۲۳

خانهٔ ۲

خانهٔ ۶

برای همین نقوش از خانه‌های مختلف نوشته دادم که بدین روش از هر خانه که خواهد نقش نماید و بر این ترتیب و عدد و وفق طبعی بر آورده مسدس شکل یازده عدد سطر و حصه بر آورده طرح دهد باقی را برابر حصه نماید و از یکحصه نقش را پر نماید مثلاً مسدس که اصل [illegible] شش است شش را در شش زدیم سی و شش شد یکعدد عدل افزودیم سی و هفت شد آنرا سه حصه نمودیم زیرا که سطر اول مسدس

چون نصف آن سه خواهد شد پس سه چند کردم مقصود یازده شد و الستر کرد از این عدد کم در
مسدس شد تو میند زیاده را اضافه نیست پس عدد مطلوب حاصل آنکه از سی و شش یک نقصان
کردم سی و پنج شد آنرا سه حصه کردم مقصود پنج شد آنرا طرح کرده نقش پر کردم و نظر در رفتار شان
همچو مثلث دو و سه است پس همین تدبیر نقش مسبع و مثمن نیز پر کند تا ترتیب و طریق دعوت
هر نقوش اینکه نقوش مثلث نوشته باد و موت بر عناصر است یعنی هر چهار نقش تا ۴۰ روز
با ترک لذات حیوانات پانزده بار هر یکرا بنویسد آتشی را در آتش گذارد و بادی را در باد و پانزده
نوشته پانزده روز گذارد و آبی را در آب نوشته اندازد و خاکی را در خاک پانزده روز گند و
گذشتن چهار روز نقش هر روزه نوشتن معمول کند پس در مقدمه محبت و تسخیر و فتوح و در صحت
بیماری آتشی را اجرا دارد و در مقدمه جنگ و فتح و خوشی و دفع بیماری و آسیب خانه و فتیله
و حاضرات و بیماری کهنه و غیره را اجرا دارد و در مقدمه محبت زن و شوهر و صلت و کندن چاه و
تیاری باغ و رفتن پیش امیر و تسخیر عالم نقش آبی را اجرا دارد و در مقدمه نفاق و جدائی
و کسر زبان بدی و دفع حسد حاسدان و تحصیل مال و ساختن عمارت و رفتن بسفر
و تیار ساختن نسخه ادویه کیمیا و غیره از خانه خاکی اجرا دارد که اثر تمام و اکثر جابجا در عملیات
استادان اینها هر یک نقش را بنوع بنوع طریقه زکوة نوشته اند و جا اینکه هر کس را اینها بجز و
و جکر از استادان خویش رسیده آن طریق نوشته و صحیح است آنچه که خاصیت باشد
باعث استعجاب نیست زیرا که عجائب گنج مخفی در این هر دو نقش اصل جواهر است
و استادان ترکیبش را مخفی داشته اند از این نقوش نه نقد و نه نقره تیار شدن
این فقیر بچشم خود دیده است باید دانست که نقش آتشی را موکل عزرائیل است
و نقش بادی را موکل جبرائیل است نقش آبی را موکل میکائیل است و نقش
خاکی را موکل اسرافیل است و همین طور موکلات هر خانه در مربع همین موکلند و
ترتیب کوه مربع اینکه آتشی نقش راسی و چهار نوشته در آتش کند و بادی را در باد و بیابان
و خمس علیحده و ترکیب مخمس اینکه در ساعت زهره ۶۵ نقش نوشته بخورات روشن
کرده نقش پرهیز ترک لذت و حیوانات ضرور است پس اینقدر شرح نقوش کرده
دادم که بکار دوستان آید و نقوش که از بزرگان این خفیف رسیده بر می نگارد و از

ناظرین کتاب طمع دارد که فقیر را در جلسه خلوت لی مع الله وقت یاد نمایند و بخاه خیر آمرزش
این خفیف دست اجابت بر دارند بالله التوفیق و نقوش را از قنتش بسم الله آغاز
نمایم که بسم الله سر کلام است و آغاز هر کار از این بهتر است نقش بسم الله عجیب نقشی
است اگر کسی این نقش را از قاعده عربی نوشته چاره از قاعده اعداد چهل و از چین ترتیب
پر کند که چهل و یک نقش عبارت و چهل و یک نقش اعداد هر روز علی الصبح با وضو در یک
جلسه نوشته در آرد گولی بسته بدریا رسانیده باشد حامل این هر دو نقش گردد و در هر
مقدمه که بنویسد اثر تمام بخشد خصوصا در مقدمه مریض اگر هر روزه هر دو نقش نوشته
شسته بنوشانند و صحت یابد اگر کسی را مرض خفی که از دهن خون بر میاید یا از شکم
خون آمده باشد نوشته سه روز متواتر بنوشانند شفای مطلق یابد و اگر بر سفر و جنگ
و قضیه رود هر دو نقش نوشته بر بازوی خویش به بندد بفتح و نصرت باز آید و این
نقوش بسیار اعتماد دارند اگر حامل باشد فیض و آید نقوش عربی و عددی
و هر دو این اند

بسم الله الرحمن الرحیم
ب ب ب ب ب
س س س س
م م م م م
ا ا ا ا ا ا
ل ل ل
ه ه ه ه ه ه
ا ااا ااا ااا
ل ل ل ل ل ل

بسم
الرحمن
الله
الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
د د د د د د د د د د
ح ح ح ح ح ح ح
م م م م م م م
ن ن ن
ا ا ا ا ا
ل ل ل ل
د د د د د د د د د
حیم حیم حیم حیم حیم حیم

و نقش عددی آن بصورت اعداد جنت

۷۸۶		
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

۷۸۶		
۲۶۳	۲۵۸	۲۶۵
۲۶۴	۲۶۲	۲۶۰
۲۵۹	۲۶۶	۲۶۱

فوحد بگو نقش سوره یس هرچندکه در باب دوم صفت این سوره را بسیار کرده ام ولی آن اسناد آیات بود که در آن باب توصیف نمودم و چون این باب سوم باب نقشیات است و ابتداء از نقش بسم الله الرحمن الرحیم شروع نمودم و نقوش الحمد و اذا جاء نصر الله والفتح و انا اعطینا بضرورت و مناسبت ذکر و عبارت در باب دوم نوشته شده است اما این نقش سوره یس را بهزار مشقت و زحمت و تلاش پیدا کرده و صحیح نموده برای عاشقان این علم نوشتم که مطول نباشد در باب دوم شرح آیات سوره مذکوره شد ولی این نقش تمام سوره بر حسب مقایسه مثل دریا در یک کوزه است باید نوشت و برای صفت کردن آن زبان بنده عاجز است که شرح آنرا بدهد اگر چهل روز بکنار دریا رفته غسل کرده این نقش را پر کند و دیشکر و آرد گندم گولی بسته با ماهیان دهد چون چله تمام شود آنروز شیر برنج یک گوند تیار کرده نیاز موکلان و نیاز پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم داده و قدری بقدر اشتهای خود بخورند و باقی را بدریا تا بساق رفته بگذارد و اگر دریا نباشد در رود خانه هم جایز است همان روز عامل این نقش خواهد شد پس هر مقدمه که این نقش بنویسد اثر عظیم بخشد و اگر این نقش را در میان کوزه بنویسد بنام دزد کوزه جاری شود و اگر این نقش را نوشته با خود دارد و حضور بادشاه و امیر رود اگر خون کرده باشد معاف شود و پادشاه از او مواخذه نکند و اگر این نقش را بنویسد و با خود دارد در هر جنگی برود فاتح شود و نصرت یابد اگر کسی مثلاً پنجاه سال بمسافرت رفته باشد و از او خبری نیامده باشد این نقش معظم را نوشته و جامه طاهر پوشیده بعد از نماز عشاء زیر سر گذارد و در پشت این نقش اسم غایب را با مادرش بنویسد

و بخواب رود آن غایب بخواب او آید و از او سؤال نماید و اگر این نقش بزرگوار را برای آمدن غایب زیر سنگ گران گذارد آن غایب بیقرار شده از آن مکان حرکت کرده بیاید جهت احضار معشوق در روز پنجشنبه با طهارت و جامه طاهر این نقش را با مشک و زعفران بنویسد و فتیله نموده در چراغ بگذارد و روی چراغ بجانب خانه معشوق باشد و روغن خوشبو و عطریات در چراغ ریخته روشن کند معشوق حاضر شود اگر کسی با کسی دشمنی داشته باشد نسخه از این نقش معظم نوشته با قند حل کند و شربت نموده باو بخوراند دوست شود و اگر زنی بار نگیرد چهل روز هر روز یک نقش نوشته و در گلاب و کیوره شسته باو بخوراند بار ور گردد و اگر اگر بچه مریض این نقش را نوشته با آب طاهر و پاکیزه شسته بمریض بخورانند انشاء الله تعالی شفا یابد و برای منع الرجال اگر کسی را بسته باشند این نقش را بر ظرف چینی با گلاب و کیوره نوشته بعد شسته هفت روز از آن آب بخورد باز شود اگر کسی این نقش را بنویسد و بر ران بندد و باوضو باشد راه طی کند در سفر اگر پنجاه فرسخ راه برود خسته نشود اگر این نقش را نوشته و شسته آب آن را بر جن زده سه روز بنوشانند خوب شود و جن او بسوزد اگر جنیان در مکانی باشند این نقش مکرم را نوشته در آن مکان بدیوار بچسبانند جنیان از آن مکان بروند اگر جنیان در مکانی کلوخ اندازند این نقش را نوشته و در چهار طرف دیوار آن خانه بچسبانند دیگر کلوخ نیندازند اگر کسی برای هر حاجتی این نقش را نوشته با خود دارد حاجتش برآورده شود و بمقصود و مطلب خود برسد اگر مابین زن و شوهر اختلافی روی دهد این نقش را نوشته و شسته آب آنرا با طعام یا با شربت بخورد آنها دهند با هم دوست و مهربان شوند اگر مال کسی را دزد برده باشد این نقش را نوشته شب زیر سر گذارد و بخواب رود صورت دزد در خواب صاف بنظر آید و برای مارگزیده نوشته اثر تام بخشد و اگر نوشته در زراعت خود دفن کند زراعت محفوظ شود و اگر مال خود [illegible]